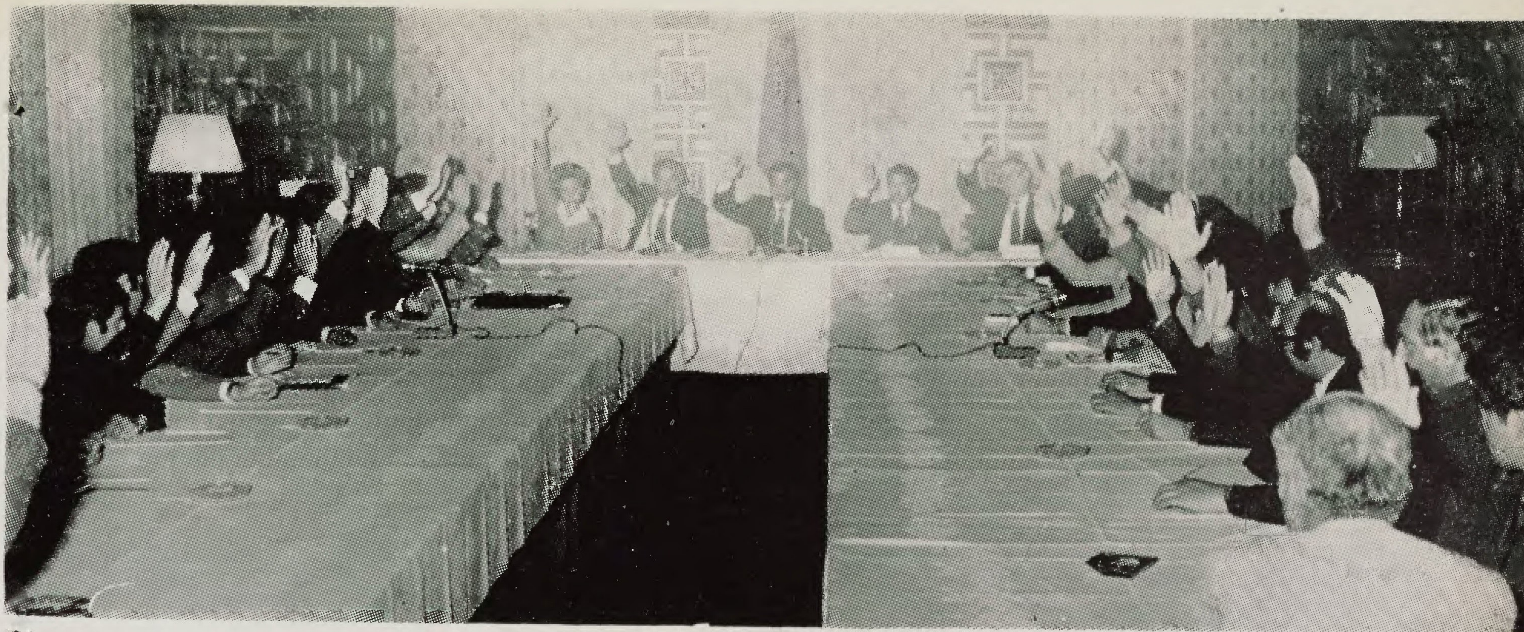
ژوندون

د ژوندون اوونیزه مجله (calligraphic subtitle)





دافغانستان دخلك دموكراتيك گوندمركزى كميتى دعمومى منشى دافغانستان دموكراتيك جمهوريت دانقلابى شورا درئيس او صدراعظم ببرك كارمل تر مشرى لاندى دانقلابى شورا په مانى كى دافغانستان دخلك دموكراتيك گوند دمركزى كميتى خلورم پلينوم جوړشو.

اختصار وقايع مهم هفته

دافغانستان دخلك ديموكراتيك گوندمركزى كميتى ددارالانشاء دخبر سره سم لكه چى گرانو هيوادوالو ته خبر وركړ شوى وو د عقرب په شلمه نيټه له غرمى نه مخكى په نهو بجو، دافغانستان دخلك دموكراتيك گوند مركزى كميتى خلورم پلينوم شوروى اتحاد ته دافغانستان دخلك دموكراتيك گوند مركزى كميتى دعمومى منشى ، دافغانستان دديموكراتيك جمهوريت دانقلابى شورا درئيس او صدراعظم ببرك كارمل درسمى او دوستانه سفر دنتيجو دخيړلو په غرض چى دشوروى اتحاد دكمونست گوند دمركزى كميتى، دشوروى سوسياليستى جمهوريتونو داتحاد دعالى شورا درئيسه هيات او دشوروى حكومت په بلنه وشو، دانقلابى شورا په مقركى جوړ شو •

* * *

هيات رئيسه شوراى انقلابى جمهورى دمو-كراتيك افغانستان تحت رياست ببرك كارمل منشى عمومى كميته مركزى حزب دموكراتيك خلق افغانستان رئيس شوراى انقلابى وصدراعظم جمهورى دموكراتيك افغانستان بروز پنجشنبه بيست ونه عقرب ۱۳۵۹ ساعت چار بعدازظهر درمقر شوراى انقلابى تشكيل جلسه داد •

* * * *

دافغانستان دخلك ددموكراتيك گوند دمركزى كميتى دعمومى منشى دافغانستان ددموكراتيك جمهوريت د انقلابى شورا درئيس او صدراعظم ببرك كارمل په مشرى دوزيرانو دشورا غونډه دعقرت په ۲۵ نيټه دانقلابى شورا په مقر (ارگ) كى وشوه •

* * * *

دعقرب په ۲٦ نيټه دمحرم الحرام لسمه دعاشوراورځ وه، زموږدينداراو مسلمانوخلكو ددعا كولو دغونډوپه ترڅ كى دحضرت سيدالشهدا امام حسين (رض) اودكر بلاى معلى دپيښى دنورو مبارزينو دشهادت خاطره ونمانځله اودكر بلا دشهيدانو پاك روح ته يى دعا وكړه •

دهيواد دمركز اوولاياتو په زر گونو تنوښار يانو ددعا كولو په هغوغونډوكى برخه واخيسته چى په تكيه خانواو مقدسو ځايونوكى وشوى •

* * * *

دپښتنو ملى ستر مشر خان عبدالغفار خان دعقرب په ۲۵ نيټه تر غرمى نه مخكى دننگرهار ولايت مركز جلال آبادته ورسيد •

* * *

شاه محمد دوست وزير امور خارجه ورئيس هيات جمهورى دموكراتيك افغانستان درسى و پنجمين اجلاسيه اسامبله عمومى ملل متحد روز بيست وشش عقرب بانمايند گان سى كشور غير منسلك ملاقات دوستانه نموده ودر باره انقلاب واوضاع جاريه افغانستان به آنها توضيحات داد •

* * *

دشوروى سوسياليستى جمهوريتونو داتحاد دمسلكى لوړواو منځنيو تعليماتو وزارت دلوست ۷۰۰ ټوكه بيلابيل كتابونه دكابل پوهنتون د محصلانو داستفادى لپاره دافغانستان ددموكراتيك جمهوريت دلوړو او مسلكى تحصيلاتو وزارت ته دمرستى په توگه وركړيدى •

په كابل كى دشوروى اتحاد لوى سفير تابييف فكرت احمدجانوويچ دعقرب په ۲۸ نيټه له غرمى مخكى په لسو بجو دغه كتابونه دلوړواو مسلكى تحصيلاتو وزير پوهنمل گلداد ته دده دكار په دفتر كى وركړى چى دكور ودانى په ويلو سرەو منل شول •

* * *

دعامى روغتيا وزير پوهاند ډاكتر محمدابراهيم عطيم دعقرب په ۲۵ نيټه دخپل كار په دفتر كى په كابل كى دمغلستان دخلكو دجمهوريت له لوى سفير مينگل جاو ينداش سره دخداى پامانى كتنه وكړه •

مبارزه بخاطر عادی شدن اوضاع در منطقه‌ما جزء لاینفک مبارزه بخاطر دیتانت و صلح در سراسر جهان است واهمیت بین المللی‌بازدید ما از اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی هم درین نکته مهم تجلی مینماید .

از بیانیه ببرک کارمل در پلینوم چهارم کمیته مرکزی ح.د.خ افغانستان .

درین شماره

شنبه اول قوس ۱۳۵۹-۲۲ نوا مبر ۱۹۸۰

چهارمین پلینوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا

روز ۲۰ عقرب شاهد برگزاری مهمترین رویدادتاریخی یعنی دایرشدن پلینوم چهارم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق‌افغانستان بودیم .

درین پلینوم که راجع به نتایج سفر رسمی و دوستانه ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان‌رئیس شورای انقلابی و صدراعظم‌جمهوری دموکراتیک افغانستان از اتحاد شوروی دایر گردیده بود، تمام مسایل حزبی ودولتی مورد غور وبررسی قرار گرفته ونتایج کارو اجراآت حزب ودولت در عرصه های مختلف حیات و زندگی مردم اعم از اقتصادی - اجتماعی ،سیاسی وغیره‌به صورت همه جانبه وعلمی مورد ارزیابی قرار گرفته ومصوبه یی‌درزمینه به‌تصویب‌رسیده‌که‌مبین نتیجه گیری از اجراآت و فعالیت حزب ودولت در گذشته بوده خط السیر اهداف و وظایف حزب ودولت رادر قبال تحقق آرمانهای والای انقلاب ثور واعمار جامعهٔ نوین مبتنی بر عدالت اجتماعی و فارغ از هر گونه ستم و استثمار درآینده، مشخص وروشن نشان میدهد .

درپلینوم چهارم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا نتایج سفر هیات عالی حزبی ودولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان به‌اتحاد شوروی که‌توسط ببرک کارمل مفصلا گزارش یافت عالی ارزیابی گردیده ونظریات ،نتیجه گیری هاو دساتیر مندرج در بیانیهٔ ببرک کارمل بصورت عام وتام تایید گردید .

کمیته‌مرکزی ح.د.خ.ا اهمیت این‌سفررابه‌اتحاد شوروی مرحله تاریخی در تکامل وتعمیق‌هرچه بیشتر دوستی برادرانه وخلل نا پذیر میان احزاب، کشورها ومردمان هردوکشور دانسته‌و خاطر نشان می‌سازد که مناسبات عنعنوی‌دوستی بین دوکشور افغان وشوروی با پیروزی انقلاب ثور در افغانستان بخصوص پس از مرحلهٔ‌نوین تکاملی آن به مناسبات برادری ، همبستگی انقلابی و همکاری همه جانبه ارتقاء یا فته است .

همچنان‌پلینوم‌چهارم‌کمیته مرکزی ح.د.خ.ا جوانب اساسی پروسه رشد وتکامل مناسبات افغانستان واتحاد شوروی را مورد بررسی‌قرار داده و رضایت عمیق خودرا مبنی بر رشد موفقانه وثمربخش این مناسبات بر اساس معاهده دوستی ۱۳۵۷ اظهار نموده واینکه‌اتحاد شوروی وظیفه‌انترناسیونالیستی خودرا دربرابر مردم و حکومت افغانستان در جهت نابودی قطعی ضد انقلاب و تجاوزات خارجی در کشو ر ما انجام داده و خواهد داد و همچنان بخاطر درک عمیق پرابلم های‌تکامل انقلاب ثور وکمک های بی‌شایبه و مساعدت های کشور شورا هادرجهت ارتقای سطح رفاه مادی و همکاری و سهمگیری آنکشور در ساختمان جامعهٔ نوین افغانی، سپاس عظیم‌خود را به کمیته‌مرکزی حزب‌کمونست اتحادشوروی حکومت شوروی وشخصا به رفیق لیونیدایلیچ برژنف ابراز میدارد .

درپلینوم چهارم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا تذکر رفته است باوجود موفقیت هایی که پس از پیروزی انقلاب ثور بخصوص مرحله دوم آن در مبارزه علیه دشمنان انقلاب‌وتحکیم‌حزب وتحولات اجتماعی و اقتصادی نصیب حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان گردیده است، بااین هم‌اکثر‌کمیته‌های حزبی ارگانهای دولتی ، وزارت خانه هاادارات وسازمانهای اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان‌نه‌تنها درحل‌مسایل مبرم حیاتی ازخود بطائت نشان میدهند و کار شکنی و تعلل و اختلاس و سوء استفاده از موقف ها ومقام ها صورت گرفته است بلکه‌ارگانهای‌دولتی‌وادارات درجهت استقرار و اعتلای اقتصاد افغانستان انکشاف صنعت و محصولات زراعتی ، تجارت داخلی وخارجی وغیره تدابیرکافی وقناعت‌بخش‌اتخاذ نگردیده و از امکانات دست داشته خود کمتر استفاده مینمایند .

بنابران به منظور رفع همهٔ نابسامانی ها، بهبودوضع اقتصاد کشور واستقرار نظم انقلابی ورفاه همگانی مردم، پلینوم چهارم‌کمیته‌مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان‌مصوبه‌یی رابه تصویب رسانید که در آن خط السیر فعالیت ووظایف حزب ودولت رادر مرحلهٔ کنونی‌انقلاب درجهت نیل به‌وحدت واقعی وارگانیک حزب دموکراتیک خلق افغانستان یکپارچگی وتحکیم صفوف آن مبارزه بی‌امان علیه دشمنان‌انقلاب ثور محو کامل ضدانقلاب وگروه‌های باندیت ها وتصفیهٔ تمام ساحات جمهوری دموکراتیک افغانستان در ماههای نزدیک ، سنگین و پر مسوولیت است .

در پلینوم چهارم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا در مورد وحدت ارگانیک حزب‌که ضامن عمدهٔ پیروزی در جهت محو کامل ضدانقلاب وتحقق اهداف والای انقلاب ثور است بشدت تاکید صورت گرفته است چنانکه ببرک کارمل در آخر گزارش خود در پلینوم مذکور چنین اظهارداشت: «ماوحدت حزب رادرتمام عرصه‌ها اعم از رهبری ایدیالوژیک ،سیاسی‌وسازمانی برمبنای کارو پیکار واحد فشرده ودست به دست هم درراه امحای کامل دشمنان و ضد انقلاب درراه حل تمام مسایل مربوط به حزب ودولت ، انقلاب وجامعه درراه ساختمان‌اقتصادی اجتماعی افغانستان نوین ودر راه ارتقای سطح زندگی‌مادی ومعنوی توده‌های وسیع‌مردم قهرمان افغانستان انقلابی تامین نموده وباز هم بیشترو بیشتر‌تامین مینماییم‌ووحدت‌وارگانیک واصولی حزب خودرا واقعا بمثابه شرف ووجدان ، عقل وقلب خود، جسم وروان خود در عرصهٔ ملکی ونظامی بسط وتوسعه واستحکام می‌بخشیم.»

اصول رهبری علمی حزب ودولت

مسئاله رهبری علمی جنبش اجتماعی ،جامعه و حزب از مهم ترین مسایلی است که در مطبوعات مترقی و انقلابی هر روز پیرامون آن بحث و ارزیابی صورت می گیرد البته باید دانست که این مسأله‌تحت عنوان «مدیریت» درمطبوعات سرمایه داری‌و وابسته نیز موردبحث قرار می‌گیرد وموضوع‌را از نظرگاه صاحبان سرمایه و شبه دانشمندان اجتماعی تحلیل و ارزیابی می‌نمایند ودرین طریق قلم فرسایی های زیادی صورت می گیرد وکتب و رسالات متعددی بچاپ می‌رسد. مادرینجا با استفاده از اصول کلی علم مترقی و انقلابی‌و باالهام از گزارش علمی ، انقلابی وصادقانه ببرك كارمل منشی عمومی کمیتهٔمرکزی حزب‌دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك‌افغانستان به‌چارمین پلینوم کمیته مرکزی حزب وفعالین‌حزبی،می خواهیم‌پیرامون این‌موضوع مهم‌بحث نماییم.

اولین شرط رهبری صحیح وعلمی جنبش اجتماعی و جامعه عبارتست از تامین و بدست آوردن اطلاع جامع و موثق در باره وضعی که‌مورد بررسی ماست و باید مادر آن تاثیر بخشیم (جامعه ، نهضت ، حزب وغیره) این اطلاع باید مبتنی بر حقایق دقیق باشد و به خواست هاو گرایشس های ذهنی در جمع آوری فاکتها و کسب اطلاعات راه داده نشود . زیرا واقعیت ها، حقایق و فاکتهای متنوع بسیار است و اگر کسی مغرض باشد می تواند آن‌فاکتهایی را بر گیرد وبر گزیند که بسود اوست و آنهایی را که بزیان اوست بگذارد .

لذا جمع آوری‌فاکت ها و جمع آوری اطلاع نباید سرسری انجام گیرد .

شرط دوم عبارتست از تحلیل علمی فاکت های گرد آمده بر اساس اسلوب علمی و جامعه شناسی علمی . زیرا خود فاکت ها نمی‌توانند روایتگر ماهیت و ضع روابط درونی، سیر نهایی وقایع و سمت تاریخی باشد در هنگام تحلیل نیز باید بسیار دقیق بود زیرا اگر کسی بخواهد که فاکتها و اطلاعات را در کالبد های فکری و قالب های اصولی معینی بزور بگنجاند، درنتیجه آنرا مسخ کرده است . همچنان اگر کسی نخواهد ازاحکام رهنما برای سمت یابی در انبوه فاکتها استفاده کند ، نخواهد توانست از فاکت های گرد آمده استفاده ای اعظمی بکند. برای آنکه درین مرحله حساس ازفاکتها اطلاعات و تجارب و مشاهدات گرد آمده بدرستی استفاده شود بهتر است اظهار نظر خلاق و عاری از ترس و ملاحظه و غرض بعمل آید تاکنه و قایع و ریشه حوادث و جهات مختلف آن و سمت حرکت آن روشن و منظره حقیقی جریان بدرستی ترسیم گردد .

حالا لازم است که دو اصل فوق را قبل از آنکه اصول علمی دیگررا تشریح نماییم در گزارش علمی و انقلابی ببرك كارمل جستجو نماییم : ایشان در بخشی از گزارش شان چنین فرمودند :(باصراحت بایدگفت که بسیاری از رفقای ما هنوز طوریکه باید و شاید و آنطوریکه اوضاع و احوال می طلبد موثر و مثمر کار نمی کنند. البته این وضع علل عینی نیز دارد. ما هنوز تجربه کافی در زمینه اعمار اقتصادی نداریم و تعداد اعضای حزبی مطمئن و آزموده که در عین زمان در عرصه های مختلف کار دولتی و تولیدی مهارت و قابلیت لازم داشته باشند . کافی نیست اما بیایید با واقعیت ها روبرو شده و صریح و روشن حرف‌بزنیم، آیا همیشه از امکاناتی که در دست داریم بحد کافی استفاده می نماییم ..»

اشاره به موضوع فوق علاوه از آنکه مراعات دقیق اصل دوم رهبری علمی جنبش و جامعه است يك اصل زرین وسازنده دیگر انقلابی یعنی اصل انتقاد و انتقاد از خود را نیز بوضوح گواهی میدهد حال بپردازیم به تشریح اصل سوم رهبری علمی جنبش حزب و جامعه : این مرحله مرحله استخراج شعار ها ورهنمودهای‌عمل است . اکنون فرض کنیم که از وضع‌بدرستی مطلع‌شدیم وضع را بدرستی تحلیل کردیم‌و‌به‌نتیجه گیری های معین ومشخص دربارهٔ جریان رسیده ایم که منطبق باواقعیت‌است باید بصراحت گفت که تمام این فعالیت‌هاجنبهٔ اکادمیك‌دارد اگربعمل منجر نشوداگر برای پیشرفت نهضت، حزب و جامعه بکار نرود لذا باید ازتحلیل شعار هاورهنمودها. عمل را استخراج کرد زیرا این کار از آن سبب ضرور است که وظایف حزب نهضت و جامعه دررا ه نیل بهدفی که در برابر خود نهاده است . در مقطع معین زمانی و مکانی از آن روشن می گردد . درین جاباید متذکر شدکه بسیارسودمند خواهد بود اگر ماشعار ها ورهنمود هایرا که از تحلیل خود استخراج کرده ایم در مرحله نخست بشکل تجربی دریك محیط محدود تر بکار بریم تا به صحت و اثر بخشی و کارایی آن در عمل معتقد شویم باید همه رهنمود ها را باسنجشس های لازم اخذ نماییم ماجراجویی جز این نیست‌که رهنمود ها،ذهنی وولونتاریستی باشد و باحرارت وشتاب درمقیاس وسیع جامعه اجرا گردد.

با تاسف باید بگوییم که اعمال و لو نتاریستی و اتکا به اراده شخصی درزمان تسلط امین خاین و منحرف درحزب، دولت و کشور ما بشکل بسیار روشن به‌مشاهده می رسید و البته هموطنان ما و جهانیان اضراز و عواقب‌آنرا بخوبی مشاهده کردند که نه تنها عدهٔ بی شماری از وطنداران قهرمان ما بدست عمال و گماشتگان امین جاسوس وولونتاریست تلف وتوقیف‌شدند‌بلکه‌حزب، دولت‌وانقلاب به بیراهه کشانیده شد . ولی با پیروزی مرحله نوین انقلاب ثور همه آن اعمال و انحرافات یکسره به دور انداخته شدند و حزب ودولت وجنبش به صراط المستقیم‌رهنمایی شدند اینك با تذکربخشس دیگری از گزارش ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتيك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم کلام خود را موجه ترمی سازیم. ایشان در مورد وحدت کامل‌حزب چنین می‌فرمایند: «می‌خواهم بطور خاص خاطر نشان سازم که مسئله بر سر قبول‌وحدت درحرف نیست ، بلکه هدف ما وحدتی است که در عمل و درجهت تحقق اهداف انقلاب ما و اجرای تصامیم حزب ضروری می باشد بنابرین‌باقاطعیت‌اعلام می‌گردد که‌دیگر معیار عمده حزبیت و ارزیابی از فعالیت های رهبری حزب ودولت تعلقات و خدمات گذشته شان‌نمی باشد، بلکه دروضع کنونی مبارزه فعال شان بخاطر تحقق آرمان های انقلاب ثور و مبارزه علیه ضد انقلاب از یکطرف و از جانب دیگر اجرای موفقانه وظایفی که حزب در عرصه های اقتصادی و اجتماعی پیشس می کشد تحکیم دوستی همیشگی با حزب لیننی کمونست اتحاد شوروی دوستی بین کشور ها وخلق‌های‌مامعیار های‌اساسی‌ارزیابی کار هر عضو حزب و هر کارمند حزبی و دولتی به حساب می روند ...»

بقیه‌درصفحه ۵۷



سلسله گفت وشنودها و نشست های اختصاصی ژوندون درمیزگرد

در زیر ذره بین نقد و انتقاد

زیر نظر گروه مشورتی ژوندون

قانون جزای جرایم علیه احضارات محاربوی

د راین جدل :

- **دگروال محمد آصف الم رئیس محکمه عالی قوای مسلح**
- **جگرن محمد صدیق رئیس حزبی تشکیلات وزارت دفاع ملی**
- **دیپلوم انجنیر محمد نادردهقان رئیس تشکیلات وزارت دفاع ملی.**
- **جگرن عبدالمجید ابوی مرستیال خارنوالی قوای مسلح**

شرکت دارند .

را حله راسخ خر می در این نشست آغاز گر جدل است و در آغازسخن خوداشاره یی میکند به هدف ازراه اندازی این جدل و در همین زمینه میگو ید ، که :

ـژوندو ن این تنها مجله هفتگی کشور نشر یه یی است خانواد گی که نه تنها رسالت تنو یر ، آگا هی دهی و فرا هم آور ی مطالب آموزنده وسر گرم کننده را برای مادرا ن و پدرا ن و فرزند ان و جوانا ن عهده دار است بلکه در پی آن است که بتوا ند از یکسو مشکلات وپرابلم های عمد ه و اساسی زندگی خانوادگی را در بو ته نقد و بر رسی گذارد و برای رفع نابسامانی هاو دشوا ری هاراه های حل منطقی و تطبیقی را به کاوش گیرد و از سو ی دیگر به پرسشس ها و سوالاتی که در زمینه ها وشئو ن مختلف زندگی اجتما عی برای شا ن مطر ح میگردد در تماس های خود با ارگان های مسوو ل و با صلا حیت پاسخ های درست تهیه دارد و به نشر سپارد که در همین سلسله درجریان سال روان مسایل گو نه گو نی مانند کمبود مسکن ، کمبود بسس های شهر ی ، نابسامانی های موجود در کار تو لید و تور ید ادویه و مطالب خاص خانوا د گی در این نشست ها باشرکت آگا هان و مسوولان امور و نماینده ها ی خانواد ه های شهر کابل به جدل آورد ه شده و از آن نتایج سود مند بدست آمد ه است .

ما بحث پیرا مو ن طر ح قانو ن جزا ی جرایم علیه احضارا ت محاربوی قوای مسلح جمهور ی دمو کراتیك افغانستا ن را از آن جهت دربرنا مه کارخود قرار دادیم وگروه مشورتی ژو ندو ن نیز آن را به تایید گرفت که بعد از انفاذ این قانون ونشرآن در مطبو عا ت کشور عد ه یی از مخربان و عمال فرو خته شده و دشمن به وطن و مرد م سلسله شایعا ت و افوا ها تی را پخشس کردند که انگیز ه یی شد برا ی ایجاد ترس و وا همه در میا ن خانواد ه ها .

ما برا ی اینکه درست بود ن ویا نبود ن این شایعات را بامسوولا ن امور وزارت دفاع ملی .در میان گذاشته و خانواد ه های کشو ر را در جریا ن آن قرار دهیم یك تعداد مطا لبی را که خود خانواد ه ها در تماس های خود با ژو ندو ن به میان آورده اند در این نشست به طر ح میا ور یم و هم میکو شیم همانگو نه که روش ما در این جد ل ها ست

مسایل
سیاسی واجتماعی ، فرهنگ و
هنر،نوجوانان ، جوانان وخانواده ها

مسا له را از پهلو ی های مختلف آن به بررسی گیر یم و در هر مور د روشنی کا فی به موضو ع انداز یم اینك سخن را به رووف را صع مـی سپار م که مسوو ل میز های گر د ژوندون است تا پـرسش ها را به طرح آورد .

رووف را صع :

هیا ت رئیسه شورا ی انقلا بی جمهور ی دمو کرا تیك افغانستا ن در جلسه مور خ سی و یك سر طان سال روا ن طر ح قانو ن جزای جرایم علیه احضارا ت‌محاربو ی قوای مسلح جمهور ی دمو کرا تیك افغانستا ن

رئیس محکمه عالی قوای مسلح:

در نظا م های استبدا دی ایدیا۔ لوژی حقوقی مجمو عه‌نظراتی‌است که قوانین و مقررا ت منا فع طبقا ت مسلط را به بهترین شکل ممکن حفظ کند ، در جوا معی که استثما ر فرد ازفرد درآن حاکمیت دارد طبقا ت ستمکش نظرا ت خود را انعکاس داده نمیتوا نند و قوانین در مجموع حافظ منا فع طبقات ستمگر میباشند.

در کشور ما بعد از پیـــروز ی انقلاب ثور و حا کمیت سیاســـی حزب دمو کرا تیك خلق افغانستا ن قوانین به گونه یی وضع میگردد که بشر دوستی .

ایز قانو ن از نظر سیاسی به منظور تحکیم قانونیت ا نقــلا بـی بسط انضبا ط و دسپلین و به مقصد تشریك مبارزه علیه خــرا بکارا ن و متجاوزا ن به امنیت و دشمنا ن وطن نافذ شده ووظا یف مر حله نوین انقلاب را به عمل پیاد ه می کند .

در سا حه عمل قانو ن جدیددارای مواد جدید ی است و قانو ن قبلی را که سی و دوسا ل پیشس نا فـذ ساخته شده بود ملغی قــرار داده و اقدا م عمد ه یی به شمار میا ید بشر دوستی قانو ن است . همچنان این قانون شرایطی را فراهم آو رده است که آن عده سربازا نی که به شکل غیر قانو نی ا ز قطعا ت خود کنار ه گر فته بودند در مد ت دو ماه در صور تی که و اپس به قطعا ت خود حاضر شده باشند از مجازات معا ف میباشند و این یکی دیگر از مفا هیم عمیق بشر دوستی در آن میباشد که در قوانین قبلی چنین موارد ی مو جود نبود .

در تمام موارد جـز ا یی در قوای مسلح تحقیق ابتدا یی به وسیلـــه ارگان های څارنوا لی صورت مـی گیرد و مسایل مر بو ط به اتهام



گوشه‌ی ازمیز گرد ژوندون پیرامون قانون جزای جرایم علیه احضارات محاربوی

را در نوزد ه ماد ه مورد تایید و تصو یب قرار داد که از طر ف رئیس شورا ی انقلابی جمهور ی دموکراتیك افغانستا ن منظور و در پانزد ه‌سنبله بانشر در جریده رسمـــــی نا فذ گردید ، شما لطفاً در این ز مینه توضیح دهید که مفید یت این قانون د رحالات محاربو ی شا مل چـــه موارد ی میگردد و این قانو ن در مجمو ع چه تسهیلا تی را در امور نظا می به وجود می آورد ؟

محتوای آن منافـع طبقات ستم کش را تضمین میکند که درهمین‌ز مینه با ید از طر ح قانو ن جزا ی جرایم علیه احضارا ت محاربو ی نا م‌گرفت که محصو ل مر حله نوین و تکا ملی انقلاب است.

این قانو ن که در آن تمام امکانا ت تضمین منا فع طبقات مورد ستم واقع شد ه در نظر گرفته شـــد ه در۔ مجمو ع خود دارا ی سه مفهو م میباشد :

مفا هیم سیاسی ، اجتما عی و در جهت تحکیم و دسپلینی درقوای مسلح افغانستا ن .

این قانو ن در پهلو ی اینکه مجازا ت سنگین را برا ی اشخا ص مجر م پیشس بینی میکنـــد برا ی اشخاصی که به وسیله گروه هـــاو باند های خرابکار تشو یق بـــــه خرابکار ی میشو ند و آن را به آگا هی مقامات دو لتی وا منیتی‌می۔ گذار ند موارد ی را در نظر گر فته است که از مجازات معا ف مـــی۔ گردند و این به خاطر تا مین جنبه وارد ه بار عایت تمام حقو ق قانونی که در اصو ل اساسی جمهور ی دمو کرا تیك افغانستا ن ذکر شد ه است د رمحا کم عملی میگردد .

مفهو م تر بیو ی قانو ن ایـــن است که نه تنها مجازا ت مجر مین را هد ف خود قرار داد ه بلکه آنها را مجددا تر بیت هم میکند مثــلا یکی از مواد قانو ن این طور حکم می کند که : محکمه میتوا ند با درنظر داشت اهلیت شخصی مجر م و

لطفاً ورق بزنید

ابوی مرستیال خارنوالی قوای مسلح :

به تایید گفته های محترم رئیس محکمه عالی نظامی من فقطاین‌نکته را اضا فه میکنم که مو جه بود ن و یانبود ن عذر در خلال تحقیق‌مورد سنجشس قرار می گیرد ، یعنـــی خارنوا ل وقتی که مستنطق راموظف به تحقیق از متهم می سازد و در خلال تحقیق متو جه‌میگرددکه‌شخص در اثر یك عذر مو جه نتوا نسته است به مو قع معین به قطعه خود حاضر گرددبه اساس دسا تیــر قانو نی وی از مجازا ت معا ف می گردد ، مثلا متهم ادعا ی مر یض‌بودن را میکند ، خارنوا ل و مستنطــق اسناد مریضی او را مورد باز دید

اضا فه رخصتی و اضا فه مر یضی و مانند آن که به اساس آن اقداما ت بعد ی صور ت می گیرد .

رووف راصع :

قاعد تاً دریك محا کمه که‌روحیه مد نی داشته باشد ، خوا ه نظا می باشد و یا ملکی به این دلیل که در مقابل شخص متهم خارنوا ل از حقو ق دولت دفاع میکند که به تمام موارد حقو قی و مد نی و در صورتی که محا کمه نظا می باشد خصوصیات نظا می آشنا یی کا مل دارد و می تواند از کو چکترین بر گه وسندنیز علیه متهم وبه منظورشدت بخشیدن مجازا ت وی استفاد ه کند با ید وکیل مدا فع متهم نیز اولا درصورت امکان موقف حکومتی نداشته ودوماً



دگروال محمد آصف‌الم رئیس محکمه عالی قوای مسلح



جگرن محمد صدیق رئیس امورحزبی وساز ماندهی ریاست‌عمومی ا مورسیاسی .

شدت جر می که این آدم مر تکب شده وسایر حالات تنفیذ و تطبیــق حکم ، حبسس مجر م را الی ختــم حا لت جنگ معطل قرار داد ه و مجر م عسکر ی را در یکی ازقطعاتی که در حال محار به است اعزا م کند ، در صور تیکه شخص مذکو ر در دفاع از جمهور ی دمو کرا تیك افغانستان و دست آور د های‌انقلاب ثور از خود شجا عت نشا ن دهد و یا در محاربه زخمی و معلول‌گردد، به اساس پیشنهاد محکمه مر بو ط و منظوری‌هیات رئیسه شورا ی انقلابی از اکمال میعاد حبسس معینه معا ف شده میتواند .

یعنی اگر دقت شود در وا قــع هم وطنا ن ما تشو یق به شجا عت و مبارز ه علیه ستمگرا ن میگردند.

رووف راصع :

در صور تیکه شخصی مجلو ب عذر مو جه برای کنار ه گیر ی از خد مت‌عسکر ی داشته باشد ، شما با چه شا خص ها وضوا بطی برا ی رسید گی به این عذر ها استناد می کنید ؟

رئیس محکمه عا لی قـــوا ی مسلح :

تمام همو طنا ن ما به یکی ازواحد های ا داری مانند و لسوا لی هـا، قریه ها ، نوا حی ،ولا یات وغیر ه مربو ط میباشند در صور تی که عذر مو جه مانند مر یضی و یا حادثه طبیعی مانع رسیدن شخص‌به قطعه مربوط گردد ، این موضوع‌به‌وسیله وا حد های ا داری مربوط تصدیق می گردد در صور تیکـــــه عـذر مـ ریضی باشد این کار از طر یـق هیات های صحی مو ظـف صو رت می گیرد و این تصادیق مورد قبول مقامات وزار ت دفاع ملی قرار دارد.

اگرچه درتعلیما ت نا مه مسایل مربو ط به صحیه هدایت‌به‌گونه یی است که باید عسکر مر یض در شفاخا نه های عسکر ی بستر و معالجه گر دد . وتصا د یق مر بوط را نیز از همین مرا جع به دست آورد اما حالات ناشی از حواد ث طبیعی را اگر واحد ها ی ادار ی مر بو ط تصدیق کنند نظر آن ها در محاکم نظا می مورد پذیر ش قرار می گیرد.

قرار مید هند و در صور تیکه این اسناد مو ید آن باشد که ی‌واقعاً مریض بوده است در این صور ت خارنوا ل دوسیه اش را خا تمه‌یافته تلقی کرد ه و به محکمه را جع نمی سازد .

را جع به اینکه شا خص ها در این زمینه چگو نه است باید گفت که دستو ر العمل های مشخص و قانو نی در هر مورد وجود دارد که به اساس هدا یات واحکام‌آن رفتار میگردد ما نند دستور العمل هـا ی

از نظــر سطح آگا هی وآشنا یی با موارد حقوقی و نظامی‌هم ردیف خارنوا ل باشد تابتوا ند به استنا د موارد مختلف از متهم دفا ع کند و با استفاد ه از تمام مــــورد ها ی تخفیف مجازا ت در مورد جر م وی آن را به حد اقل کا هشں دهــد در حالیکه که در گذشته در اغلب محاکمات‌یا متهم‌وکیل مدافع نداشت و نا گز یر خودش که گا ه اتفا ق میافتد کمترین ا طلاعـی نیـز از

بقیه‌در صفحه ۵۸

بمناسبت دهۀ آب آشامیدنی

دهۀ آب مشروب صحی

آب سه ربع روی زمین را فرا گرفته است۔ ولی سه در صد این مقدرآب تازه ایست که برای نوشیدن وآبیاری مناسب تشخیص داده شده است و مقدار بیشتراین سه در صد نیز در زیر زمین گیرمانده است • برای ملیونها انسان کشور های روبه انکشاف آب تازه برای نوشیدن وآبیار ی به منزله خوا ب وخیا ل است. آنان به آب باران اتکا دارند ولی باران نیز همواره در موقع نیاز مندی شان فرونمی ریزد ازینرو این مردم بهفراوانی بهموقع آب موسمی در جوبیارها یانهر هائیکه ازبرف ذوب شده مملو میگردد چشم میدوزند ولی دربسی از سال ها خشك سالی هاودر برخی دیگر سیلاب هاحادث میشود •بدینگونه کیفیت زندگی که بهاین پیمانه به آب بستگی دارد، غالبااز رهگذر عدم اطمینان بهوجود آب بینوا می گردد •

قلت آب مفهوم آلودگی وبیماری و مرگ برخی انسان هارانیز در بردارد •در مناطق خشك گیتی قلت آب موجب خرابی حفظ الصحه میگردد ،زیرا در محلات مرطوب، آلودگی ، خاك زیر حوض ها وچاه های کم آب رابه منابـــع عفونت مبدل می گرداند • در روستاهای کشور های روبه انکشاف هشتاد در صد مردم باخطر آب ناپاك مواجه می باشند، ودر اغلب آنهاچاره دیگری جز استفاده از آبی که برای شا ن میسر می گردد ندارند .

این مردم پول گزافی برای آن می پردازند دریك بستر از هر چهار بستر بیمارستان های دنیا مریضی خوابیده که بیماری اوازآب ناپاك سرچشمه گرفته ودر برابر هرنفری که به بیمارستان میرسد تعداد بی شماردیگری به علت کمبود خدمات صحی محروم از مداوابر میگردد چنانکه برخی از آنان که اغلب شان اطفال اند پدرود حیات می گویند ، امراض ناشی از آب عامل مهم مرگ کودکان واطفال است چه در هرسال تقریبا پنج ملیون آن عدۀ شان که هنوزسالگرد اول زندگی خودرااکمال نکرده اند جان می سپارند حفظ الصحۀ ناقص درین مرگ ومیرتاسف آورنقش مهمی دارد • بی خبری ازآب مشروب صحی وطرز استفاده ازآن این مشکل رابغرنج ترمیسازدودر ین گیرودار باز هم اطفال بیچاره قربانیان بی یارویاور این ماجرااند•

روی همین علت ملل متحد دهسال آینده رالادهۀ تهیۀ آب مشروب صحی وحفظ الصحۀ بین المللی)نام گذاشته است • اگر قرار باشد از زندگی ملیون ها جوان حمایت بعمل آید• بایددر قسمت آب مشروب صحی توجه مزید بعمل آید زیرا بدون تهیۀ آب مشروب صحی وبر طرف کردن مانع آگاهی خانواده حفظ الصحه اهمیت خودرااز دست خواهدداد• واقدامات بهداشتی اسهال وانتانات معدی نتیجه مثبت نخواهد داد •

ازآنجائیکه کم از کم نیمی از تلفات انسانی که ازآب ناپاك واقدامات بهشتی ناشی میشود به کودکان مربوط میگردد ازآنروبرای یونیسیف لازم است به دهۀ آب و حفظ الصحۀ توجه جدی مبذول دارد •یونیسیف درراه همکاری باحکومت هااز سال ۱۹۵۳ به اینطرف در بهبودخدمت آبرسانی وحفظ الصحه ومعیار های آن در حدود پنجاه وسه در صد مساعدت های خودرا به افغانستان ویکصدونه کشور دیگر درساحۀ صحت طفل تهیۀ آب وبرنامه های حفظ الصحه به کارانداخته است •

این دهه برای افغانستان بنابر قلت آب نوشیدنی صحی و تامینات محیطی اهمیت بزرگی دارد• سروی های روستایی این حقیقت راآشکار ساخته است که دهاتیان این کشور آب نوشیدنــی پاك رادر قطار نیاز منـــدی های عمدۀ خود قرار میدهند در بالا ترین رقم تخمینات دسترسی دهات آب مشروب صحی از هفت در صد تجاوز نمی کند • پس در حالیکه نودوسه در صد باقیماندۀ مردم دهاتی ازآب ناپاك به بالا بردن میزان مرگ ومیر اطفال منتج میگردد •این موضوع مساعی ملی رادر سایر ساحات صحی وتغذیه تحت الشعاع قرار میدهد ازینرو آب کلیدی است برای خوبی صحت اطفال ولی تامین آن برای اطراف واکناف کشور مبارزه عمده بشمار میرود • اراضی دشوار گذر، مشکلات ترانسپورت رابه وجود میاورد •مراقبت ازکار پمپ های دستی وپمپ های برقی نیازمندی اولیۀ دیگری بشمار میرد •مناطق کوهستانی کشور گرچه آب دارد ولی مستلزم دستگاه های اصلاح شدۀ ذخیرۀ آب و طـــرح هـــایی است تاآب رااز منشاء آن به استفاده کنندگان برساند• مناطق باثیر شمالی وجنوبی به انکشاف آب های زیر زمینی احتیاج دارد •

دولت به پیمانه وسیعی پلان های بهبودتهیۀ آب رابه وسیلۀ دستگاه شبکۀ آبرسانی پمپ های دستی روستایی روی دست دارد این پلان هانه تنها بخانواده های دهاتی بلکه همچنان به مراکزصحی بیمارستان ها، مکاتب ومراکزآموزشی نیزخدمت میکند ووقتی این پلان ها پیشرفت کند اطفال کشورازخطرات عمدۀ صحی مصئون خواهندشد•

افغانستان حفظ الصحه محیطی رابه برنامۀ آب آشامیدنی خودمنوطمی سازدازینرو برای مردم این کشوراین موضوع در حکم امر حیاتـــی است تا خطراتی راکه عادات غیر صحی ومحول ناپاك بر آنان تحمیل می کند بشناسند • در هر جایی که آب کم باشد خواهی نخواهی حفظ الصحه نیز ناقص است ، ولی تنهاآب نمی تواندین مشکل راحل کند بلکه مساعی آموزشی باید مانع نا فهمی رابر طرف سازد طریقۀ های بهتر دور ریختن کثافات به شمول استفاده صحی ازفضلۀ انسانی (بحیث کودزراعتی) درجملۀ الویت های تعلیمات صحی تشخیص شده در افغانستان است یونیسیف بههمکاری های خود درانکشاف واجرای اینچنین برنامه های آب وحفظ الصحه ادامه خواهد داد•

دهسال وقت زیادی نیست تاهمۀ این فعالیت های مورد نیاز انجام یابد ولی اگر کشور ها اهداف این دهه راباراده و عزم متین آغاز کنندوخودرا به ادامه این مساعی متعهد گردانند آینده برای شان واطفال وخانواده هاچه در افغانستان وچه درسایر کشورهای جهان تابناك خواهد بود •

د میرمن نجیبی لیکنه

دټولنی په هراړخیز پرمختګ کی دښځو فعال نقش

دا څرګنده خبره ده چی په یوه ټولنه کی د ښځو ارزښت ډیرزیات دی ځکه ښځی دهغی ټولنـی او لادونــه روزی د ټــولـنـی او خلکو خدمت دپاره یی وړاندی کوی •

که چیری یوه ښځه دخپل اولادو په روزنه او تربیه کی لټی وکړی اوسمه لاره ور په ګوته نه کړی نو په دی کی هیڅ شك نشته چی اولادیی دټولنی دفعالو غړو په حیث کار نشی کولـی

داځکه هره یوه ښځه دخپل اولادپه ښه روزنه او تربیه کی پوره نقش لوبولای شی او کولای شی چی خپل اولاداو زامن صالح اودټولنی فعال غړی تربیه کاندی هر کله چی دیوی ښځی په تدبیراو صحیح لارښودنه یوه اوصالح زامن ټولنی ته وړاندی شی نو کیدای شی چی دا ټولنی دپرمختګ اوپرمختیا په لاره کی اغیزمن او ګټورکامونه اوچت کړی شی •

هریو صالح اوپوه ځوان چی دیوی بادردی اوخوا خوږی ښځی په واسطه ټولنی ته وړاندی کیږی د هغی ټولنی دودی او پیاوړ تیا په برخه کی به زړه پوری چاری ترسره کیږی •

ښځه نه یواځی دکور او کهول کارونه تر سره کوی او ټولنه ورځ دکور دکارونو په سمبښت اوسمبا لښت کی لګیاو بوخته وی بلکی د ماشومانو روزنه، دکالیو پریمنځل او ګنډل، د ډوډی پخول، اوداسی نور ورځنی اوحیاتی چاری هم په غاړه لری •

که چیری یوه میرمن اوښځه پورتنی کار ونه په پوره پاملرنه اوځارنه سرته ورسوی اوددغو چارو داجرا کولواو ترسره کولو په وخت خپل زامن او لونی هم په دی وګوماری چی ورسره مرسته اوهمکاری وکړی اودخپنو کارونو په ښوونه کی هم ځان ونه زغوری نویقین دی چی د هغه کورد میرمنی اوښځی ارزښت او اهمیـت لاپسی زیاتیږی اوددی هیله او آرزو پیـــدا کیږی چی ښځی دټولنی دفعالواو پیاوړو غړیو په حیث نورهم دسترو اوقدروړ خدمتونو مصدر وګرځی•

په رښتیاچی په ټولنه کی دښځو ارزښت ډیر زیات دی اوبایه چی ښځو ته دټولنی د فعالواو خواخوږو غړیو په سترګو وکتل شی ولی چی د پوهو ،بادردواو خواخوږو ښځودښی او مثبتی روزنی اوښوونی له کبله راتلونکی اونوی نسل دښو او مثبتو اعمالو اوګټورو کارو وړو خاوند کیدای شی •

چی دغه ښی او غوره تربیی لرونکی نسل کولای شی چی د خپل هیواداو هیوادوالو په دپرمختګ اونیکمرغی په لاره کی ګټورکامونه اوچت کړی او خپله ټولنه دترقی او لوړ تیا په لوری بوځی •

له تیرو وروستو اوانسانی ضد رژیمو نو کی دټولنی دغه ستر جوړونکی عنصر ته پــه ټولنیزو ، سیاسی ، اقتصادی فرهنګـــی او کلتوری برخو کی هیڅ رازاهمیت او ارزښت نه ورکول کیده ، ددوی ټول حقه حقوق به تر پښو لاندی کیدل ، اوچا به ور ته په دروندنظر نه کتل •

مګر کله چه د ثورپرتمین انقلاب په تیره بیا دهغه نوی بشپړتیایی پړاو ځلانده پلو شی دهیواد په ګوت ګوت کی خپری شوی له نارینه ووسره دښځو حقوق برابر اعلام شول او د ژوند په ټولو ساحو کی ددغه لطیف موجوداو نارینه وو ترمنځ مطلق مساوات اوبرابری تضمین شوه •

مونږ ګورو چی اوس ښځی او نارینه په فرهنګی او روغتیا یی موسسو ، فابریکو او اقتصادی تولیدی کار ځایونو کی څنګ په څنګ دهیواد دسمسور تیااو آبادی په لاره کی نه ستړی کیدو نکی هلی ځلی کوی ـ ښځــــی اوس هغه عاطل او باطل موجود نه دی چی په تیرو فاسدو ، فیوډالی اوطبقاتی رژیمونو کی به دغه طبقه یوازی دکور په څلورودیوالونو کی ایسارہ ده اوکری ورځ به یی اکور په چارو کی تیروله خونړورځ دافغانستان دموکراتیك جمهوری دولت په انقلابی توجه سره نــه یوازی په کورنیو چارو بوختی دی بلکی په ټولنیزو، سیاسی ،فرهنګی او روغتیایی چارو کی فعال نقش او موثر رول لوبوی •



بزم سخن

بوی جوی مولیان

در خبر خوا ند یم که هیا ت‌رو - شنفکرا ن مبتکر افغا نستان از سفر چند روزه دو ستانه خود به کشور شورا ها ، به وطن باز گشتند .

با تو جه به اینکه تعداد از سر- شناس تر ین ژور نا لیستا ن‌شا - عرا ن ، نو یسند گا ن و هنرمندان کشور ما شا مل این هیا ت بو دند وبدون شک‌نظر ات این عده‌و چشم دیدشان از مسایل ا دبی، هنر ی، فرهنگی و اجتماعی کشور شو روی و موقف کنو نی آ ن به مقا یسه دیگر کشور ها ی متر قی جهـــان در خور تو جه وا همیت اســـت، خواستیم در نشستی بی پیرا یه و دور از تشر یفا ت معمو ل گفت و شنود ها یی با بر خی‌از اعضا ی‌این هیاۀ دا شته با شیم و خا طر ه

نگا ری و یاد بود نو یسی ها یـی که در مجمو ع‌خود بتوا ند خوا نده را در شنا ختش از همسا یه بزرگ شما لی ما یا ری د هد .

جا ی دا شت این یاد بود ها به وسیله خود دا نشمندا ن از سفرباز گشته به نبشت میامد تا هم بـــا تفصیلـــی بیشتر ارا ئه می شــد و هم با تنظیم هنــر ی و شیو ه نگار ش مطلو ب خود ، خوا نــده آگاه را را ضی تر میدا شت .

اما چه توا ن کرد که این‌عزیزا ن را فر صت این کار نبود و ایـــن مهم به عهده نگا رند ه گذا شتـــه شد که نثری ناپخته ونا مــوزو ن دارد و اطلاعی کم‌ازاصول نبشت .

با آن هم ا گر شما را با محتوی



مهمانان درپیش روی هوتل‌شیپک



گروه مهمانان مجله ژوند و ن در بزم سخن این مجله پیرامون دیدنی های خود از کشور شورا ها صحبت می کنند

آیدهمی ...

کار با شد و نه با قا لب و فرا خ حو صله یی که بتو ا نید نو شته را دنبا ل کنید و به فر جا م رسا نید یقین دا رم نکا تی در آن خوا هید یا فت که شما را از خوا نـدن پشیما ن نخوا هد سا خت .

از دکتور روا ن فرهادی نویسنده باسابقه کشور که درز مینه های زبان وتاریخ ، کارهای تحقیقی فراوانی دا د ، پرسید ه میشود که از دیدار اکادمی علوم قرغزستان چه خاطره ها یی با خود آورده و با تو جه به اینکه قرغز ها تا چند سده پیشس فرهنگ چو پانی داشتند ودر واقع پرداخت به امور فرهنگی و علمی در این جمهوری تاز گی دارد ، و ضع کنونی مسایل اکادمیک آنجا راچگونه ارزیابی وبررسی می کنید ؟

میگو ید :

ـ بهنای کار آکاد می علـــو م قرغزستا ن شوروی در جریا ن بازدید اکتبر ۱۹۸۰ در فرونز سبب شاد ما نی ما گردید . در سرزمینی که تاشصت سال پیشس به جزچوپان قرغزی وجود نداشت ، اکنو ن چنان دانشمندا نی از همین ملیت سرا غ داریم که تحقیقا ت علمی شا ن مور د مراجعه حلقه های علمی همه جمهوری

لطفاً ورق بزنید



در این دور سخن از :

١ــ دوکتور روا ن فر ها دی‌مشاور وزرا ت ا مور خارجه
٢ــ استاد رضا مایل عضو دیپارتمنت تاریخ انستیتو ت‌علوم‌اجتماعی اکادمی علوم افغا نستان
٣ــ واصف فکر ت عضو د یپار تمنت دری انستیتوت زبا ن وا د ـ بیات اکا د می علوم ا فغانستا ن
٤ــ آصف با ختری عضو ریاست‌تالیف و تر جمه وزارت تعلیم وتر بیه
٥ــ رفعت حسینی عضو پو هنځی‌علوم ا جتما عی پو هنتو ن کابل
٦ــ روستا با ختری‌عضو هیأت‌تحر یر روز نا مه ا نیس
٧ــ ناصر طهوری مدیر مسئوول‌مجله آواز
٨ــ نصر الله حافظ مدیر هنر وادبیات رادیو افغانستان.



موضو ع حل معضله ملیت هـا در اتحاد شو روی واینکه‌بیشـ از یکصدوبیست‌ملیت‌چون پیکر ی‌وا حددر نو سازی جا معه خود سهم می گیرند برای ماجالب تر ین بخشـ دیدنی از کشور شورا ها بود .

های اتحاد شورو ی و کشور ها ی دیگر است .

تحقیقا ت بشر شنا سی و مطا لعه مرد م قر غز و دیگر مرد م قرغزستان پیشر فت وسیعی کرد ه‌است که قسمتا نتیجه کوشش دا نشمندا ن قر غز ی است ، درین زمینه خا نم جمعه گل بای علی یوا عضو اکا دمی توانسته است در زمینه قرغزشناسی فعالیت های آکا دمیك را انسجا م بخشد .

تحو ل مرد م قر غز از حا لت خر گاه نشینی و خانه بـدوشی‌به مرحله ده‌نشینی و شهر نشینی یك تغیر بنیادی اقتصادی و اجتما عی بوده است و به این دلیل تو جه‌دقیق به تحقیق تا ثیرا ت این تحو ل در زندگی روز مره و در زمینه فر هنگ مرد م لازم‌گردید ه است .

آنچه قابل تمجیداست علا قه جدی مردم قرغز به پاسداری مشخصا ت فر هنگ ایشا ن به حیث یك ملیت آسیا ی میا نه میباشد که در همین زمینه اشعار حما سی ، حکا یا ت ، مقوله ها واشعار بامو فقیت گرد ـ آور ی‌شده و ریش سفیدا ن وسال ـ مندا ن به مثابه منبع پاسدار ایـن ارزش ها ی فر هنگی مورد احترا م فراوا ن قرار دارند .

از دکتور روان پرسش گردید که وی نظر و علا قمند ی دانشمندا ن قر غز را در مورد کشور ما چگو نه یافته است ؟

پاسخ چنین است :

ــ دانشمندا ن قر غز ستـا ن شوروی نگاه وسیعی به سوی همه ملیت های اتحاد شورو ی و جها ن دارند و ار تبا ط برادر ی خود را با مرد م افغانستا ن بسی ار ج می‌نهند.

به اسا س همین علا قمند ی در جریا ن اقا مت هیا ت افغا نی در فرو نز از من دعوت گردید‌تاصحبت های جدا گا نه یی در اکاد می علو م با دانشمندا ن آنجا داشته باشم .

من تصو ر میکرد م این ملا قـات علمی با یك گرو ه سه چهار نفر ی صورت خوا هد گرفت ا ماو قتی وارد تالار شد م آنجا را پـر از دانشمندا ن قر غز یا فتم که برا ی شنید ن صحبت من گرد آمد ه‌بودند.

بیانیه ام را من در این جلسـه پیرا مون زبان هاو مردم افغانستان ایراد کرد م که مورد توجه فراوا ن قرار گرفت و تما می آن برا ی مطالعه بیشتر در مرا جع تحقیقا تی و علمی ثبت شد.



دریکی از کلخوز ها



در موزهٔ لنین

سوالاتی که دانشمندا ن در زمینه های‌زبا ن شناسی و بشر شنا سی به عمل میاور دند بسیار جد ی و عمیق بود ووسعت آگا هی و دانشس شا ن رادر این موارد مؤید میگردید . آن ها پیرامو ن‌رسم ورواجها وکلتور بومی ملیت های‌همجوار باژرف‌بینی و عمق‌نظر جدل میکردند و برا ی فراهم آوری دانستنی علـمی بیشتر دراین موارد شور و شو ق و افر از خود نشا ن میدا دند .

دکتو ر فرهاد ی در جا ی دیگر از سخن خود اشار ه ی‌به دیدار خود از شهر اوش میکند و توضیح میدهـد، که این شهر مانند بیشتر بخشس جنو بی قر غز ستا ن سا بقه تاریخی طولا نی دارد .

اوش در کتب عمد ه تاریخی به حساب مضافات فر غانه و اند یجان ذکر گردید ه و کاوش‌های‌باستان‌ـ شنا سی که از چند سال به این سو به وسیله دانشمندا ن در این‌محل صور ت گرفته بر صفحا ت قرو ن متمادی این شهر تاجك واو ز بـك نشین در یچه ها ی نوین تحقیق را می گشاید ، این کاو ش ها هنو ز ادا مه دارد و انتظا ر میرود تا چند سال آینده مطا لب دلچسپ به جهان دانش ارائه گردد.

دکتو ر روا ن در این مور د که سوا ی قر غز ستا ن از کدا م یك جمهور یت های آسیا ی میا نه‌دیدار داشته است ، میگو ید :

ــ گرو ہی که من شا مل آن بودم فقط از قر غز ستا ن باز دید داشت اما گرو هی دیگر از رفقای‌هم‌سفر موفق شدند از بقایا ی مرو قدیم و زیار ت مر قد سلطان سنجر دیدار کنند .

همسفرا ن زور نالست ما به جنبه های دیگر ترقیات مردم علا قمنـد بودند و بر نا مه سفر نیز بیشتر به اساس علاقمندی آنان تنظیم گـردید و به‌همین اساس دیدار از بخارا ، سمر قند و خیوا متاسفانه شا مـل بر نا مه بازدید ما قرار نگر فت .

پرسید ه شد : در تاشکند باتوجه به اینکه عبور شما شکل ترا نز یت داشته است آیا مجا ل تماس های علمی فرا هم آمد ، یا خیر ؟ در پاسخ میگو ید :

ــ تاشکند در بیست سا ل اخیر و خا صتاً بعد از توسعه شگفت انگیز آن در پی ویرا نی های زلز له دارا ی چند مو زیم عمده شده است که در آن آثار با ارزش باستا نشنا سی ، بشر شنا سی و هنر مردما ن آسیای مرکز ی دید ه میشود ، این موز یم ها و نمایشگا ه‌ها ی دا یمی از زیبا ترین‌آثا ر جهان است و هیچ محققی از دیدار آن بی نیاز نمیباشد .

علاوه از فر صتی که برای این باز دید ها میسر گردید به خواهشس خاص وشخصی عده یی از علاقمندان ادب و تاریخ از جمله‌هیات ما مجلس جداگا نه با بعضی اعضای انستیتوت شرق شناسی تاشکند صـــورت پذیر شد .

این مورد مو جب مسر ت است که پیشرفت روز افزون مطالعات نسخـه های خطی ، کتب علمی ، تاریخی و ادبی سابق‌تر کی و در ی که اکنو ن تاشکند یك مر کز عمد ه جمع آور ی آن شده است سر یع به چشم می خورد .

دیوا ن های اد بی‌به شمو ل دیوان های ادب‌زبا ن پشتوو انوا ع مجموعه ها ،رسا له های واقعه نگار ی وتاریخ مجمو عه های فرا مین و اسنا د اداری چنا ن اطلا عات ارزشمند در بار ه زند گی گذ شته مردما ن ایـــن نا حیه آسیا به شمو ل افغانستا ن بدستر س ما قرار مید هد کــه هر گز نمیتوا ن بدو ن استفاد ه از آن کار ها ی علمی خود را کا مل بشمار یم .

مقاما ت شورو ی و دانشمندا ن مو ظف با کمال علا قمند ی حاضرند نقل های فو تو گرا فیك و میکر و فلم های این اسناد عمـده اد بـی و تاریخی را به اساس مذا کـرا ت جداگانه مقـــامات هـــر دو کشو ر بدستر س مقاما ت علمی کشور ما بگذارند و اینك وقت آغا ز ایـــن مذاکرات به‌وسیله وزارت اطلا عا ت و کلتور و آکا دمی علو م افغانستان با مقا ما ت علمی اتحاد شو رو ی فرار رسید ه است .

دکتور روا ن فر هاد ی در اخیر سخن می افزاید که آرزو مند ی ام این است که برا ی علاقمندا ن اد ب و تاریخ و آثار باستانشنا سی و زبان شناسی ، سفر های جداگانه تنظیم گردد ، تا این‌گو نه تماس های ایشان به‌جای آنکه ضمنی وحاشیه‌ـ وی باشد ، شکل‌تخصصی‌را به خود گیرد و نتا یج وسیعتر ی بار آرد .

پذیرایی با حرارت و برادرا نــه ادبا و دانشمندا ن آسیا ی مر کز ی شورو ی از ادبا و دانشمندا ن افغانی نوید این موفقیت را مـــی دهد .

استادر ضامایل نویسنده و محقق شنا خته شد ه کشور در پا سخ به یك پر سشں در این زمینه کــه دیدا ر از جمهوریت ها ی کشور شو را ها در آسیای میانه در و ی چه ا ثری از خود به جای گذ ا شته و او چه خا طره ها یی از ایـــن سفر با خود به همرا ه آورد ه ا ست ، میگو ید :

ــ میتوا نم اد عا کنم هر لحظـه

لطفاً ورق بزنید



مقابل مهمانخانه قرغزستــان درفرونزه



درموزیم هنرهای فرونزه

ماتاکنون در این گمان بود یم‌که سقف های سه منزله از قرن هشتم هجری معمول شده است در حالیکه دیدار از آبده سلطان سنجر در مرو ثابت ساخت‌که این شیوه ساختمانی از قرن پنجم رواج داشته است .

• • •

این سفر برای هر یك از اعضای هیات رو شنفکران مبتکر کشور ما خاطره انگیز و جالب بود و دیدنی ها یی به همراه داشت‌که برشمردی همه آنها را در فرصت کوتاه این گفت و شنود مجال نیست، اما از دیدگاه فرهنگی دیدار از شهر زیبای مرو و مشاهده برخی از آثار فرهنگی و معماری آن برای من بیشترجالب توجه بود .

میدانیم که مرو یکی از چهارخراسان قدیم است و نامش درکنار هرات‌و بلخ و نیشاپور آشنابرای همه ما که با متن های قدیم بیگانه نیستیم .

این شهر که شگفتی های هنری فراوان و یاد بود های عرفانی و فرهنگی بیشماری را با گذشت سده ها درسینه خود نگهداشته است ، پرورشگاه قبادیانی است ، آبده سلطان سنجر در این شهر یکی از نمونه های با ارزش هنر معماری قدیم به شمار میاید و بزرگی و عظمت آن انسان رابه تحسین و امید ارد .

پوشش این مقبره ازسه طبقه اعمار گردیده و به گونه یی است که پوشش و یاسقف های بیرونی و درونی آن تزئینی بوده و سقف دوم از نظر فنی نگهدارنده دو پوشش دیگر به شمار میاید و شاید برای شما جالب باشد بگویم که ما وقتی تعمیرات دوره تیمور یان را با این خصوصیت ها میدیدیم در این گمان بودیم که این طرز ساختمان از قرن هشتم شمسی متداول شده در حالیکه مقبره سلطان‌سنجر در مرو به ما ثابت ساخت که در گمان خود دچار اشتباه بودیم و از قرن پنجم چنین شیوه های تعمیراتی معمول بوده است .

این مقبره سی وشش متر ارتفاع دارد و در نوع خود بزرگترین آبده در دوره یی به شمار میاید که به‌ساختمان گرفته شده است برخی خصوصیت های مشابه به هنر معماری هرات قدیم نیز در این بنا دیده میشود مانند کار موزائیك‌که‌برای نصب آن از نوعی ساروج کارگرفته شده که در معماری هرات نیز در گذشته متداول بوده است .

بقایای نقش های کوفی تا هنوز هم در جدار دیوارها دیده میشود در مورد بنای مقبره‌سلطان سنجر در مرو افسانه های‌روایتی نیز فراوان است ، مانند این روایت که :

« سلطان سنجر مقداری جواهرات پر بها و با ارزش را در چهار گوشه باغ بزرگی که بعدا مقبره او در وسط آن اعمار گردیده مخفی داشته بوده است تا بعد از مرگش اولادوی از آن استفاده کنند ، اما این خبر به وسیله یکی از کنیزان در اختیار دشمنان سلطان قرار داده میشود و آنها نیز جواهرات دفن شده در زیر خاك را بیرون کشیده و وابستگان سلطان سنجر را از این گنج محروم میسازند .))

فعلا مقبره سلطان سنجر زیر ترمیم اساسی قرار دارد و گویا در نظر است که با استفاده از متن های قدیم ، این عمارت با حفظ‌تمام خصوصیات اولی به ترمیم آید .

شهر مرو دارای خصوصیات فروان تاریخی و فرهنگی است در سلسله مروزی ها مسعودی‌در همین شهر رشد یافته است‌ساحه مرو مشابهت های فراوانی بادو خراسان ما یعنی هرات و بلخ دارد.

رضا مایل در بخشی دیگر از سخن خود اشاره یی به پیشرفتهای صنعتی مرو میکند و یادآور میگردد که این شهر را شهر پخته نیز میگویند و هم در همین جاست که از پخته ابریشم مصنوعی ساخته میشود .

او در مورد پیش آمد میز بانان ونحوه پذیرایی از هیأت افغانی و وضع مردم در برابر آن میگوید که‌ازما بسیار صمیمانه ودوستانه پذیرایی شد و تمام تسهیلات‌لازم در همه پروگرامهای اقامت در جمهوری های مختلف در نظر گرفته شده بود و جای کمترینانا راحتی باقی نبود .

استاد مایل از کار و پیکار سازنده و اتحاد و هم بستگی ملیت های مختلف شوروی که تعداد شان به‌بیش از یکصدوبیست ملیت میرسد به نیکو یی‌یاد کرده و اضافه میکند که من رمز پیروزی های درخشان مردم شوروی را بعد از انقلاب اکتوبردر همین خصوصیت میدانم که آنها



مرکز ورزشی شهر فرونزه



درکلخوز ها طبق عنعنهٔ دیر ینـ بانان ونمك از مهمان پذیرایی میکنند

همه‌ی ا ختلا فات پیشین را کنـار گذا شتند و با استفاده از همه ی نیرو ها ی ملی و ظر فیت هـا و استعداد ها ی خلاق توا نستنددر شمار پیشر فته ترین کشور ها ی جهان قرار گیر ند ما یل در آخر سخن اشاره یی هم به این مطلب میکند که‌عده یی به اشتباه زاد ـ گاه حکیم نا صر خسرو را مرو میدا نند در حا لیکه این نظر اشتباه آمیز است و حکیم نا صر خسرودر این شهر مقام وزارت و تشخیص رسمی دا شته و نه آنکه در آنجـا تو لد یا فته با شد چنا نکـه تو جه به این بیت حکیم :

ای بادعصر اگر گذری در دیاربلخ
بگذر بخانهٔ من و آنجا جوی حال

و ما نند آ ن خودگواه این ادعاـ ست

آصف فکرت

سومین گو ینده در ایـن گفت و شنود جمعی ا ست و او و قتی د ر برا بر پر سش پر سشگر ژوندون در زمینه یاد ها و خا طره ها یش از سفر اخیر به کشور دو ســت شوروی قرار می گیرد ، میگو ید :

ـ ما از و قتی چشم به کتب‌ادبی باز کر دیم با نا م شهر های‌بزرگ جمهور یت ها ی کنو نی شوروی در آسیا ی میا نه آشنا یی دا شتیم تاشکند که در گذشته بـه نـام «چاچ» نا میده می شد ویـا بخا را و سمر قندبرای ما نا م های بیگانه یی نیستند و ما پیش ا زاینکه بخارا را ببینیم خوا نده بو د یم که :

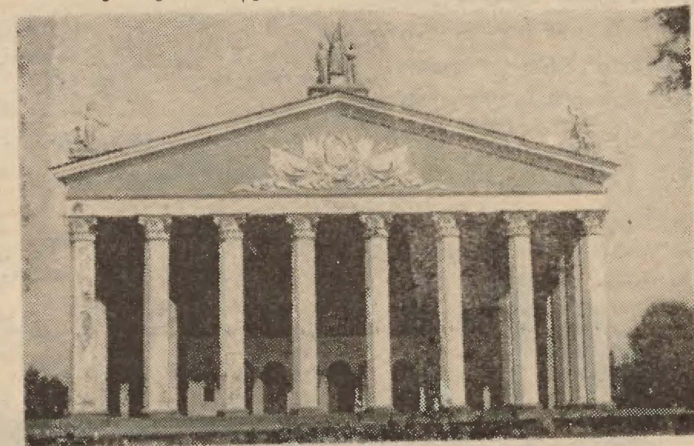
هرباد که ازسوی بخارابمن آید
زو بوی گل ویاسمن‌و نسترن‌آید

ویا :

((بو ی جو ی مو لیا ن آ یـد همی))

رودکی تا هنوز هم احساس ما رامی شو را ند بهر صورت منظور ا ین است که شهر ها ی جمهوری های آسیا ی میا نه شوروی هیچ یـك برا ی آشنا ی با متن ها ی قد یم ادبی بیگا نه نیست .

با این مقد مه یکی دو خا طر ه را از میا ن انبوه خا طرا ت خو شـی که ازسفرم به کشور شورا هـا



تیاتر لنین درفرونزه

دارم به شما پیشکش میکنم .

یکی از شهر ها یی که دیدا ر از آن در پرو گرا م گرو پی که مـن عضو آ ن بو د م ، جای داده شده بود شهر ((فرو نزه)) بود فرو نز درواقع شهری که تازه ساز اسـت که بیش از پنجاه ـ شصت سا ل‌از اعمار آن نمی گذرد اما ز یبایـی چشمگیری داردو در آن تمـا م تا سیسا ت یك شهر مد ر ن د ر نظر گر فته شد ه است .

در این سفر ما با مرد مـی روبرو شد یم که پدرا ن شا ن تـا یکی دو نسل پیش پیشه چو پا نی و بیا با نگر دی دا شتند ، امـا اکنو ن در شرا یط تازه ، در سطح فر هنگی چشمگیر و قا بل تو جـه قرار گر فته بودند .

در قر غز با ملیت ها ی اروپایی و حتی آلما ن ها زیاد رو بـرو شد یم که برای ما جا لب تو جـه بود .

مو سسا ت ، سا ختما نها ـ بند ها ی بر ق و جا ها ی دیگری را مشا هد ه کر دیم که((تو ختو ـ قل)) نا مگذاری شده بود که یکی از نا م ها ی قد یمی است.

تو ختو قل او لین شا عر و مو ـ سیقی دا ن ز ن‌درشوروی بود که از افکار و اندیشه های لنین دفاع میکرد و به همین منا سبت مرا کز عمد ه یی در قر غز ستا ن به نا م او نا مگذاری شده است .

و این مو ید ا حترا م عمیق دولت وملت شوروی به شخصیت هـای مهم این کشور میبا شد .

دیدار از کوه تخت سلیـمان‌و

صعود به بلند تر ین قله آ ن یکی دیگر از خا طر ه ها ی جا لب من در این سفر ا ست ـ در همین جا بود که‌سنگ نبشته مـز ا ر سیف الملت وا لدین محمد بن حا فـظ الدین طا هری خا لد ی او شی را دید م که‌دانشمندی است بزرگ و تاریخ ۷٤۱ ﻫ در سنگ مـزار او خوا نا ا ست .

در شهر ((نو کت)) مردم ا ز ما میپر سید ند چرا مهما نان‌خارجی به شهر شا ن میا یند و بعد تـر معلو م شد ما نخستین هیا ت‌مهما ـ نان خـا ر جی استیم که د یـدار این شهر در پرو گرا م ما گنجا نیده شد ه بود .

فکر ت ا ضا فه میکند که لحظات و د قا یق این سفر پر ا ست ا ز خاطره ها ویاد بودهای جـا لـب که ا گر قرار با شد همه را بر ـ شمرد مثنوی هفتاد من کا غذمیگردد و به همین د لیل سخن را بسند ه میکند تا د یگرا ن را نیز مجا لی برا ی گفتن با شد .

نا صر طهوری

شاعر معاصر کشور که با بد ـ یهه سرایی های خود در جـریان سفر ا عضای هیا ت را شو ر و

بقیه درصفحه ٤٦

برتولت برشت

در طول تاریخ جوامع بشر ی ،در نبرد حق وباطل وبالاخـــره در پیروزی مبـــارزاتَ طبقا تـــی قلـم‌نویسندگان همیشه نقش مو ثر ی داشته است. هنرمند و نویسـنـدهٔمتعهد ، به‌خاطر دفاع از منافع توده ها وبسیج ساختن اذ هان جوا مـع‌بشری ،نظر به وظیـــفه ودر ك مسوولیت خویش، همیشه درین راه‌کار وپیکار نموده است.

به اساس همین در ك‌سیا سـي‌وادبی بودکه بر تولت بر شـــت قلمش را در دست گرفت وبه‌میدان‌پیکار شتافت واز آنجا بر ضـــد فاشیزم جهان سوز ، مبارزه‌خودراآغاز نموده ودر رهایی جهان آزاد ، به‌سرودن اشعارپرارزش‌ایجاد و نمایش نامه های موثر پرداخت.

نامش ایو ن بر تولت‌فرید ر ش‌برشت بود و به‌تاریخ دهم فبروری سال ۱۸۹۸ چشم به جهان گشود . درطول دورهٔ تحصیلا تشـــی در رشته های فلسفه وطب پو هنتون‌مونشن (۱۹۱۷) ، به‌خاطر ضدیتش باجنگ ،به مبارزهٔ اساسی دســـت‌یازید .اولین نما یشنا مه اشـــی در سال ۱۹۲۲ تحت عنوان ((دهل درشب)) مورد نمایش قرار گرفت . بعدا منحیث دراما تورگ ورژیسوربه کار تیاتر پرداخت .

در سالهای قبل ازجنگ جهانـــی‌دوم، هنگامیکه هیتلر برای نابو دی بشریت ، توطئه می چید وی بعنوان‌مخالفتش بااین شرایط ، المان راترك گفت وروانهٔ سویس ، دنمار ك ،سویدن (۳۹-۱۹۳۳) فینلند ، اتحاد اجماهیر شوروی و بالا خره رهسپارکالیفورنیای ایالات متحده گردید . (۴۷-۱۹۴۱) .

در سالـــها ی (۴۹-۱۹۴۸) وی‌دوباره راه جمهوری دیمو کرا تیك المان را در پیش گرفت و به کمك‌خانمش تیاتر را دوباره در آنکشور پی افگند .

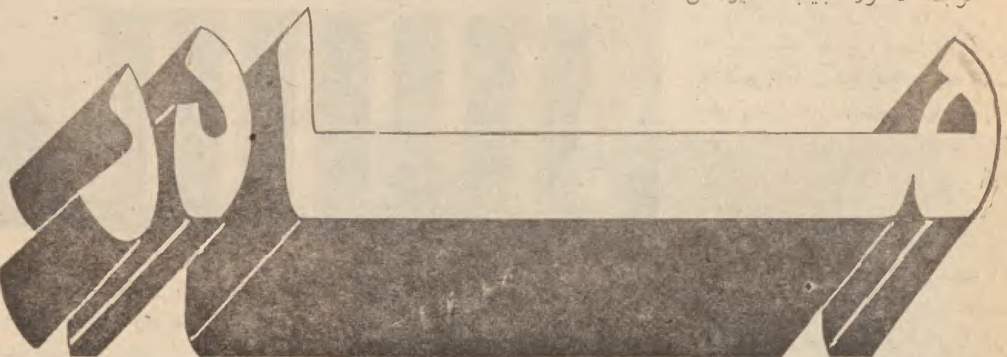
وی درطول دور هٔ زندگـــی ا ش(۱۹۵٦- - ۱۸۹۸) اضافه تر ازسی نمایشنامه ، یکهزار و سه صـــدپارچه شعر ویك سلسله کتا بهادر مورد موضوعا ت روز نوشت .

نمایشنامه‌زیرکه‌تحت‌عنوان (مادر)درینجا پیشکش خوانند گا ن‌گرامی میگردد ، یکی از عمده ترین اثـــراین‌نویسندهٔ بزرگ میباشد .

مترجم

نوشتهٔ برتولت برشت

ترجمهٔ دکتور نجیب الله یوسفی



اشخاص نمایشنامه

خانم والسوا : مادر
پاول : (کارگر فرزند خانم والسوا)
اندریچ ناخودکا : کارگر
ایوان : کارگر
اندری : کارگر
انتون : کارگر
سیسدور : کارگر
ماشا : (خواهر سیسدور کارگر)
خانم‌کورسونوا : (فروشنده‌درصحن‌فابریکه)
کارپوف : نمایندهٔ کارگران
سملگین : (پیرمرد) کارگر
شالینوف : صاحب ورئیس فابریکه
نیکولای ایوانوویچ : معلم
زیکور شکی : کارگر
زخار : رفیق معلم
تیور : نام دهکده
خانم نیلونا : نام زن علاقمند به جنبش
اودیسه : نام دهکده (محله)
لوشین : دهقان
پیروکود : نام محله
کریفنا : نام محله
شولینوشکی : دهقان
تیریك : دهقان
توبرایا : نام محله
زیمرنوف : خان محله (فئودال)
وایشل : قصاب خان
الکساندروف : همسایه
عیسی : کارگر

وبحساب درآمد خود بپردازد. سملگین بطرف مادر رفته ودر حالیکه شبنامه را که بدست دارد برای ما در نشان میدهد و می گوید: شما اینهاره‌پخش‌کدین ؟ درست‌س؟ می‌فهمین که‌نتیجه این کار ها چه بود ؟ اعتصاب ؟!همی مقصد شما بود .

مادر : اعتصاب ؟ چرا ؟

سملگین : درین شبنامه از همه کارگران تقاضا شده بود که به اعتصاب دست بزنن.

مادر : مه ای موضوع هاره نمی فهمم.

سملگین : پس چرا ای چیز هاره پخش‌می کنین؟

مادر : برای‌اینکاردلایل‌زیادی موجود است مثلا چرا بعضی هاره بی گناه زندانی مـــی کنند ؟

سملگین : آیا می فهمی که دری‌شبنامه چه نوشته شده ؟

مادر : نخیر ،مه خواننده نیستم .

سملگین : خواننده‌نیستم‌مه خواننده نیستم کارگر هاره به اعتصاب تحریك میکنی‌و میگی مه‌خواننده نیستم .آیا می فهمی که معنـــی اعتصاب چیست ؟

ای سخت ترین کار یس که‌ما کده میتانیم. سر از صبح کارگران دیگر به کار نمی آیند فردا شب راکه‌اصلا کس نمی فهمد،هفته‌آینده می فهمی که هفته آینده چه خواهد شد ؟برای فابریکه دار که معلوم‌نمی شه، اما نان‌و لباس ماره کی میته ؟

پولیس فابریکه با دروازه بان به عجله‌بـه طرف آنها میایند ، سملگین از دروازه بان‌می پرسد : چی را میپالین ؟ آیا چیزی ره گـــم کدین ؟

دروازه بان : بلی ، باز هم شبنامه پخش کدن واز کار گران خواسته اند که سرازفردا به اعتصاب دست بزنن . مه اصلا نمی فهمم کدای شبنامه هاره چطور تیر کدن ؟ شماچی می گفتین ؟ ده‌دست تو چیس ؟

سملگین می خواهد شبنامه را پنهان‌کند.

پولیس فابریکه : چی ره ده جیبت کدی؟

پولیس‌شبنامه ره از جیب سملگین بیـــرون آورده می گوید ؟ آها، شبنامه .

دروازه بان خطاب به سملگین : شما هم‌ای شبنامه هاره می خوانین ؟

سملگین : برادر ، برای ما اجازه داده شده که‌هرچه راکه می خواهیم بخوانیم .

پولیس : خو؟(از یخنش گرفته اورا بطرف خود می کشاند) حالی مه برت نشان میتم‌که عاقبت خواندن اینطور شبنامه هاکه دعوت‌بـه اعتصاب می کند چیس؟

سملگین :مه‌طرفدارااعتصاب نیستم،کارپوف شاهد مه س .

پولیس : پس بگو که ای شبنامه هاره‌از کجا کدی ؟

سملگین (بعداز ینکه نفس عمیق می‌کشد) می گوید : ده روی زمین انداخته بودند .

پولیس سیلی محکمی برویش‌میزند ومی‌گوید: مه‌حالی بری تو دروغ گفتن‌ره نشان میتم...

اورا کشان کشان میبرند .

مادر : او فقط یکدانه بادرنگ از مه‌خرید.

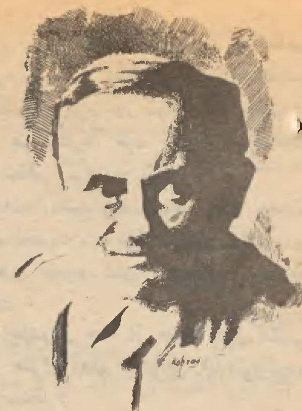
مادر : پاول،مه امروز به‌خاطری شبنامه هاره‌پخش کدم که اولا رفیق جوان شما از زندان خلاص شوه ودوم‌شمازیر اشتباه نیاین اما وقتیکه مه از پخش شبنامه ها خلاص‌شدم دیدم‌که یك انسان‌بی گناه که فقط آنهاشبنامه ره‌می خواند ، به زندان افتید. شما مره بـه چی کار های مجبور ساختین ؟

انتون : ما از ابتکار و فعالیت صادقانه شما یك جهان تشکر می‌کنم.

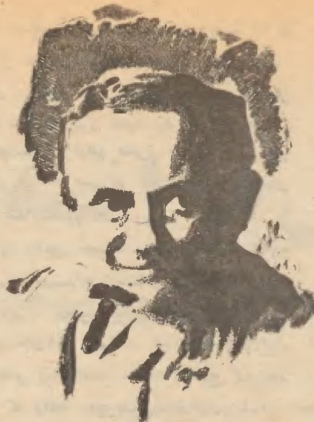
مادر : به نظر شما ای ابتکار بود ؟سر-نوشت سملگین چه خواهد شدکه به‌اثر ابتکار مه‌به‌زندان افتاد ؟

آندری : شما اوره به زندان نیانداختیـــن بلکه پولیس ها اوره به زندان انداختن.

ایوان : تا جاییکه مه خبردارم ، همینکه پولیس ها فهمیدند که او یگانه کسی بودکه مخالف اعتصاب رای داده بود، اوره دوباره آزاد ساختند . اما جالب اینجاست که اوهم بعد ازین حادثه از اعتصاب طرفداری می کند خانم والسوا شما وظیفه بزرگی رادر راه‌اتحاد کارگران فابریکه سولینوف‌انجام دادین.شاید شما خود تان مطلع شده باشین که اعتصاب به‌اکثریت مطلق قبول گردید .









مادر : مه اصلا به خاطر اعتصاب ای‌کاره نکدم بلکه به خاطر نجات یك انسان اما حالا ازخود میپرسم که چرا یك انسان تنها به‌خاطر اینکه شبنامه‌می‌خواند زندانی می گردد ؟خطاب به دیگران : در شبنامه چه نوشته شده‌بود؟

ماشا : همینکه‌شماشبنامه ها ره پخش‌کدین یك گام بزرگی در راه مبارزه گذاشتین •

مادر: در شبنامه ها چه نوشته شده بود؟

پاول: مادر، منظورت چیس؟ در شبنامه‌ها چه نوشته شده بود •

مادر : شما چیز های ناحقی ره نوشته‌کده بودین •

انتون : مادر شما حق دارین و ما باید برای شما تشریح کنیم که در شبنامه هاچـه نوشته شده بود•

پاول: خوب مادر، بشین اینجه بشین، ما حالی بریت همه موضوع ره می گم ...

آنها روی کوچ راباتکه که با خود آورده‌اند میپوشانند، ایوان آئینه رابدیوار نصب می کند و ماشا کاسه چینی را روی میز می‌گذارد همه‌در اطراف مادر مینشینن ••• ایوان آغاز می کند :

خانم والسوا ،در شبنامه نوشته شده‌بودکه ماکارگر هانباید به‌آقای سولینوف اجازه بتیم که هروقت که دلش خواست معاش ماره کم کند •

مادر: این یك کار بی معنی اس ، شما در برابر او چه کده میتانین ؟

از طرف دیگه ای فابریکه از سولینوف‌است نه‌ازشما• او میتانه و بایدهم او در موردمعاش شما تصمیم بگیره •

پاول : درست است‌که فابریکه‌از اوس•••

مادر حرف اورا قطع می کند و ادامه مـــی دهد : خوب ، مثلا ای میز از مه س •

حالا مه از شماامیپرسم که مه میتانم هرچه که بخوایم همرای ای میز بکنم یانی؟

آندری : بلی ، شما همرای ای میز میتانین هرچه‌که دلتان بخوا هد بکنین •••

مادر : خوب، آیا مه میتانم‌ای میزه تکه تکه کنم ؟پا هایشه قطع کنم یا نی ؟

انتون : بلی شما میتانین ای میزه تکه تکه کنین ،پاهایشه قطع کنین•

مادر: آها، پس شالینوف‌هم میتانه همرای فابریکیش هرچه که دلش بخوایه ، بکنـــه• همینطور که مه در حصه ای میز حق دارم‌او هم در حصه فابریکیش حق داره• درست س یانی ؟

پاول : نی

مادر : چرا درست نیس ؟

پاول : برای اینکه او بری فابریکیش بـه ما کارگر ها ضرورت داره•

مادر : خوب ، دگه اوبه‌شما بگوید که‌دیگه به‌شما ضرورت نداره باز چی ؟

ایوان : خوب خانم والسوا ، حالا شما تصور کنید •اومیتانه یکروز بگویه مه شماره کار دارم و دیگر روزبگویه که شما همه‌اخراج هستین •••

انتون : بلی

ایوان : اگه به ما ضرورت داشت بایددر خدمتش باشیم واگه اوبه ما ضرورت نداشت باز هم چون کار زیاد نیس، مجبور هستیم‌در خدمتش باشیم تاکه به‌ماکارارزانی کند• خوب حالا عاقبت ای کار به کجا خواهد کشید ؟اوای موضوع ره می فهمه که‌اوهمیشه به ماضرورت نداره وایره هم می فهمه که ماهمیشه احتیاج اوهستیم، آقای شالینوف می فهمه که ماشین هاازاوس . ولی اوماشین ها وسایل کـــار ماس ما غیر ازین‌کدام‌وسیله کار دیگی‌نداریم• نه‌ماشین بافندگی و نه کوره آهنگری ••• تنها همین ماشین‌های‌شالینوف‌س‌ومامجبورهستیم که‌او نجه کار کنیم • درست س که فابریکه ازاوس ولی اگه او فابریکه ره بسته میکنـه وسایل کار ماره از ما می‌گیره•

مادر : چونکه وسایل‌کار شما از اوس•مثل اینکه ای میز از مه س •

انتون : خوب ، آیا به نظر شما خوب است که‌وسایل کارماز او باشه ؟

مادر (به صدای بلند) : نی ،نظر مه‌درنتیجه مهم نیس که خوب است یا خوب نیست ولی ماشین هاز اوس •شاید کسی هم‌خوش‌نباشه که‌ای میز از مه باشد •• •

آندری : ولی فرق دربین‌داشتن یك میز و یك فابریکه بسیار زیاد س •

ماشا : داشتن یك میز و یا یك چوکی‌خوبه نقص کس تمام نمیشه •

شما میتانین اوره در هر جای که خواسته باشین بگذارین ولی یك فابریکه خومیتانه‌به نقص هزاران نفر تمام شوه •

ایوان : بری اینکه • او توسط ای فابریکه خود میتانه هزاران نفره استثمار کنه •

مادر : واضح س که او میتانه هزاران نفره استثمار کنه ،فکرمیکنین که مه ای‌رمز زندگی ره درچهل سال عمرخود درك نکدیم، مه ای موضوع ره خوب می فهمم ولی نمی فهمیدم‌که آدم در برابر اینها کدام کاری کده میتانه •

انتون : خوب خانم والسوا ،ماو شمابه ای نتیجه رسیدیم که ملکیت خصوص نمی‌تانه‌همه یك چیز باشه، شما می فهمین که میز شما، ماره استثمار کده نمیتانه ولی فابریکه شاغلی شالینوف میتانه ماره استثمار کنه •

ایوان : یك موضوع دیگه هم است واو اینکه فابریکه شاغلی شالینوف بدون کارما اصلا ارزشی ندارد و او وقتی میتانه که از فابریکه خود استفاده کنه که ماره استخدام کنه• اگر ما کار نکنیم‌فابریکه او یك چندتوته آهنیکه به مرور زمان کهنه خواهد شد چیز دیگری نخواهد بود منظور مه ایست که اوهم سخت به‌ما احتیاج دارد نه‌اینکه ماتنها محتاج اوباشیم•

مادر : خوب ، مه فهمیدم، اما شما چطور میتانین به‌او بفهمانین که اوبه شما احتیـاج داره ؟

اندری : خانم‌والسوا،لطفا خوب گوش کنین اگه امروز پاول به نزد آقای شالینوف برمو بگوید که معاش‌مره‌کم‌نکنین والی مه ازفابریکه شما خواهم رفت ،و برایش کوشش کنه که بفهمانه که‌بدون کار پاول فابریکه اویك توته آهن س که بدرد هیچکس نمی خوره شما مـی فهمین که عکس العمل شالینوف چه خواهد بود ؟ او پاول ره به خنده خادگرفت‌وفوراًاو راخارج خواهد نمود• اما اگه همه پاول ها، منظورم همه کارگران فابریکه‌س ، یکی‌یی‌ای حرفه بزنن ،دیـــگه خنده شالینوف ، خنده مرگش خواهد بود• و دیگر جرات نخواهـــد اشت معاش کسی‌ره کم کنه و همه کار گران از فابریکه اخراج کنه •

مادر : وازی خاطر شما به اعتصاب دسته‌ـ معی دست میزنین ؟

پاول : بلی به همین خاطر •••

مادر : و شما ای چیز ره در شبنامه نوشته کده بودین ؟

پاول : بلی ، همه این چیز ها ده شبنامه نوشته شده بود :

مادر :اما آیا شماعاقبت کارتانه سنجیدین یانی ، اگه شما اعتصاب کنین ما چه خواهیم خورد ؟کرائیه خانه ره از کدام پول وپیشه باز خواهیم داد ؟ فردا صبح، اگه شما فردا صبح سرکار نرین چه خواهد شد ؟ هفته دیگه چه‌گپ ها بوقوع خواهد پیوست ؟ •••

خوب شاید ازی مشکلات هم بدر شویم••• لاکن اگه شما راست می‌گین که‌ده شبنامه تنها موضوع اعتصاب نوشته شده بود •پس چرا پولیس مردم ره زندانی می کنه ؟ ای موضوع ره‌اصلا به پولیس چی ؟

پاول : مادر ،مه‌ای موضوع ره‌از تو میپرسم تو‌بگو که پولیس ره به موضوع اعتصاب ما چی ؟

مادر : به نظر مه اینجه سوء تفاهم واقع شده اگرراستی شماتنهاموضوع اعتصابه‌نوشته کده باشین ، خوای یك موضوع بین شما و شالینوف وبه پولیس ارتباط نداره •••(کمی به‌فکر فرومیرود) ••• شاید او نافکر کده باشن که شما مردم‌ره‌به‌عکس‌العمل های‌قهرآمیز تحریك میکنین ، چطور ؟ شما باید کوشش کنین وای‌موضوع هاره به‌تمام مردم بفهمانین برین به مردم بگوئین که شمامخالف تقلیـل معاش تان هستین وچون آقای شالینوف‌معاش شماره کم کرده شماهم سرکـــار نمیرین و اعتصاب میکنین ، اگه شمااای موضوع ره به‌مردم بگویین • همه‌از شما طرفداری خاد کد•

ایوان: نظرشما کاملا درست‌س. ماهم‌همین کاررا خواهیم کد• در روز اول ماه‌می که روز بین‌المللی اتحاد با طبقه کارگر س ، روزیکه کارگران فابریکه بخاطر حق رهایی کارگران از چنگال استثمار واستعمار مظاهره خواهند کد، ما شعار های‌ره نوشته خواهیم کدو دراو ازدیگه‌کارگران هم تقاضا خواهیم نمود که از اعتصاب ما پشتیبانی کنن •

مادر: اگه شماواقعابصورت‌آرام باشعارها ـ یتان بروی جاده‌ها بروین هیچکس‌به‌ای‌کارتان مخالفت نخاد کد •

آندری :مه‌فکر میکنم که ای موضوع خوش آقای شالینوف نخواهد امد .

لطفاًورق بزنید

مادر : او مجبورس که به ای موضوع که حق شماس تن دربته .

ایوان : مه فکر میکنم که پولیس‌ها خواهد آمد وماره از هم متفرق خاد ساخت ۰

مادر : پولیس هاره به‌ای موضوع‌چی؟دری شکی نیس که شما باید ازپولیس اطاعت‌کنین ولی شو لینوف‌هم مجبورس که‌ازپولیس‌اطاعت کنه ۰

پاول: مادر، تو فکر میکنی که‌پولیس هابا۔ مظاهره مسالمت آمیز ما مخالفتی نخواهندکد؟

مادر : بلی ، مه ایطور فکر میکنم ۰ای‌کدام عمل‌قهرآمیز نیس۰ اگه شما خواسته باشین بکدام عملی قهر آمیز دست بزنین ، مه اصلا موافقت‌نخواهم‌کد ۰ تومی‌فهمی که‌مه‌بخدا ایمان واعتقاد دارم ۰ ازی خاطر مه همیشه مخالف خون ریزی وقهر هستم ... چهل سال اس که مه‌زوروقهرواستبداده میشناسم ولی یکروز هم قادر نبودم که برضد اواقدام بکنم و لو که ای‌اقدام‌کو چکترین اقدامی بوده باشه ۰۰۰ مه می‌خوایم که پیش خدایم شرمنده نباشم که مره بگویه که‌بالای‌ای یااو ظلم وجبرکدی۰

شام اول ماه می ۱۹۰۵ :

درگردهم‌آیی‌که صورت‌گرفته هرکس میخواهد مشاهدات خودرا برای دیگران گزارش دهد۰

پاول : وقتیکه ما صحن فابریکه ره ترک گفتیم وبه خیابان‌هارفتیم ،اونجه کارگران دیگه فابریکه هاهم آمده بودند ۰تعداد شان از هزاران هم تجاوز میکد ۰ در پیش روی ها شعاری در حرکت بود که روی آن نوشته شده بود:کارگران،از اعتصاب برحق مابرضد تقلیل معاش پشتیبانی کنید ۰۰۰ کارگران ، متحد شوید ۰

ایوان : ماکاملاآراموداخل‌نظم مظاهره‌میکدیم آواز می‌خواندیم ، بیدار شوید ، بپاخیزید ۰۰ برادران ، مشعل‌داران آزادی، استقلال‌واقعی خودرا بدست آرید ۰۰۰ وما مصمم بـه پیش درحرکت بودیم .

آندری:در پهلوی‌ما خانم والسوا باپاول در حرکت بود۰ درست شانه به شانه ۰امروز صبح وقتیکه مه پشت پـاول رفتم که اوره باخود بگیرم دیدم که خانم والسوا ، از آشپز خانه بر آمد۰ لباس های خوده وقت پوشیده بود. مه پرسیدم‌که خانم والسوا ، شماکجا میرین؟ باصدای کاملا آمرانه جـواب داد۰ همرای شما(همه از خوشحالی می‌خندند)

آنتون : بصورت عموم مردان وزنان هـم سن وسال اوزیادبودند ۰معلوم میشه که سردی زمستان ، بلند رفتن نرخ ها ، تقلیل معاشات وتبلیغات ماو شما اثرات خودرا داشته است دراول تنها پولیس ها دیده میشدند ، ولی وقتیکه به‌جاده نودس‌کایارسیدیم دیدیم که او قطار از عساکر اونجه ایستاده بودند وراه ره بند ساخته بودند۰یکی از صاحبمنصبان وقتیکه شعارهاوبیرق هاره دید صداکد: دربر! وازماخواست‌که ازهم متفرق شویم والی فیر خواهند کد۰۰۰ همه ما بمجرد شنیدن صدای او وارخطا شدیم ۰

پاول: اماچون همیشه ازعقب به پیش رانده میشدیم ، نمیشدکه ایستاد شویم ویابه عقب بر گردیم ، مجبور بودیم که‌به پیش بریم۰ درهمین‌اثناءاوناهم فیرکدن چندنفرکه‌درقطاراول بود زخمی ویا کشته شدند ۰ هیچ کس‌باور نمیکنه که واقعا همچوچیزی‌اتفاق‌افتاده باشد۰۰ بعد عساکر بطرف ما حمله آوردند ۰

مادر :مه اصلابخاطر حقانیت موضوع شما همرای شمارفته بودم ولی دیدم که دراونجه آدمهای آمده بودند که‌به نظر مه مردمان‌شریفی بودند ، یك‌عمرکارکده بودند، البته یك عده عناصر ناراضی‌هم بودند که بخاطر بیکاری قیمتی وسختی شرایط وگرسنگی به راه افتیده بودند ۰

آندری: وقتیکه فیر شد، ما تقریبادر صف چهارم‌یاپنجم بودیم ۰ اما مامتفرق نشدیم ودست های یکدیگر خودرامحکم گرفته ایستاده بودیم ۰

پاول:ماهم ازهم متفرق نشدیم ، مخصوصا سملگین که بیرق بد ستش بوداز خود بسیار شهامت نشان داد۰ هدف ماای بود که‌بدیگر کارگران بفهمانیم که مابه‌اعتصاب دست زده ایم وتا آخرین لحظه هم بر ضد تقلیل معاش به اعتصاب خودادامه خواهیم داد۰

آندری : دشمنان ما امروز ثابت کدن که چاکران شالینوف ها هستند ودر برابر مزد ناچیز بر ضد جنبش های مترقی ، هر کاری که‌ازدست شان‌پوره باشدکورکورانه ووحشیانه انجام خواهند داد۰ ۰

ماشا :بالاخره امروزمعلوم شدکه حق‌چیست وناحق چی ؟

مخصوصا خوب س که بعضی از عساکر هم ای موضوع ره فهمیدند ۰

ایوان : آنهائیکه امروز شاهد این واقعه نبودند، حتما خواهند شنید فردا یاپس فردا تاریخ ای مسأله راثبت خواهدکرد . وبارها شاهد چنین حوادثی خواهدبود ۰ حادثه امروز نشان داد که‌چنین‌بر خوردها میتواند همیشه بوقوع بپیوند د ۰

انتون: وبـرای مـا مشعل راه آزادی ، دموکراسی واستقلال واقعی ۰۰۰۰

مادر : امروز بیرقه سملگین بدوش داشت۰ سملگین که در گوشه از جمعیـت نشسته است جواب میدهد: نام مه سملگین‌س.مه از بیست سال به‌اینطرف جزء ای جنبش بودم ضمناًمه اولین نفری بودم‌که نامه های سیاسی ره درفابریکه‌پخش‌کدم مابخاطر ازدیادمعاش وبهبود شرایط کار بارها مبارزه کدیم۰چندین بار نمایندگی رفقای کارگر خوده در فابریکه‌به عهده داشتم ۰ دراول مه در مبارزه خیلی‌مصمم بودم ،امابابد اعتراف کنم که بعدها باخود میگفتم که‌شایدبراه‌دیگی‌هم‌وجود داشته باشد۰۰ وفکرمیکدم که شاید ای‌راه بی خطر تروساده ترهم باشد ۰۰۰ فکر میکدم که اگر جمع کثیری ره‌ده فابریکه بدست بیاریم بتوانیم در تعین سر نوشت فابریکه نقش مهمتر ره‌ایفا کنیم ۰ بالاخره برمه‌ثابت‌شد که‌ای درست نبود ۰حالا مه اینجا هستم ۰در عقب مه هزاران نفردیگر درحرکت هستند۰۰۰ درمقابل ماهیولای خشم واستبدادقرار دارد ۰ امروز مه چندین دفعه ازخود میپرسیدم که آیا بیرقه برایشان بتم یانتم ؟

انتون: خوب شد که بیرقه ندادی ۰راه‌های دیگر دربرابر ایطور دشمن هرگز نتیجه نخاد داد۰

مادربه‌دوام گفته های انتون ادامه میدهد: توخوب کدی بیرقه‌ندادی۰ آنهادربرا بـر مظاهـره مسالمت آمیزنباید اقدام خشمانـه میکردند ۰

ماشا: وقتیکه صدای پولیس ره شنیدم‌که میگفت ،بیرقه بته بسیار ترسیده بودم۰

ایوان : سملگین بطرف مه سیل کد، دیدکه ما در عقب‌او باشعار های خود قرار داریم۰ در عقب‌ما هزار نفر دیگه با صفوف گسترده‌تر ایستاده بودند کارگران فابریکه شالینـوف با خواسته های بر حق شان در مورد تقلیل معاش ۰۰۰۰مابه همدیگر نگاه کدیم ،درنگاه های ماپرسشی وجودداشت وآن اینکه سملگین که‌در کنار ما ایستاده س وجزء از ماس‌بابیرق چه خاد کد .

پاول : بیست سال مبارزه بخاطر استحکام وتشکل جنبش وانقلاب کارگری ۰بخاطرعدالت ۰۰۰۰بالا خره ساعت ۱۱ امروز اول ماه می ۱۹۰۵ شنیدم که سملگین گفت ؟مه بیرقه هرگز به شما نمی‌تم ودیگه‌باشما هرگز مذاکره نخواهم داشت ۰

آندری : مه گفتم خوبس سملگین ، خوبس ۰۰۰۰حالا همه چیز درست خادشد ۰

ایوان : او گفت بلی، مه‌بیرقه به شمانمی‌تم درای لحظه اوبه جلوخم شد واواحمقهاگلوله باوانش کدن۰

آندری : باز چهار یاپنج نفر از عساکر بالای بیرق حمله کدن ۰ بیرق در کنارسملگین ولی‌هنوزدردست سملگین‌بودولی‌قبل‌ازینکه‌دست سملگین از بیرق دور شوه ، خانم والسوا،ای زن هم سنگرما، خوده به‌بیرق رساندوگفت: سملگین بیرقه به مه‌بته ۰۰۰۰

مادر : راست میگه ،مه گفتم،بیرقه به‌مه‌بته، اوره به‌مه بته ، مه اوره به آغوش میکشم ۰۰۰ بعدازی همه‌چیز شکل دیگری را بخود خاد گرفت ۰

چندروز بعد از حادثه اول ماهمی در منزل معلم نیکولای ایوانوویچ‌در روستك :

ایوان : نیکولای ،مه‌امروز مادر پاول ،یکی از ر فقـای مـه کـه ، د ر حا د ثـه مظا هـر ا ت ا و ل ماه می زندانی شده اینجه‌آوردیم۰۰۰ (معرفی میکند)۰۰خانم والسوا ۰۰۰(بعدادامه میدهد) ۰۰۰۰صاحب خانه هم‌اوره بعداز ین حادثه از خانه کشید ۰۰۰ ماوظیفه داریم دربرابر رفیق خود پاول از مادرش‌خوب مواظبت‌کنیم خانه‌تومصوون است وبه‌نظرماهیچ کس شواهدی دردست ندارد که توباانقلابیون در ارتباط باشی۰

معلم: توراست میگی،مه‌معلم هستم وهرگاه مثل توبه فریاد و غالمغال های بی جای بپردازم ، مره از مکتب اخراج میکنند ۰

ایوان: امامه‌امیدوارهستم‌بخاطرمه که‌برادرت هستم ،خانم والسواره که واقعا دیگه هیچ‌جای نداره ، چند روزاینجه نگهداری واز اومراقبت کنی ۰

معلم: برادر ای دلیل شده نمیتانه ،مه اصلا مخالف همه چیز ی هستم که‌تو از او طرفداری میکنی ،همه کارهای توبـی نتیجه خاد ماند، مه‌ای موضوع ره چند بار بـرت گفتیم ۰۰۰۰

بعد روی خودرابه طرف خانم والسوا نموده میگوید : امابازهم‌مه‌از شمامراقبت خواهم‌کرد۰ شمامی‌بینید که‌ای خانه به یك زن ضرورت‌داره همه جاهمه چیز نامرتب اند ۰۰۰

ایوان : تشکر برادر. لطفا مواظب اوباش برش بتی ، زیرا که او بعضی وقت برای‌پاول نان یادیگه چیزهاباید روانه کنه ۰

معلم:مه دربدل کارش البته کـه معاش بسیار کمی خواهم داد۰

ایوان خطاب به خانم والسوا در حالیکه باانگشت بطرف برادرش اشاره میکندمیگوید: او گرچه که از سیاست بوی نمیبره اما بازهم انسانیت خوده کاملا از دست نداده۰

ناتمام

سینمای فرانسه

منیر هویدا

سینمای فرانسه تاریخ درخشانی راپشت سر گذاشته است ـفرانسه از نخستین کشور هایی بود که‌سینما درآنجا تولد یافت این‌حقیقت‌سالمندی سینمای آنجا رانشا ن مید هد . از طرف دیگر سینما ی فرا نسه در سالها ی اخیر آثار هنر ی ارزنده وقابل تاملی به جهان سینما عرضه داشته است .

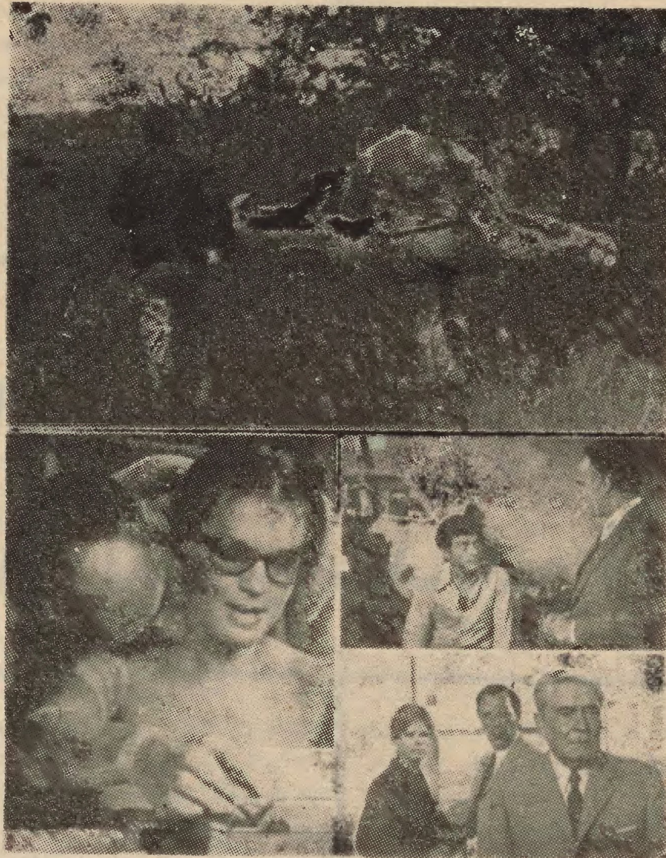
درسا ل ۱۹۰۰ عیسو ی ژرژملیس نخستین فلمها ی داستانی و هنری فرانسوی راتهیه نمود . ملیس که بازیگر و شعبده باز ورزیده یی‌بود. همراه باپرداخت سینمایی بر اساس داستان ،از حیله های جالب و تعجب آور دور بین سینما نیزبهره‌میگرفت ملیس برای اولین بار تکنیک آمیزش یادیزا لو را به کار برد که تاامروز به حیث یك اصل یا تکنیك قابل توجه مورد استفاده قراردارد.

در کنار ملیس سینما گرا ن دیگری چون پا ته وگو مون، آثا ری خلق نمودند . آنان بیشتر از همه به موضوعا ت شاد وداستانها ی خیالی علاقه داشتند . داستا ن فلم آغاز ساده وعادی داشت بعد مشکل یاگرهی خلق میشد ، در نها یت مشکل حل شده ویا گره باز میشد وفلم باپایان خوشی انجام می یافت.

آرتو رنایت در کتا ب تاریخ‌سینما می‌نویسد : (همیشه اشخا صی وجود داشته اند که خواسته اند به درست یابه غلط تفریح را با اعتلای نفسی بیا میزند . درسا ل ۱۹۰۷در فرانسه گروهی به نام (فلم هنر ی) به این منظور خاص تشکیل شد که بزرگترین هنر پیشگان ملی رادر نمایشنامه های بزرگ به‌تماشاگران عامی واند ك مایهٔ سینما بشناساند این گروه بی گمان حسن نیت داشتند از هیچ کوشش برای کسب بهترین نتیجه مضایقه نمی کردند . از سارا برنار، مادام ژران، ما کس در لی ودر واقع همه بازیگرا ن (کمید ی فرانسه فلمبرداری کردند).

فعالیت گروه (فلم هنری) بیشتر از همه شکل تیاتری داشت . در حالیکه فلم فاقد صدابود، بازیگران ضمن حرکات ، گفتار خودرا نیز ادامیکردند .

فلمهای مذکور هر چند به شکل تیاتری تهیه میشد باآنهم تاثیرمهم وعمیقی درجریا ن تکامل و رونق سینما توگرافی ،بجا گذاشت . قبل از بهترین نوع فلمها ، سالو نهای نمایشی وجود نداشت ، فلمها ی کوتاه وچند دقیقه یی در مکانها ی کوچکی چون دکان یا گاراژ نما یشی داده‌میشد . این محلات کوچك و کثیف گروههای وسیع مرد م را به طرف خود جلب نمیتوانست . باتهیه فلمهای داستانی طولانی از رو ی آثار بزرگ کلاسیك ، چه تیا تر ی وچه ادبی، محل نمایش فلم تغییر خورد . سالونها ی بزرگ و آبرو- مند ی اعمار گردید وگرو ههای‌وسیع مردم برای نخستین بار و با احتیاط به آنجا پا گذاشتند .



این کشف جدید به زودی در کشور های دیگر چون امریکا ، ایتالیا، انگلستان وآلما ن موردتقلید قرار گرفت در انگلستا ن از رو ی آثار شکسپیر وچارلز دیکنز فلمهای هنری جالبی تهیه شد ، سینما ی ایتالیا آثار تاریخی زیادی تهیه‌نمود

فلمهای مذکور ثابت نمودند که (موضو ع فلم منحصر به ملودرام های سخیف وکمدیهای سبك نیست این فلمها برای سینما آبر و ی به دست آوردند ، وشاید از همه‌مهمتر اینکه سندی زنده از تیاتر نیم قرن پیش برای ماباقی گذاشتند) .

بین سالها ی ۱۹۰۰ و ۱۹۰۷ آثار سینمای فرانسه را بنا م (فلمها ی پرحیله) و آثاری راکه بین سالهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۲ تهیه شده(هنری) می نامند .

بادرگیری جنگ‌جهانی‌اول‌سینمای بسیاری ازکشور های در گیر جنگ به انحطاط گرائید ، بعد از جنگ تلاشهای تازه یی در زمینه رو نق سینما از سر گرفته شد .سینمای فرانسه تقریبا پیش قدم‌بودسینمای فرانسه . با استقبا ل گر م روشن فکران و چیز فهمان جامعه موا جه گردید . همان بود که لویی دلو ك باکوششها وآفرینشس ها ی‌باعظمت هنری خود (باعث وبانی رستا خیز سینمای فرانسه بعد از جنگ)نامیده شد .

کارهای دلوك از حیث طر ا فت بیان وباز نمودن عواطفی که در کلام نمی گنجد ، کم‌نظیر است . بعد از اوسینما گران بزرگ دیگر ی چون لربیه ،ابل گانس وژرمن دو لا ك ظهور نمودند . ابل گانس برا ی نخستین بار پرده عظیم سه تکه، یعنی طلیعه ، سینما سکو پ امروز را به کار برد .

بعد ها ژان انوار ، آلبر تو کا - والکانتی‌وبالاخره رنه کلرروی‌صحنه آمدند. درمیان گروه اخیر مستعد تر وخلاقی تر از همه ر نه‌کلر می باشد .

فلم خیالی وطنز آمیزاو بنا م (پاریس درخواب) که در سا ل ۱۹۲۳ تهیه شده هنوز هم تازه و جالب است .

فلمها ی مذکور پهلو ها ی‌ابلهانه زندگی غرب رابه خوبی وبا طنزی نیشدار برملا نموده ، مورد انتقاد و استهزأ قرار میدهد.

فلمهای اوبه مثابه (شوخیها ی هنری) جالب وخا ص خود ش برای همیشه اهمیت وارزش خودرا حفظ خواهند نمود .

بعد از کمید یهای کلر نو بت‌به شوخیهای بشر دوستانه ژاك فرا رسید .

سینما ی فرانسه آثار بزر گی چون (بینوایان) (مردی‌که میخندد) (مصیبت ژ ا ن دار ك)(مصیبت مضحك قا عد ه با ز ی ، راخلق کرده و دین خو د ش را نسبت به هنر سینما ادانموده است .

غفار ((عریف))

دوستی ایکه از بوتهٔ آزمون زمان سرفرازانه وپیروزمند بدر آمده است

از همان لحظاتی که پدرا ن با شهامت وپر غرور ما، بەمثابهٔ نخستین ملتی در قلب آسیا به خاطر پیروزی نبرد آزادیبخش ملی وحصول استقلال سیاسی کشور در سا ل۱۹۱۹درفش پیکار شجیعانه را دلیرانه و ظفر مندانه علیه نیرو مند ترین ووحشی ترین قدر ت استیلاگر امپر یا لیستی زما ن بر افرا شت ویکی ازحلقه‌های زنجیر امپریالیسم از هم گسسته‌شد پایه های مستحکم دوستی و همکاری متقابله میان ملت قهرما ن افغانستان وخلقهای زحمتکش‌شوروی، صمیمانه بنیان گذاشته شد واین دوستی درهمان و هلهٔ نخست نقش پرافتخاری درمبارزه عادلانهٔ مرد م ما علیه ستم استعماری ایفاء نمود .

پیروزی جنبش. استقلال طلبی مردم شر ا فتمند و استعما ر شکن ا فغا نستا ن بر علیه سیطره جویا ن واشغا لگرا ن امپریالستی بریتا نیای کبیر ، درمقیاس جهانی از لحا ظ رشد نسبی‌اقتصاد وفرهنگ کشور و موضع گیر ی در زمینهٔ سیاست خار جی واعتبار بین‌المللی، رخداد عظیمی بود که‌سیمای وحشتبار وهیو لای مر گ‌آورسیستم استعماری امپریا لیستی را سخت تامرز های تزلزل کشانید واسا س مناسبات پایدار و روابط خلل ناپذیر بادول وخلقها ی تحت ستم جها ن منجمله بادولت نو بنیاد شورا ها ، بامتانت واستواری گذاشته شد .

بنابر تمایل وارادهٔ سنتی و پر افتخار مردم روز گاردیده ما ، به بخاطر رشد زمینه های اجتما عی و اقتصادی در کشور و به منظو ر تقویت پروسهٔ مبارزهٔ ملی ودموکراتیك توده های‌عظیم زحمت کشا ن میهن حماسه آفرین ما بر علیه استعمار وامپریا لیسم وبه خاطر تسریع انکشا ف شعور سیا سی ، طبقاتی وملی رنجبران کشور ، به تاریخ ۲۷ ماه می و (۱٤)اکتبرسال (۱۹۱۹) سر آغاز بر قراری مناسبات واساس روابط دوستی وسیا سی ، افغان شوروی تهداب گذار ی گردید که بدون تردید این امر در راه استحکام آزادی واستقلال هـر دو کشور افغانستان واتحاد جما هیر شوروی سوسیا لیستی کمك‌فراوانی نمود.

در قطار سایرملل‌زحمتکش‌جهان مردم غرور آفرین کشور باستا نی مادر صف مقدم تامین‌روابط برادرانه وهمکاری ثمربخش با نخستین‌کشور انقلا بی سوسیا لیستی جها ن یعنی اتحادشوروی بزرگ قرار گرفت .

دولت نوبنیاد کار گر ی ودهقانی اتحاد شوروی بر هبری مرد خردمند وناجی پرنبو غ زحمتکشا ن جهان ، دوست صدیق ملل مشرق زمین و ، ای ، لنین ، نخستین کشور ی بود که با حقانیت وصدا قت آتشـین استقلال سیاسی میهن ما رابرسمیت شناخت وبه موجب این شناسا یی کلیه تعهدات وقرار دادها ی‌ننگین واسارت آور امپریا لیستی منجملـه کنوانسیون سا ل (۱۹۰۷) ملغـی پنداشته شد .

همچنان مردم افغانستا ن سربلند بعد از حصول استقلال سیا سـی خویش از چنگ استعمار گـرا ن انگلیسی ، اولین دولتی بود کـه جمهوریت جوا ن شوراهارابرسمیت شناخت وخلق‌ما بهترین ووفـا دار ترین دوست وپشـتیبان آزادی و استقلال خودرا دریافت .

خاطرهٔ تابنده والهام بخشـ پیروزی بی نظیر مردم افغانستا ن بر دیو خشمگین و حشتـفـزا ی استعمار وامپریا لیسم و استر داد استقلال سیاسی کشور تا ادا مـهٔ زندگی بشریت به خط جلی ثبـت صفحا ت درخشا ن تاریخ مبارزا ت برحق وعادلانه نیرو ها ی پیشرونده وزوال ناپذیر ، خوا هد بود . زیرا در نخستین مراحل این پیروزی تاریخی دولت نو بنیاد شورا ها با صداقت تمام به کمك وپشتیبا نی نیرو ها ی آزادیخواه افغانستـا ن شتافت واردو ی سر خ شوروی‌قوای انگلیسی را در ترکستا ن تا روما ر ساخت وسر حدا ت شما لی کشور را از خطر نفوذ استیلا گران متهاجم مصئون نگهداشت وبدین شیـوه مردم افغانستان بادر هم شکستـن مقاومت استعمار گران بریتا نیا ی کبیر، برای حفظ سر حدا ت جنوبی کشور شوراها مساعـد ت ویار ی رسانند .

همزمان باقیام ملی مردم زحمت کش افغانستان به خاطر آزاد ی و استقلال کشور، چهارده دو لـت امپریالیستی در ضد یت باپیروزی انقلاب سوسیا لیستی اکتو بـر (۱۹۱۷) به تحر یکا ت ومداخلا ت مسلحانهٔ علیه کشور شورا متوسل گردیدند وآتش جنگ داخلـی در سراسر جمهور ی نو بنیادشوروو ی مشتعل شد، بانهم هر دو کشـور افغانستان وشورو ی شجا عا نـه پشتیبانی وهمکار ی متقابل را میان یکدیگر صادقانه اعلام نمودندوبدون قید وشرط راه بزرگ صلح‌ودوستی راهٔ نمونهٔ الهام بخش برای تما م ملل جهان را ایجاد کردند .

و،ای،لنین رهبر زحمتکشـا ن جهان وبنیاد گذار نخستین دو لت کارگری‌و دهقانی در جو لای سا ل (۱۹۱۸) ضمن ا فشای توطنه های امپریالیستی خاطر نشا ن کرد : ((دسایس استعمار گران‌انگلیسی در افغانستان هم برای تو سعهٔدادن مستعمرات است وهم برای خفـه ساختن ملت هاو هم برای حمله به روسیه شوروی ....»

امان الله خان پادشاه ترقیخوا ه افغانستان بعد از حصول استقلا ل سیاسی کشور نخستین پیام صلح ودوستی ملت قهر مان افغا نستا ن مستقل وآزاد را عنوانی و،ای، لنین به عبارات زیر ارسا ل نمود :

((از آنجا که شما ، حضـر ت دوست محبوب وبزرگ من ، رئیس جمهور کشور معظم روسیه به اتفاق دیگر رفقای خود، دوستان بشر یت وظیفه پرافتخار وشرافتمندا نه مراقبت از صلح وآسا یش افرادرابه عهده گرفته اید ، من خوشو قتم از اینکه برای اولین بار از جانب ملت ترقیخواه افغانستان پیا م دوستانه واقعی کشور مستقل وآزادافغانستان را ارسال میدارم ...)).

انسان گرانمایه ، دوست باصفای ملل مشرق زمین ، بنیادگذارسیاست نوع جدید صلحجویا نه و دوستا نه فی مابین افغان ، شـوروی، و،ای، لنین درپیام (۲۷) ماه می سـا ل (۱۹۱۹) خویش به امان الله خا ن شاه مترقی افغانستان چنین نوشت:

ضمن دریافت او لین پیام ملت آزاد ومستقل افغانستان به ملـت روس باتعجیل درود خود را ازطرف دولت کارگران ودهقانان و تمام‌ملت روس متقابلا به ملت آزادو مستقل افغانستان که قهر مانانه در مقا بل برده داران بیگانه از آزادی واستقلال خویش دفاع میکنند، میفرستم ... نیرومندترین سند تاریخی(معاهدهٔ

دوستی) به مثابه سد استواروتزلزل ناپذیر بر قراری مناسبات وروابط ثمر بخش ، علی الرغم تحریکات خصمانه و فعالیتهای دیپلماسی دول امپریالیستی ، بین دو کشور تازه از بندرسته (افغانستان ، شوروی) در (۲۸) فبروری سال (۱۹۲۱) به امضاء رسید .

اهمیت تاریخی وسیاسی معاهدهٔ (۱۹۲۱) که بر پایه رعایت احترام بهحاکمیت واستقلال ملی و منافع متقابل انعقاد یافته ، درین مطلب خلاصه میگردد که قرار داد متذکره موافق به اصول عالی بشر دوستی سرحدات دوکشور افغانستان ، شوروی رابه صورت نخستین‌سرحد نمونهٔ صلحو دوستی و حسن همجواری بشیوه جهانی ایجادکرد.

همچنان خصلت مردمی قرار داد متساوی الحقوق (۱۹۲۱) رامیتوان در ین نکته هم در یافتکه لویه جرگه آن زمان افغانستان به خاطر استحکام روابط سیاسی با دولت نیرو مند شوراها و جلب همکاری‌های‌متقابل ملت ها در زمینه آزادی، ترقی ، بیشر فت و صلح سند تاریخی متذکره رابه تصویب رسانید .

به تعقیب معاهدهٔ متساوی‌الحقوق (۱۹۲۱) که تهداب تزلزل نا پذیر مناسبات دوستی و همکاری‌متقابل رامیان هر دو ملت‌افغان ، شوروی بنیان گذاشت ، در سال (۱۹۲۶) مجددا معاهدهٔ بیطرفی وعدم تجاوز بین دو لتین افغانستان وشوروی سوسیالیستی انعقاد یافت و الی سال (۱۹۶۵) که‌برای‌آخرین مرتبه در مسکو تجدید گردید ، قرار داد بیطرفی وعدم تعرض چند ین بار بادر نظر داشت اصول صلح وامنیت بین‌المللی ، مساوات ، دوستی وهمکاری میان هر دو کشور تمدید شد .

بموجب این سند معتبر وتاریخی که روابط سیاسی و سوق الجیشی بین هر دو کشور در یك سطح عالی ارتباطات حفظ‌گردید ودفاع‌از صلح ، استقلال آزادی ، دوستی وهمکاری بطور خدشه ناپذیر محتوای آنرا میساخت، هر دو ملت افغان ، شوروی پیگیرانه سیاست انسانی ضد یت با استعمار و امپریالیسم ، دفاع از جنبش ملی خلق های ماورای خط تحمیلی دیورند (پشتونستان و بلوچستان) ، پشتیبانی ازجنبش رهایی بخش نیم قارهٔ هند، تامین روابط سیاسی ، اقتصادی وفرهنگی با کشور های ضد استعمار اروپائی ، آسیائی ...، را تعقیب وتقویت بخشید ند .

با در نظر داشت رعایت جدی از اصول عالی بیطرفی مثبت و فعال وعدم تعرض و مداخله درامور داخلی یکدیگر ، معاهدهٔ پغمان در سال (۱۹۳۱) بمثابهٔ مکمل قرار داد سال (۱۹۲۱) بین دو لتین افغانستان و شوروی عقد گر دید که بموجب آن‌به انجام فعالیت های‌خصمانه وتخریبی در قلمرو یکدیگر مجال داده نشد، حق حاکمیت هردو کشور برسمیت شناخته شد .

هنگامیکه پاشنه های فاشیزم هتلری تمدن عالی بشریت را بوحشت می کوبید و جنگ دوم‌جهانی زندگی آرام مردم جهان رابمقصد توسعه طلبی والحاق سر زمین دیگران ، آتش افروخته بود، علی‌الرغم دسایس ارتجاع وامپریالیسم خلق بزرگ هردو کشور افغان وشوروی با افتخار و سربلندی سالهای آزمایش روابط دوستانه ، همکاری متقابل وحسن همجواری رابا ساس قرار داد (۱۹۳۱) سپری کردند .

اتحاد شوروی سوسیالیستی که درصف مقدم نبرد خونین قرار داشت ودر حدود (۲۰) ملیون‌انسان کشته داد ، در فبروری‌سال(۱۹۴۵) از سوابق درخشان دوستی و همکاری وو فاداری ملت افغانستان ستایش فراوان بعمل آورد .

سالهای جنگ غاصبانه، غارتگرانه و رهزنانه امپریالیستی که دژ تسخیر نا پذیر اتحادشوروی با همکاری سایر ملل زحمتکش جهان موفقانه به آن خاتمه‌بخشید به ((نام سالهای آزمایش روابط دوستانه دو کشور افغانستان و شوروی ثبت تاریخ است))و ((درفش دوستی و صلح بین المللی را که در پیکار خونین علیه امپریالیسم بدست آورده بودند بر افراشته نگهداشتند .))

((... ثمرات کمك های وسیع وهمکاری اقتصادی و فرهنگی شوروی به افغانستان روی حقایق‌وارقام و نقشه دوستی آنقدر فراوان ومشهود است .

علی‌الرغم کندی رشد اقتصاد و فرهنگ کشور ما ، تخریب‌نیرو های ارتجاعی‌و امپریالیستی در کشور با زهم ایجاد تعداد موسسات صنعتی و زراعتی و فرهنگی و تاسیسات بزرگ و متوسط، بذل کمك در تعلیم و تربیت ده هزار کادر و متخصص علمی و فنی ملی وساختمان نسبی زیر بنای اقتصادی افغانستان طی سه پلان پنجساله و استقرار مناسبات‌برابر وثمر بخش در زمینه مبادلات تجارتی از خصوصیات مهم وبه ارزش کمك وهمکاری اقتصادی فرهنگی دو کشور به شمار میرود که ثبت تاریخ انکشاف کشور ما ست وخلق‌ونسل جوان و طنپرست‌و پیشرو انقلابی افغانستان هرگز آنرا فراموش نخواهد کرد ....))

طی سالهای بر قراری روابط دوستانه و همکاری ثمر بخش اقتصادی ، فرهنگی ، فنی وتخنیکی بین افغان و شوروی ، بطور بی غرضانه‌وبی شائبه در ساختمان اقتصادی جامعه ما ، اتحاد شوروی نقش شایسته و ارزشمندی را ایفاء کرده است و در تاسیس و ایجاد پروژه ها و ساختمان‌های بزرگ حیاتی به کمك یاری مردم افغانستان برق آسا شتافته که بطور مختصر از آنها یاد آوری بعمل می‌آوریم:

برای‌نخستین بار در سالهای (۱۹۲۴ ـ۱۹۲۷) اتحاد شوروی با افغانستان در احداث لین تیلگراف کشك هرات ، کند هار ، کابل ، مزار شریف اشتراك مساعی نمود و با صرف منابع مساعد مالی از کریدت اتحاد شوروی که حتی به اندازه کوچکترین ارزش منافع استثماری در آن نهفته‌نبود، کار تمدید لین های تیلگراف با موافقیت تمام خاتمه پیدا کرد .

در (۲۸ نوامبر ۱۹۷۲)موافقتنامهٔ مربوط به تاسیس خط هوائی مستقیم بین کابل و تاشکند با اشتراك نماینده گان با صلاحیت هر دو کشور افغان و شوروی ، امضاء گردید .

اتحاد شوروی سوسیالیستی و افغانستان با متانت و استواری در تامین این امر شر فتمندانه بذل مساعی نمود ند .

در (۳) اپریل (۱۹۳۲) بین دو لتین افغانستان و شوروی موافقتنامه در بارهٔ مناسبات پستی ، تیلگرافی و رادیو ئی به امضاء رسید و به تعقیب آن در (۲۸)جون سال (۱۹۵۵) قرار داد همکاری ترانزیتی به مصالح و منافع هر دو ملت انعقاد یافت .

بتاریخ (۲۴) مارچ سال (۱۹۵۶) قرار داد ارتباطات مستقیم و منظم هوائی بین افغانستان وا تحاد شوروی عقد گردید متعاقبا در (۲۸) اکتوبر (۱۹۵۹) در ارتباط فعالیت های کلتوری موافقتنامهٔ تاسیس انجمن دوستی و روابط فر هنگی با افغانستان در مسکو به امضا رسید . تاریخ های ۲۴ جنوری و (٤) مارچ سال (۱۹۰٦) در ارتباط به فعالیت های کلتوری و فر هنگی وتاسیس انجمن های دوستی میان افغانستان واتحاد شوروی ، خوش درخشید ه‌است.

طی تطبیق دو پلان پنجساله انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با ساس موافقتنامه (۱٦) اکتوبر سال (۱۹٦۱) در راهٔ اعمار و ساختمان جاده‌ٔ بلاکشید ه‌ها، همکاری اقتصادی وفنی وسیعتری را به عهده گرفت که ستون اساسی رشد اجتماعی، اقتصادی، فنی و تخنیکی کشور را بمنظور ایجاد اقتصاد ملی پیشرفته تشکیل میداد .

در زمینهٔ ایجاد موسسات‌ساختمانی بزرگ و پروژه های مسکونی باساس قرار داد تاریخی اپریل سال(۱۹٦۲) اتحادشوروی همکاری های ثمر بخش وشایسته را بادر نظر داشت تهیه و امداد وسایل وسایط تخنیکی ساختمانی ، برای مردم افغانستان مدنظر گرفت وعملا در تامین این امر اقداماتاصولی بوقوع پیوست همچنان باساس موافقتنامهٔ متذکره اتحاد شوروی نقشه‌عمومی تجدید ساختمان شهر کابل را طرح و تنظیم نمود .

سال (۱۹٦۳) در خشانترین ایام همکاری های فنی و تخنیکی اتحاد شوروی با مردم افغانستان بحساب میاید . تاریخ (۲۷)اکتوبر سال (۱۹٦۳) موافقتنامهٔ مربوط بهتادیه کمك های فنی بمنظور ر

بقیه در صفحه ٤۰

یک بسته پول در کنار جاده

دا ستا ن کوتاه افریقا یی

نو شته اسکار ریباس

ترجمه محمد آصف فکر ت

صبح زود صدای « موسو کو » پیروز مندانه از دا خـل حویلی به گو ش رسید :

ـهی ،عمه ، من خو شبخت شده ام. یك عا لم پو ل یا فته ام !

((مو سو کو)) بسته یی را بـه عمه اش نشا نداد. عمه که رو ی چو کی کو چك چو بی نشسته بایك تو ته ذغا ل ومقدار نمك دندا نها یش را پاك می کرد آهسته گفت :

ـچیغ نزن !از بیرو ن می شنو ند درون بیا !

ماد ر کلان که حو یلی را جا رو می کرد نیز توته یی ذغا ل و کمی نمك به دها ن دا شت وتاازموضوع خبر یافت به طر ف آنها شتا فت وبا کنجکا وی پر سید ؟

ـچی ؟ این چیست ؟

صدای کوکوی فاخته یی از چپری پهلو یی به گوش می رسید :

ـکوکوکو !کوکوکو :

صید هو س شد م ، کو !

به خا طر طعمه یی

بند قفس شد م کو! کوکوکو !

سر انجا م در ها بسته شـــــد ، هرسه زن روی نیمکـت هـا ی فلزی نشستند و در حا لیکه د ل ها ی شا ن به تند ی می تپید پول ها را می شمردند و باز شما ر ش را از سر می گر فتند . دو صدوده ((اسکو دوس !))مبلغ خو بی بود خداوند مهربا ن است و بند گا ن گمهنکا رش رافرا مو ش نمی کند .

مادر کلا ن گفت :

ـحا لا دیگر دها نت را ببنـــد شتر دیدی نه !می شنوی ؟ باایـن پول ، دختر جا ن تو می توا نـی خانه‌یی بخری و زند گی خو بـــی سر برا ه کنی .

ـنه ماد ر کلان . خا نه چه می کنم ؟ رخت های خو ب و جوا هرات گرا نبها خوا هیم خرید ... و هـــم اگر پول ماند یك ماشین مستعمـل خیا طی .

عمه اش گفت :

ـالبته می توانی چیز ها یی هم برا ی خود بخری . و لی کلبهٔ مـا و یرا نه است ،و یرا نه .

سر ش دور می‌خورد . یك خا نه، رخت ها ی مقبو ل . به تند ی برـ خا ست و برای آنکه مقداری از خوـ شحا لی اش را صر ف کند بـــه قدم زد ن درکف اتا ق پر داخت .

با شا دی و تر س دست بـــه گر یبا ن بود. مادر کلان در حالیکه دست ها یش را در هم گره‌کرده بود گفت :

ـببین . مردم سر ها ی شا ن را فدای پو ل‌می کنند .

و عمه اش افزود :

ـبر قص ، دختر جا ن ،بر قص! فر شته ها ی نگهبا ن به تو مهربان شد ه اند .

وقت کمی گذشت که صدای‌گریه وزا ری یکی از زنان همسا یـــه سر تا سر محله را فرا گرفت :

ـدو صدو ده اسکو دو س مرا کی یا فته است ؟ هو کس یا فته با ید پس بدهد ، زیرا از من‌است ، گم کرده ام . مردم بیا یید و بگوـ یید کی پو ل رایا فته ؟ شما هـــم کا ر می کنید .می دا نید که زندگی بینوا یان چقدر د شوار است ،پس پولم را پنهان نکنید . من دوصدوده اسکو دو س گم کرد ه ام . کـــی یا فته ؟ به‌خاطر رضای خدا پو لـــم را پس بد هید .مردم ، بشنو ید ! تقا ضا می کنم .

مو سو کو با شنید ن گر یـــه وزرای همسا یه تصمیم گر فت پول رابه صاحب اصلی اش بر گرداند .

با دو ا حسا س دست به گر یبان بود، خوشحالی و ترس . ا گـــر نمیدا نست صا حب پو ل کیست باز هم یك چیزی ، و لی حا لاچطور؟ ... حا ل که می دا نست . باز از یك‌همسا یه !

ـبشنو ید عمه ! میرو م تا پو ل را به صا حبش پس بد هم . مـــی شنو ید چطور زا ری می کند ؟ دل سنگ هم برا یش می سوزد .

عمه باز یر کی و با قیا فه یـی بی تفا و ت جوا ب داد :

ـچی گفتی ؟ پس مید هی ؟توکه پو ل را ندزدید ی ، دزدید ی ؟در جاده یا فتی .پس پو ل پو ل تست دیگر از چه می ترسی ؟

وپیر زن به پشتیبا نی عمـــــه افزود :

طا لعت را پشت پا نزن .یا فتن دزدی نیست. اگر کسی چیزی‌بیابد می یابد .

چیزی نیست امامی تواند بشنود. ابله نشو .

در بیرو ن ، ((دونانای)) بینوا با سرو لبا س‌نا مر تب ، بـــــه دیگرا ن مصیبتش را شر ح می‌دادو مردم همه نسبت به‌او ابراز همدردی می نمود ند . چه پول زیاد ی !زن بینوا !اماکی پو ل را گر فته ؟

نه ما حرا مخور نیستیم . که می تواند به نا له های این زن بینوا دل نسو زاند ؟ کی‌می تواند پو ل را نگهدا رد در حا لیکه صا حبش‌چنین آه و نا له می کشد ؟ کدا م‌سنگدل باشد ؟ نه ،هیچکس نمی‌تواندچنین گناهی را مر تکب شود . هر کس می داند او چه زندگی سختی داشته است .

یکی از رهگذرا نی که دور دونانا جمع شد ه‌بودند پر سید :

ـدونانا ! پو ل را کجا گـــم کردی ؟

مثلی سا عتی که کو کش کرد ه باشند دونانا تکرار کرد :

ـنمیدا نم ،عزیز ان من . ا مروز صبح ، مثل همیشه ، به ((قانزا)) می رفتم تا پول تمبا کو را داده‌کاری پیدا کنم . به استیشن((التا))رسیدم و آه ، خدایا ... نا گها ن فهمید م که پو ل افتاده !

به خا نه بر گشتم و تا توانستم انچ انچ راه را پا لید م اما نبود .به خا نه رسید م.همه جا را پا لیدم. مثل دیوانه ها همه چیز را زیـــر وزو کرد م . بکس ها را ،جعبه‌هارا، همه جا را پا لیدم و لی نشا نی هم از پو ل نبود ،همه کنج و کنا ر را



دیدم. حتی تشك ها را زیر و ر و کردم . و لی اثری از پو ل نیا فتم. ((دونانا))زا ری کنا ن مـــــی گفت :

ـهمه کا ز ها ی من ، همه گرـ سنگی ها ونرس های من در جنگل و همهٔ سر گر دانی ها ی من برا ی یافتن مشتری در بازار ، همه برباد شد !هر چه بد ست آورد ه بو دم با ختم .

دست ها را بهم زد و افزود:

ـ در همه ((انگو مبا تا)) فریاد زدم . در تمام بنگو نیز فریاد ز دم همچنان درمیانگا ناله کردم. در مارکیت گوشت و ماهـــــی فرو شی نیززاری کردم . به هرجا سر کشید م . وای ، وای ، وای! بیچاره شدم . اما هیچکس پو لم را پس نداد .

وای،وای ! کی پو ل را گر فته و چرا پس نمی دهد . کیست کـــه گر یه ها ی یك ز ن را می‌شنود گر یه ها ی یك زن بینوا را مـــی شنود و باز هم پو لی را که به او تعلق دارد برا یش بر نمیگر دا نـد این در این جها ن چه معنی دارد ؟ چیزی را می گیر ند که به خود شان تعلق ندارد

(باقی‌دارد)

دسنګر خیرنه او لیکنه

ګواتیمالا او سی، آی، ای

دلاتینی امریکا په ښکیلاک ځپلی خاوره‌کی داستعمار دبیری‌بوبیری‌بولاستوب دزنګ‌خوړلی زنځیر پرضد دهغی سیمی‌ژغورنده غور ځنګونو دآزادی دخونړی مبارزی ډګرته وروړ انګل چی پرله‌پسی یی ښکیلاک ګروته خوله ماتوونکی ګوزارونه ورکړل .

آندرو سینکلرد «چه ګوارا» نومی اثرلیکونکی دی اوپه۱۳۵۸کال‌کی‌دپیشګام انتشارات لخوا خپور شوی لیکی :

په ۱۹۵۳ کال کی په بولیویاکی دلومړی حل لپاره یو ملی دموګراتیک رژیم‌مینځ ته‌راغی چی دمنظمو پلانونو پواسطه یی د هیواد د پرمختګ لپاره ملاوتړله‌اودهغه‌هیواداوسیدونکی چی ترشپاړسمی پیړی راپدیخوا دهسپانوی ښکیلاک ګروپه منګلوکی ښکیل وو وژغورل.

دهیواد قلعی معدنونه یی چی د نړی ستر معدنونه وو ملی ګرل او دځمکو ویش سرته ورسول شو چی په دی لړکی ډیربی ځمکی بزګران دځمکو خاوندان شول .

دبولیویادنوی رژیم‌انقلابی اواسلاحی پروګرام د کورنیو او بهرنیو دښمنانو او په سرکی د امریکاد‌امپریالیزم اوهسپانوی ښکیلاک ګروله کلکی دښمنی او مقاومت سره مخامخ شواود هغه رژیم دنسکورولو لپاره یی ملاوتړله.

دودغ ترورځی پر اخیدونکی او غورځیدونکی توفان په لړکی د«دومینیکن» په هیواد کی د جمهوررئیس‌د«خوان بوش» په‌مشرتابه حکومت مینځ ته راغی چی‌دخلکو په‌ګټه یی سمښتونه او اصلاحات سر ته ورسول .

همدا شان‌په‌ګواتیمالاکی د خلکو ژغورنده پاڅونونو داسی تاریخی بریالیتوبونه وګټل چی دلاتینی امریکا دهیوادونو دژغورنده غور ځنګونو لپاره ښه سر مشق شواو دهغی‌سیمی دپاڅونونوله پراختیااوتکامل سره یی مرسته وکړه .

«ژاکوب (یعقوب) آربنز «دافسرانواو روڼ» فکرانو دائتلاف او ملاتړله کبله ځپل انقلابی حکومت شته کړاو په‌ګواتیمالاکی یی له ګواښه ډک مګر ستر‌تاریخی اصلاحات او سمښتونه رامینځ ته کړل .

جمهور رئیس آربنز په ۱۹۵۳کال‌کی د«یونایټډ فروټ» دکمپنی ټولی ځمکی چی یوه ارته برخه یی‌نیولی‌وه ملی کړله اوټولی ځمکی‌یی دهغه خای پراو سیدونکو بزګرانو وو یشلی او ځپل‌پروګرام یی‌په زړورتیا سره‌تر سره کړ.

دلاتینی امریکا دهیواد و ډیر لـه پسی انقلابی بدلونونو او په‌دی لړکی دګواتیمالاد ستر بدلون او بر یوپه نتیجه کی امپریالیزم اوپه سرکی دامریکا امپریالیزم او دهسپانیی استعمار چیانو ځپله دښمنی پراخه کړله او غچ اخیستونکو دسیسو ته‌یی لاس واچاوه .

دجمهور رئیس‌آربنز دانقلابی‌پروګرام دسرته رسولو او دیونایټډ فروټ دکمپنی د پراخو ځمکو دملی کولوله کبله‌دمتحده ایا لتونود ګټه خورو ډلو غضب وپارید او دځپلو له لاسه تللو ګټو بیرته‌لاسته راوړلو لوبه یی پیل کړه ځکه‌چی‌نوموړی‌کمپنی دمتحده‌ایالتونودونده والو سود خورو دګټو ساتندویه وه .

جمهور رئیس‌آیزنهاوردامریکایی سود خوری کمپنی (یونایټډ فروټ) دځمکود ملی کیدو دغچ اخیستنی په‌غرض‌وپتیله‌چی دسی،آی،ای په ناولو لاسونو دګواتیمالا انقلابی رژیـم وپرزوی او ځپل ګوډاګی‌رژیم قدرت ته‌ورسوی سی،آی،ای دآیزنهاوردارتجاعی پلان له مخی په‌ګواتیمالاکی دارتجاعی کودتا د بریالیتوب په مقصد ټول مادی وسایل‌وکارول اودګواتیمالا دانقلابی رژیم له نیمګړتیا و څخه یی دهغه دنسکو رو لولپاره‌ګټه‌واخیستله .

دلته باید داخبره یاده کړو چی دسی،آی،ای کارپو هانو دځپل کړغیړن پلان‌د عملی کولوپه غرض دآربنز دړژیم له دری ګونو نیمګړتیا و پراخه استفاده وکړه‌اوهغه‌رژیم یی‌نسکورکړ.

دسی،آی،ای داستازی وپدری‌ګونی نیمګړتیا وی په لاندی ډول وی :

«۱ـ ځرنګه چی‌انقلاب‌کافی فرصت‌یی‌نه‌درلود چی دخلکو ملاتړ او ننګه تر لاسه کړی‌نوځکه دجمهور رئیس آربنز پلوی صاحب منصبان نااهیند کیدل‌ود پیښوپه وړاندی بی تفاوته پاتی کیدل .

۲ـدلاربښوونــــکی کادر د ځان مننی او جاه طلبی له‌کبله رژیم د انشعاب اوټوټی ټوټی کیدو منګلوته ورغی نوځکه یی ونشوای کولای ګوزارونوپه وړاندی ځپل‌یوموټی والی‌وساتی چی دقسم خوړلی او غبتلی دښمن دچلونواو

۳ـ دمتحده ایالتونو دپټو اوښکاره لا س وهنو او ورانکاره هلوځلو له کبله منځنی‌طبقی وډاری شولی اودانقلاب له‌ملاتړنه‌یی لاس‌ونیو.»

د۱۹۵٤ کال په ژانویه کی جمهور رئیس آربنز دآیزنهاور دولت دپټولو ورانکاره هلوځلو مسوول وګاڼه اوپه ډاګه یی کړه‌دسی،آی،ای دګواتیمالا، فراریانو اوسرل شوو ډلوپلو ته سازمان ورکوی او ددغه هیواد دانقلابی رژیم پرضد یی روزی .

دهماغه کال دجون په اتلسمه ګواتیمالا د «کاستیلو آرماس» دتالی ځتو او داړه مارو قوتونو له تیری سره مخامخ شوه اوکاستیلو آرماس چی دسیاپلاس روزل شوی ود هغه جاسوس سازمان په لاربښوونه‌یی د آربنز د رژیم پرضد لوټماره جګړه پیل کړله .

دآربنز دحکومت لویه تیروتنه او اشتباه‌داوه چی دسیاد ګوډاګی تیری‌په‌وړاندی یی‌دخلکو دزیار ایستونکو پر ګنو له وسلی‌وال کولوڅخه ډډه وکړه اودګور نیو لانجو له کبله کمزوری اود سیا دپلان له مخی ټوټی‌ټوټی شو اوله مینځه لاړ .

ځرنګه چی‌دآربنزدسی،آی،ای‌دچلونو اودهغی دتالی ځتی آرماس تیریو په وړاندی مقاومت ونشوای کولای‌نو ځکه اړواته چی استعفاوکړی او ځپل ځای آرماس ته پرید دی .

دجمهور نیس‌آربنز تر استعفا وروسته د سی ،آی،ای روزل شوی‌زوروواک او هیواد پلوو آرماس دګواتیمالا دپټمنو خلکو پرسر نوشت واکمن شو او دسیادناولی پلان له مخی یی د پانګولی انحصارونو کړغیړن هدفونه ورترلاسه کړل او دهغه اولس دښکیلاک او زبیښاک چال چلندیی له‌سره پیل او جاری وساته .

ترجمهٔ بازمحمد رهیاب

زنان در اتحاد شوروی

...

پیشرفت فقط وقتی میسر است که بجای صدها زن، ملیونها ملیون زن در آبادی کشور سهم بگیرند...

...

آن سبو بشکست و آن پیمانه ریخت که زن را دیگر ضعیفه و سیاه‌سر گویند...

...

برابری و مساوات اجتماعی زنان ومردان ، تهیه وتدارك شرایط مساعد برای سهم گیری آنها در زند گی اجتماعی روس کار عمده یی دولت شورا ها را میسازد .

در قرون گذشته ظلم و ستم بر زنان وبیداد گریها بیشتر بوده است سوال حقوق زن که بـذا ت خودیك امر مغلق وپیچیده است ، توسط تیوریسن ها و جامعه شناسان بورژ وازی بی اندازه غلط تعبیـر شده بود آنها زنان را نظر بـه ساختمان بیولوژ یکی ، ناتـوا ن وضعیفتر از مردان دانسته و اناث رافاقد تفکر خلاق و آزاد مـی پنداشتند .

علمبر داران دانش نوین ر یشه اصلی پرابلم ها رابر ملا ساخته و بیان داشتند که‌نا برابری زنا ن در اجتماع اسبا ب و علل اقتصا دی واجتماعی دارد .

انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر برای اولین بار در تاریخ به امیـد آزادی اجتماعی و کلتوری زنان که از دیرزمانی بیك خواب تبدیل شده بود جنبه واقعیت داد و فرما نهای طرح شده دولت شورا ها تبعیض برضد زنان را ازبین برده‌مساوات وبرابری قانونی بین زن و مرد را به‌مرور زمان باآزادی اقتصا د ی و سیاسی زنان تامین نمود . بر ای آنکه زنان بتوانند بحیث معمارا ن فعال زندگی نوین ، کار و پیـکار نمایند ، آزادی‌و برابری‌حقیقی‌آنها درهمه ساحات زندگی اجتماعـی لازم و ضروری بود .

رهبر پرولتاریای جهان میگفت : «پیشر فت فقط وقتی میسر است که بجای صد ها زن، ملیو نهـا

ملیون زن سراسر شوروی در آبادی کشور سهم بگیرند و مـا متیقن هستیم که اصل پیشر فت‌سوسیا- لستی آنوقت مفهوم خواهدداشت .»

حزب کمونست ،دولت‌و اتحادیه های کار گری اتحاد شو روی بحل «سوال حقوق زن» در همه جها ت توجه زیادی مبذول داشته است . بناء هر یك از قوانین اساسی‌سال های ۱۹۱۸، ۱۹۲٤ و ۱۹۳٦ که با یك مرحله مشخصی از سا ختمان

سوسیا لیزم ارتباط داشته ،همواره اهمیت زنان را در زندگی شهری

منعکس میسازد . قانون‌اسا سی ۱۹۷۷ اتحاد جماهیر شـو روی برابر ی کامل زنان رابا مردان در وظایف محوله اجتماعی و دیگـر ساحات زندگی سیاسی و اقتصادی

و بخصوص زندگی فامیلی تا میـن میکند . همچنین مساله ایکه نسبت به مسایل دیگر مهم بنظر میرسـد اینست که در شرایط فعنی تامیـن حقوق و شرایط بهتر ماد ی بر ای آنها نسبت به سالهای گذ شتـه خیلی تفاوت نموده است . و باید گفت که حزب کمو نست و دو لت اتحاد شو روی همواره تلاش مـی ورزد تادر آینده نیز شرایط مساعد مادی و معنوی رابرای زنان مهیـا سازد .

شرایط مساعد و سود مند :

سهم گیری زنان در کار پرثمر اجتماعی ، آنها رااز لحاظ اقتصادی آزاد ساخته و سبب ایجاد یـك تهداب استوار برای برابری‌حقیقی ایشان بامردان میگردد .

در اتحاد شو روی حقوق همـه باشند گان کشور چه‌زن‌چه‌مردباهم یکسان است و این حقوق مساوی ناشی از مالکیت اجتماعی بروسایل تولید ، اقتصاد پلان شده سوسیا- لستی و مکانیزه شدن زندگـــی اجتماعیست . نظربه شواهد واسناد دست داشته در شوروی اشترا ك زنان در کار پر ثمر اجتماعی‌نسبت به همه کشور های جهان بیشتـر میباشد .بطور مثال تقریبا نصف زنان کارگر در فابر یکات مصروف کار بوده وتعداد آنها در پیشرفت امور تخنیکی وفنی همواره ازدیاد مییابد .

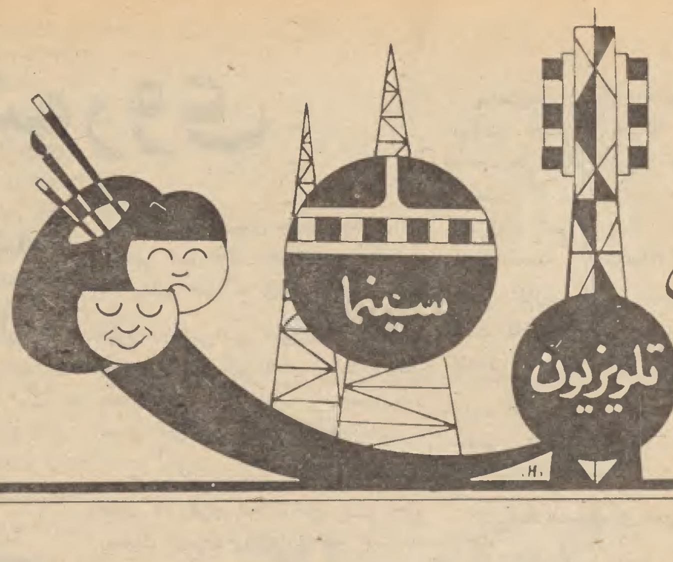
کار زنان روستا که بیشتر بـا کشاور زی سرو کار داشتنددراوایل یك اندازه مشکل بوده اما بمر ور زمان این پرابلم آهسته آهسته با ماشینی شدن امور زراعتی رفـع گردید که اینك اکثر فعالیتهـای ایشان بکمك ماشینهای مـدرن و مجهز مرفو ع میگردد. همچنیـن زنان بحیث بازرسس فار مهای‌مرغ داری و مواشی و بحیث رانند گان تراکتور در ساحات زرا عتی ایفای وظیفه می نمایند .

بقیه‌درصفحه۵٦

دښځې پيغام

خورا اوچت دی په جهان کی تـل‌مقام دښځی
ځکه لازم دی په هـر چا تل‌احترام د ښځی
وی ، دی ورورى ، برابری په‌ټول‌جهان کی مدام
دغه دی غـبز د پاکـی مینی اوپیغام دښځـی
داچی نـن خیژی پاس اسمان ته‌انسانان په پوهه
پدغه لارکی لیدل شوی ړومبی گام‌د ښځـی
که په یو لاس باندی ما شوم په‌بل‌جهان ځنگوی
لوی قوت پروت دی په وجود کـی‌شامدام دښځـی
تل‌یی‌په غیږ کـی روزل گیږی دجهان نابغی
ژوندون‌ته خـوند او رنگ ببښلی‌دی انعام دښځی
زړگی یی ډك دپاکی مینی ، محبت‌ځـنی دی
په زړو نو خوږ گوره لگیږی هـرکلام د ښځـی
ظلم ، تیری یی‌نه خوښیږ تـرینه‌کرکه کـوی
سوله ورورى ده پـه نړی کی لوی‌مرام د ښځـی
د چاپه زړه کی چی ډیوه د معرفت‌وی بلـه
هغه سپیځلی مقام وینی عـام او تام ښځـی
دبل په غـم‌باندی غمجن وی داخواخوږی انسان
د بشریت لارکی پـه برخـه دی‌نـارام د ښځی
له ډیره شرمـه انگریزان چـی‌راکتلی نه شی
غـږ دملالی یاد وی ورته قیـام‌د ښځی
که ښځه نه وای ، ژوند به‌نه ووخوشالی به‌نه‌وه
ځکه (زړه سواند) وجود ته کاندی تل‌سلام دښځی

نقد و بررسی



تیاتر ، رادیو ، نقاشی و...

جنایتکاران

محصول : شفق فلم
دایر کتر وپرود یو سر :نور یالی‌شفق
پرودیو سرمنیجر : فتح‌الله‌پرند
فلمبر دار : انجنیر لطیف
در نقشس های عمده: ابرا هیم‌طغیان ،محمد جان گورن، ولیلی .
محل نمایشس:سینمای بهار ستان‌وتیمور شا هی



جنا یتکاران نخستین محصـو ل شفـق فلم- با لاخره بعد از گـذ شت چند ماهی که از نصب اعلا نات پر عرض‌وطول وپو ستر های رنگین آن به‌درودیوار سینما های شهر مــا سپری شد ، اجازه نمایش گرفت، به اکران کشیده شد وگروه گروه تماشاگر خسته ونارا ضی از تکرار نمایش فلمهای‌چند سال پیش خر- یداری شده‌واز بازار افتاده هندی‌را، به‌درون سا لون های‌سینماکشا نید تابا تما شای فلمی که به قول‌خودش هم‌عشقی بود وهم‌تراژیدی . هم‌رقص فراوان داشت وهم آواز وناکا می‌و دختر وبچه فلم هم «بدکی!» نبودند، سه سا عت غم زندگی رابه فراموشی سپارد وزیر تاثیر حا لت های‌بیمار گونه خود قهرمان بینی موقتی و تأثر گرفته از امکانات وسیع جادو بی‌هنر هفتم گا هی‌چشمی تر کندواشکــی بریزدوگاه دیگربهیجان خشم کشیده شودو مشتی گره کند وزما نی هـم قرکمر واداواطوار فر یبنده واغــوا گرانه رقاصه او را به‌دنیای و سوـ سه‌هاکشاند وآه سرد از سینه پر- در دش برآوردو بعد هم‌راضی وخسته پای‌از سالون نما یش بیرو ن گذارد واحیانا مدتی هم باخود بیند یشد که آنچه در پرده سپید سینما دیدآیا به راستی وا قعیتی بود از درون جامعه وزندگی او ،ویا قصه یی از آن‌مانند که‌آنرا فقط در فلمها ونما یشنا مه‌ها میتوان دید ؟

تلویحا یاد داشت شدکه‌جنایتکا- ران‌مورد پسند تما شا گر قرارگرفت وشا یدهم بتوا ن گفت که این فلم ریکارد پر فروشترین فلم داخلی را در یکی دو سال گذشته ازآن خـود ساخت‌که این خود عللی دا ردو‌ازاوان وازآن شمار اینکه تهیه کننده فلم‌در پهلوی دید کم‌و بیشس وا قعگرانه‌خود درارائه نماد های تصو یری اززندگی یك جامعه عقب‌نگهدا شته شده و ارباب رعیتی ونما یا ندن بر خی از خصو صیت های آ ن‌در قالب یك‌قصه نه‌چندان تازه‌و بکر، ازشرا یط بازار فلم‌در کشور ونحوه اند یشه‌تماشاگر بدآموز شده وگوشه چشمی به‌خوا- ست‌وسلیقه اودا شتن‌هم‌غا فل‌نبوده وباگنجا نیدن‌بجا و یابیجا ی پار چه رقص های متعدد وآواز خوا نی های



محمد جان گورن دریك نقش‌خوب‌درفلم جنایتکاران



صحنه‌دیگری از فلم جنایتکاران

پرشور وجنگ وجدل‌هاوزد وخورد های هر کو لی‌ورستمی ویا به قو ل سینما پسند تری دارا سنگی وفخر- الد ینی، متاعی مر غو ب به‌این‌گونه ازتماشاگرسینمای ماکه تعداد آن هم خیلی بیش از گروه دنبـــال رو سینمای با اید یالوژی است تهیــه بیند ،که‌کاری است تا حد دور از ملامت وشما تت در شرایطی که اگر جزاین باشد کارگردا ن وتهیه کننده با دهان کجی نیشخند گو نه سالون خالی از تماشا گر رو بروميشودویا حداقل نمیتوا ند مصا رف فلم را که بدلایل خا ص هنگفت تر از کشور های دیگر هم است بافرو شخـــود جبران‌سازد .

جنا یتکاران درمحتو ای‌خود اگر از برخی صحنه سازی های‌به ذوق بازار، آن بگذر یم فلمی است تاحدی در خورتو جه که در آن گوشه های از سلطه‌ظا لما نه خانو اربا ب در ده وپول وثروت های باد آورده در شهر به نحو نیکو تصو یربند ی میگردد و تماشاگر را در برابر فاجعه‌هایی‌قرار میدهدکه سالاری وسالار منشی‌وخان بازی واشرا فیت در یك جا معـــه طبقاتی به طبقه ستمکش تحمیل می کند.

چند شات او ل فلم که «تایتل»فلم روی آن«سوپر »میگردد با نما ها یی که از گوشه های‌مختلف‌شهر وحالت های‌گوناگون زند گی درمحلات فقیر نشین وثروتمند نشین به چشم تما- شاگر میکشد در وا قع شنا ختـــی نشانه یی از موضوع فلم ودیددا - یر کتر را به‌بیننده القامیکند تاتفاوت هارازنده تر در یابدو به تفکرکشیده شودکارگردان‌درمجموع لحظا ت فلم خود به استثنای گـردش های دراز مدت وکسل کننده دختر وپسر اول فلم‌حاکمیت دارد وتوانسته‌است‌حالت هیجان و انتظار را در تماشاگر خـود حفظ کندو به آرامی به فرجـــا م قصه رهنما یی د هد.

از نظر فنی‌کا مره‌بادقت‌زوایای‌دید خودرا به انتخاب گرفته وبااستفاده ازسایه روشنی هاوبزرگنما یی هـا وخرد نمایی ها که بیشتر در نمایا- ندن خصو صیات عا طفی پر سوناژها کمك‌میکند تاتوانسته است‌تصو یررا درخوبترین شکل‌ممکن آن و یا چیزی نزدیك به آن ارائه داده وارزش‌کار خود را بیشتر از پیش تثبیت کند.

«کلوزاپ» هاکه‌در فلم های گذشته شفق حتی در موارد کاملا ضرور ی کمتر ارائه میگردیدوجـــای آن را (مدیم شات) ها میگرفت دراین فـلم درجاهای‌که مورد نیازبوده زیا دتراز کار های گذشته وی قالببندی‌شده وتماشا گررا در برابر دگر گونی‌های عاطفی ودرو نی وانعکا ســـس آن در چهره پرسو ناژ قرار داده است که میتوان باتو جه به ار زش این شکل کار،آنرا به تایید گر فت .

«ادیت، پیوند،وصدا بر دا ری فلم نیز تا جای زیاد نوا قصی را که در فلمهای پیشس از این ازساخته‌های همین دایر کتر دید یم کمتر به‌چشم می خورد و مونتاژ با لنسبه موفـق توالی صحنه ها را از میان نمیبرد .

باز یگرا ن نیز در قا لب نقشـی های خود نیك فرو رفته اندوبـــا الخصوص محمد جان گورن‌وابراهیم طغیان که درخششی چشمگیردارندو خورشید وحمیده که درنقشس دومادر از خود بازی های‌حسا ب شده‌یی را ارائه مید هند .

نکات دیگری نیز به ار تباط محتوا و تکنیك فلم مطرح است کــــه بـــا تفصیل‌به نبشت آید ودر این فشر- ده‌نمی گنجد وبه همین دلیل بااشاره یی گذرا به آن رد میشو یم ،ما نند صحنه اختطا ف یکد ختر ازدروا زه مکتب، به موتر کشیدن او به‌اجبار به‌وسیله چند نفرو در برا برچشم گذرندگان که‌با توجه به استثنـــــاء بودن آن در شکل‌وقا لبی که در فلم تصو یر بندی میشود نبا ید هستــه داستان فلم قرار میگرفت و یا مرا- جعه نکرد ن‌دختر فلم به مرا جع‌قا- نونی بعد از آلوده شدن وحتی ارائه نشدن هیچ‌نما یی بعدی ازچگو نگی بر خورد دختر با جوانی که وی رابه آلودگی کشیده درمحتوا ودراز شدن خیلی از صحنه ها به صو رت عمدی و به منظور طویل ساختن مدت فلم که هم ار تباط منطقی صحنه های‌فلم راتا اندازه یی لطمه میز ندو هم‌در مجموع همان بخشس های فلم را از کشش و هیجان به دور میدارد ومو- ارد دیگر درهمین‌زمینه .

باهمه آنچه که گفتیم با تو جه‌به نوپابودن‌سینما ی ملی افغا نستـان، کمبود پرسو نل، فقر سرما یـه و دشواری ها یی فنی فراوانی کـــه دست اندر کا ران سینما ی ما با آن روبرو اند ، با نظرداشت‌اینکه تـا کنون این گروه نه اتحاد یه یی دارند که از منا فع‌آنان دفا ع کند ومشکلات شانرا در ار گا نهای مسوو ل به‌طرح آورد و نه هم سازمان های هنـری دولتی مجال‌آنرا یا فته اندکه‌پیرامون معضلاتی که در مجمو ع خودسینما ی مارا از خلق آثار خوب وبامحتوابه‌دور میدارد گام ها یی‌مو ثربردارند ، باید گفت که فلم جنا یتکاران‌اثری‌است قابل‌پذیر ش‌که‌فقط‌بدلیل‌دارابودن‌نماد ها یی از زندگی مردم ماو به‌شناخت آوردن‌گو شه های‌مختلف‌آن‌در یك مقطـع خاص زمانی خیلی بهتر ازفلم های همرد یف تجار تی وپول ساز کشور های خار جی‌است که‌تولیدات آن‌سالیان درازسرمایه‌های‌مارابه‌جیب ساز ندگان وتهیه کنند گان آن فرو ریخته و هنوز هم فرو میر یزدوهمین هم‌باید انگیزه یی باشد به‌اینکـــه این موسسات مورد حمایت قانونـی بیشتر قرار گیر ند ومجال فعالیـت بیشتر در شرا یط بهتر برای شان داده شودتا به‌این تر تیب باز میان رفتن‌عوا مل رکودوتو قف در تو لید های سینما یی نه‌تنها استعدادهای فراوان تری‌را شگو فا یی بخشیم، بلکه به آرا می‌زمینه رقا بت کمی و کیفی را با تو لیدات خار جی‌یـــی بیابیم که‌کشورما بازار فرو ش آنها- ست.



احمدسیر حیل و سیما درخشان‌درصحنه‌یی از فلم جنایتکا ران

به‌افتخار کنگره سرتاسری زنان

درتحت سیطره ظالمانه استبدادی و جبارانه ظاهرشاهی نهضت های انقلابی در هر گوشه وکنار کشور اوج میگرفت وهرآن پر بار تر می گردید وبا افتخار وسر بلندی درفش‌پیکار طبقاتی را در اهتزاز درآورده وخط فا صل میان نیرو های انقلابی وارتجاعی را روشن تر وعمیق تر ترسیم می نمود .

باشکل‌گرفتن واوجگری نهضت ملی وانقلابی افغانستان در تحت رهنمایی های حـز ب دموکراتیک خلق افغانستان سازمان هـا و اتحادیه هایی مبارز و پیکار جوی صنفی‌شکل میگیرد وبوجود می آید. دلیرانه و قهرمانانه علیه استبداد، ارتجاع وقدرت نمایی ها قدرت هـا ی ا ستعمـا ر ی بـه مبـا ر ز ه گرم پرداخته وبدون هراس ودلهره گی ضر با ت شدید وپیهم به دژآهنین دشمن واردمی‌آورد که انقلاب پیروزمند ورهایی بخش ثور حزب دموکراتیک خلق افغانستان بصورت مستقیم به‌آن ارتباط دارد درپهلوی سایر سازمـان های توده یی مانند سازمان های کارگـران دهقانان وسازمان های صنفی اقشار زحمتکش که همه وهمه در اثر رهنمایی ها و رهـبری سودمند حزب دموکراتیک خلق افغـانستان تهدابگذاری گردیده سازمان دموکراتیک زنان افغانستان این گردان پیش آهنگ و انقلابی زنان افغانستان مبارز و انقلابی به تاریـخ هشتم جوزای ۱۳۴۴ یعنی پنج ماه پس از تاسیس حزب دموکـراتیک خلق افغانستان بنیان گذاری شد این سازمان رزمنده وانقلابی پیوسته در خدمت زنان زحمتکش وتحـت شکنجه افغانستان بوده وهر جاییکه حیـا ت وکرامت انسانی زن درمعرض خطر قرار داشته ویا مناسبات غیر عادلانه اجتماعی و اقتصادی خواسته باپنجه‌های ننگین‌خویش حلقوم ایـن جنس تخت رنج و محنت را بفشارد نـدای آزادی بخش این رزمنده سازمان بلندگردیده ودر جهت دفاع این چنین زنان تا پای جان به مبارزه برخاسته است .

سازمان دموکراتیک زنـان افغانستان در شرایطی پابه عرصه فعالیت های انقلابی و سازماندهی گذاشت که تحریکات دشمنا ن، مرتجعین و استعمار سیاه وسوگنده خـورده علیه خلق ومردم ومبارزین سرسپرده وانقلابی مابه اوجش رسیده بود وهرآن توطئه و حیله تازه به کار می برند .

این سازمان آگاه باطرح برنامه‌های انقلابی ومبارزات پیگیر وظایف وطنپرستانه خویش را در بسط وگسترش جنبش ها ونهضت از یاد نبرده وضمن مبارزه مشخص وانسانی در ارتباط با آزادی زنان این نیمهٔ فعال ازپیکره اجتماع سخت کوشا وساعی بوده است .

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان ضمن ایجاد روابط نیك بین زنان و دختران وبسیج ساختن آنها علیه ستم دوگانه اجتماعی‌شرکت در مظاهرات ومیتنگ ها واعتراضات عظیم انقلابی این خطهٔ باستانی تاثیرخویش‌راغعالانه بجاگذاشته وتا سرحد نجات کشور و مـردم ازفقروبدبختی جهل وبیسوادی صدها وهزارها ظلم وبی عدالتی اجتماعی‌گام به‌گام بانهضت ملی ودموکراتیک افغانستان به پیش رفته و بـا ایمان شکست نا پـذیر د ژ هـا ی موانع را می شکستند به پیش میرفتند و به این پیشرویی ایمان وایقان داشتند .

البته نیازی به اثبات ندارد که مرورکوتاه وژرف کارنامه های انقلابی گذشت وفداکاری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان مایه غرور وافتخار همه زنان مبارز وتمام وطنپرستـان بوده و لازم اسـت تا تاریخچـه مبارزات وطنپرستانه وقهرمانانه این سازمان تدویـن

در دوره های تاریك وخفقان اور خفاشان نادری وداودی بارهاامکان شناخت وشناسایی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان میسر بود ولی ارتجاع واستعمار بار ها مانع ارتبـاط مستقیم این سازمان انقلابی با سازمان های جهانی وبین المللی شد باوجودیکه فدراسیون بین المللی زنـان از فعالیت ها ومبـارزات آگاهانه وقهرمانانه این سازمان اطلاعی کافی داشتند تا اینکه بتاریخ هفت ثـور ۱۳۵۷ سلطنت داود شاه مستبد به همت سر بازان دلیر و به رهبری حزب دموکـراتیک خلق وبا شکوه علیه دولت های وقت و درمراحل مختلفه نهضت ، نقش خویش را قهرمانانه وپیکار جویانه در دست ایفا گرفته و ایـن زنان ودختران مبارز وسر سپرده چـه در شرایط مخفی وغیره با ایراد سخنرانی ها و سازماندهی زنان در تنویر اذهان و بلنـد بردن سطح آگاهی زنان سعی وتلاش خستگی ناپذیر رابه خرج داده وپیوسته کوشیده تا سطح‌آگاهی وشعورسیاسی‌زنان راارتقابخشد.

از ابتکارات د یگر این سازمان توده ای تجلیل از روز تاریخی وباشکوه هشتم مارچ است‌که برای نخستین بار این روز تاریخی به سرپرستی زن مبارز، آگاه وقهرمان مـا دوکتورس اناهیتا راتب زاد در سال ۱۳۴٦ برگزار شد .

این زن مبارز باهمه کوشش هاوتلاش‌های انسانی وآگاهی ورزمندگی که خاصه شخصیت پرتپش اوست در ظرف پانزده سال و نیـم در جهت احیای حقـوق زنان محروم کشور محبوب جد وجهد خستگی ناپذیر را قبـول نموده منحیث حامی، پاسدار وسپاهی حقوق زنان لحظه آرام نداشته است ودرهمه حا ل و احـوال پیشاپیش صفـوف زنـان رزمنده‌و پیکارگر درفش آزادی زنان رادراهتزازدرآورده وآنرا همچنان با صداقت وایمان داری وعشق به زن ووطن ومادر وطن برافراشته در کف نگهداشته است افتخار بزنان مبارز افغـان واز جمله برزن مبارز وانقلابی دوکتور س ، اناهیتا راتب زاد .

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان دررووند افغانستان به زباله دان تاریخ سپرده شد و نمایندگان سازمان دموکراتیک زنـان بـرای اولین بار توانست در جلسه های شـــورای فدراسیون دموکراتیک زنان جهان در مسکو اشتراك کند که با افتخاریکه از گذشته های دور در ارتباط بامبارزات انقلابی ووطنپرستانه که سازمان دموکراتیک زنان افغانستان کسب نموده بودبه عضویت فدراسیون بین المللـی دموکراتیک زنان پذیرفته شدکـه جا دارد بگویم افتخار برسازمان دموکراتیک ز نـا ن افغانستان این یگانه گردان پیش آهنگ و انقلابی زنان افغانستان همچنان این سازمان از بدو تاسیس وازشروع فعالیت‌های سیاسی اجتماعی کوشید تازن آزاد باشد وآزادزیست کند ودر جامعه واجتماع شخصیت حقوقی و انسانی خودش را داشته باشد برای پرواز محیط کسب کند وچون پرنده طلایی درقفس مرد محبوس نماند مگر در مقابل جباران‌تاریخ و سلطنت داران خون آشام انواع و اشـکال نیرنگ هاو آزار را بکار بردند در شرایط که ارتجاع‌سیاه ظلم‌وجباری اش‌رابه اوج‌رسانیده بود وارتجاع وامپریالیزم افغانستان رامیدان تاخت وتاز قرار داده بودند میخواستند تحول ونهضت راباپنجه های کثیف شان‌خفه نمایند واز جمله میخواستندزنان ودختران مارا محکوم به سکوت واسارت نمایند ودست وپای آزاد زنان راکه خوشبختانه از گذشته های دور تا کنون نصیب زنان قهرمان وحماسه آفـریـن افغان دیار بوده به زنجیر سنت های خرافی ببندند وآنها رادر چار چوب خـانـه اسیر و محبوس سازند . چنانچه ارتجاع سیاه باتیزاب پاشی و توهین های مکرر ناجوان مـردانـه میخواستند صد وموانـع رادر مقابل نهضت اجتماعی وبخصوص نهضت زنـان به صورت خائنانه ایجاد نمایند . این است که باز هم سازمان دموکراتیک زنان افغانستان ندا اش راهر چه‌رساتر بلند نموده به‌دولت ظاهرشاهی و جمهوری قلابی داود شاهی می فهماند کـه زنان افغانستان تنها نیستند بلکه سازمـان فشرده ومبارزی درعقب شان وجود دارد کـه چون صف آهنین از این واز حقوق آنهادفاع خواهد کرد .

این سازمان هـرگـز نخواسته فقط گـارد تشریفاتی و نمایشی باشد بلکه هرجا که‌به زن‌و حقوق انسانی زن جفا روا داشته شـده آوازش را بلند نموده‌وبا ایمان داوری وپایداری محکم وتزلزل ناپذیر از زنان رنج کشیده ما پاسداری وحمایت نموده است .

اکنون که مبارزات صادقانه وانسانی مردم افغانستان منجمله زنان پیکار جـوو حماسه آفرین شگوفه هایی به‌بار آورده وانتظار میوه شیرین آنرا در پرتو پیروزی های انـقـلاب عمیق ودموکراسی ومردمی ثور که‌به پایمردی اردوی دلیر ورهایی بخش وپشتیبانی مردم آزاده افغانستان به پیروزی رسیده داریم .

آرزومندیم مردم رنجدیده وبه ویژه زنان جفا کشیده ما از پیروزی های مرحله نـوین انقلاب ثور بیشتر مستفید گردیده و د و پیشاپیش آنها سازمان دموکـراتیک ز نـان افغانستان در راه اعمار جامعه نوین و فاقد از رنج ودرد وجامعه شگوفان وعاری از هر گونه تشویش ونگرانی خاطربه افتخارات زیاد نایل گردد .

واکنون که سازمان دموکـراتیک زنـان افغانستان در آستانه تشکل و سازماندهی سرتاسری قرار دارد به یقین می تواند تمام زنان بااحساس بادرد، قهرمان وحماسه سازرا بنور سازمان خود شان بسیج سازد چه‌زنان آگاه میدانند که سازمان دموکراتیک زنـان یگانه مرجع ویگانه تجلیگاهی است که تحت رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان می تواند روزنه های امید وپیروزی را بـروی زن افغان بگشاید وبه زن افغان افتخارآزادی بهروزی وآینده شاد ومسعودببخشد وحالاکنون شاید تجلیل وبرگزاری هر چه باشکوه تـر این روزتاریخی که سرنوشت زن‌افغان به آن ارتباط مستقیم دارد خواهیم بود وصفحه‌نوین وپرافتخاری در تاریخ مبارزه زنان قهـرمان گشوده خواهد شد .

پیروز باد کنگره سرتاسری زنان مبـارز افغانستان .

مادران صلح میخواهند

ای‌کودك دلفریب زیبا
ای میوه‌زندگا نی من
آیینه رو شن است رو یت
از کود کی‌وجوانی من .
من عمر عز یز رفته امرا
در روی تو میکنم‌تماشا
بینم زدر یچه های چشمت
آینده پرسعا د تی را
چشمت دو ستاره درشت است
چون اختر بخت تودر خشا ن
بوی نفس معطر تو
آرام دلست ورا حت جان
آنگه که‌دو دست کو چك تو
چون حلقه فتد بگردن من
گویی بودم جهان در آغو ش
لرزد زمحبتت تن‌من
مادرچه فدا یی‌عجیبی است
از خود گـذرد برای فر زند
مادر دل وجان وزند گی را
با مهر کند فدای فرزند
ای‌کودك دلنشین زیبا
وی‌نو گل زند گانی من
گرسر بد هم نمی سپا رم
یك لحظه تزا بدست دشمن
گر پشه به صور تت نشیند
ازجای پرم شوم دگر گون
آخر چه تحملی که بینم
رفتی‌تو میان آتش‌و خون
گرچشم مرا کنند از جای
گر قلب مرا کنند پاره
حاضر نشوم که‌شعله جنگ
آتش زندت به‌گاهواره
چون من همه ما دران‌گیتی
دارند زجنگ نفرت وننگ
ای لعنت ما دران دنیا
بر هر که فروزد آتش جنگ

ژالـه

بحثی پیرامون همکاری هــای خانوادگی :

اطفال و کارهای منزل



آیا اطفال در کار های خانــه بامادران همکاری بنمایند ؟

عنوان بالای بحثی است جالب که امید است خوانندهٔ ژرفنگر ما آنرا ناخوانده نگـذرد .

در خانه‌ها ییکه مستخدم و خدمتگاروجود نداردوخانم‌خانــه ناگز یر است خودش به‌تنهایی تمام کارهای‌خانه‌راانجام دهد ازآن جاییکه انجام همه کار منزل ایجاب بیشتراز یکنفر رامی نماید لهـذا مادر ویـا خانم خانه رو یجا نب اولادها یش میخواهد وتو قــع دارد که‌وی‌رادر کار مـــــی آورد واز آنهـــــا هاکمك‌ومعاونت کنند و یك قسمت کمی ازکار های خانه را آنها بـــه عهده گیرند .

درحالیکه‌خواست ما در خیلی بجا است مگر در اکثر خانواده هـــا متاسفانه‌اطفال و مخصوصـــا پسران عادت به این کار نکرده اندو نمی خواهند به اصطلاح دست بـه سیاهی وسفیدی بزنند بعضی ازین اطفال نازدانه ، خواندن دروس و یا سایر مصروفیت های روزانه را بهانه آورده واز کارمنزل شانه خالی میکنند از ین جا ست‌که بگو مگوهای میان اعضای‌خانواده خلق‌شده کـــه سبب‌اعصاب خرابی وسبب بـــروز اختلافات میان برادران وخواهران می گردد .

در ینجا وظیفه مادرا نآگاه وحساس است‌که رموز زندگی وکار آگاهی رابه اطفالش یاد بدهد وبرای‌انجام کارها به اطفالش تقسیم اوقات کاربدهد .مثلااحمد سطل‌خاکروبه‌را خالی کند ، ماری ظروف‌را خشـــك کند زرغو خانه را جـا رو ب کرده‌و گرد گیری کند همچنان محمود برای آوردن سودا ببازار برود. خلاصه‌همه رابه‌اندازه استعداد ایشا ن بکـــار بگمارد .

وما میخواهیم زند گی یك فا میل چهار نفری را که مشتمل برپدرو مادر ودودختر هشت ساله‌ودوازده ساله است بشکل دیا لو گ برای خوا ـ نند گان عز یز تقد یم کنیم:

دختردوازده ساله میگو ید:وقتی‌از مکتب بر میگردم نا گزیر بعدازصرف نان‌وخوا ب ویك تفر یح مختصر کار های‌خانگی ام را انجام دهم.

مگر می بینم پس از همه ، همینکه بمنزل آمدم فرصت سر خار یـــدن برا یم میسر نیست ؟وچه رسد بـه استرا حت وانجام کار های خا نگی وقتی بخا نه رسید م ونان صرف نمودم مادرم متوا تر میگو یـــــد فلان‌کار چه شد.نا ن به نا نوا یی مانده،ظرو ف نا شسته وخا نـــه هم‌ناروفته .راستی راستی من بـه انجام دادن این‌همه کار های خردو ریزه که ایجا ب گشتن وراه‌رفتن‌زیاد رامی کند خیلی خسته میشو م‌وآرزو میکنم که ایکا ش مادر انجام کار هـای دیگر ما نندپخت‌و پـز غذا وتهیه



چای وغیره امور را به‌من اعتماد کند ووا گذاردوقتی می بینم این کارهارا به تنها یی انجام مید هد خیلی ناراـ حت میشوم وآرزو میکنم یك قسمت این کار ها را به من بد هد مگــــر میگو یددختر این‌ایجا ب‌مهارت زیاد رامی‌کندنشودکه‌ازتو سهو و خطا یی سرزند مثلا دیگ‌شور شود و یـــا بسوزد ویا چای تیز و یا کمر نگــــ شود آنگاست پدر ت بالای من قهر میشود ومرا لت‌و کو ب میکند نشود که‌بااین سهل انگاری یکرو زی‌خدای ناخوا سته زند گی ماراز هم بپاشدو توبدبخت شوی .

دختر ك در حا لیکه از ین زندگی خیلی نارا حت شده بما در میگویـد مادرچرا از پدرم کمك نمی خواهیداو همینکه‌بخا نه تشر یف آورد با لای آرام‌چوکی‌می نشیند پایش رابــا لای پامی اندازد ودستور چای گر م مـی دهد.

به خوا هرك هشت ســا له ام هیچکاری را محو ل‌نمی کنید وفقطهر آن‌بمن دستور انجام امور مید هید.

مادر با کمی خشن میگو یددخترم خوا هرت بسیار خرداست واز عهده انجام هیچکاری بر آمده نمی تواند پدرت‌هم‌خیلی‌خسته‌است‌زیرا در اثــر انجام‌کار های روزانه انر ژی اش مصرف شده است وحو صله‌همکاری درکارهای خانه‌راندارد .

دختر ك میگو ید : ما در فقط من هستم‌که انر ژی انجام‌این همه کارها رادارم باید چندین مر تبه درزینه‌ها بالاوپایین بروم خا نه را مر تب کنم، گردگیری نمایم ظروف شسته را و صافی نما یم وغیره ...

چون‌فرصت‌ندارم بایدنه را دیـو بشنوم‌و نه هم تلو یز یون تماشـــا کنم.

مادر چه میگو ید ؟ سه مر تبه به این دخترحر ف نا شنو گفتم سطل خاکروبه را به‌بیرون ببر و پشت در بگذار باز هم او را نبرده و سطـــل تاکنون اینجا ست من نمی دانم چرا به‌حرف من گو ش نمید هد او اصلا خودرا موظف‌نمی داند که‌در کارهای خانه مر اکمك‌کند . همه‌تو قــع کارو دوندگی را از من دارند، همه‌را حت می نشینند و به هیچکاری دست‌نمی زنند اگر یکروز بخا نه نباشم آنها



چه میکنند .

مخصو صا تو قــع ام از د خترم بیشتر است، میدا نم که او درمکتب است‌وبا یست‌وظا یف مکتبی خود را طورشاید وباید انجام‌دهد در خانه هم‌باید به کارخانگی که‌ازطرف مکتب ومعلم سفار ش داده میشود تو جـه جدی مبذول دارد ،ولی‌بهر حـــال مجبور است که در کار های خا نه‌با من‌نیزدستپیشی کندزیرا او یك دختر است‌دیر یازود خو دش ما در شد نی است ووقتی‌جنجال خانه‌وامور مربوط به آن بدو ششس بیفتد بتوا ندبدرـ ستی از عهده آن‌بدر شود .

اکنون‌ازپدر بشنوید :

نمیدا نم از دست این مادرو د ختر چکار کنم پیو سته در جارو جنجـال اند از فر صتیکه بخانه می آیم تـــا وقتیکه خانه را ترك می کنم یك‌لحظه هم را حت نیستم و قت شام هـــا خسته وما نده از کاردفتر بر مـــی گردم‌ومیخوا هم برای چند دقیقـــه مطالعه کنم می بینم که یکبار آوا ز خانم از آشپزخانه بلندشده‌و بعدش یك‌سیلي محکم بروی دخترم‌می خورد تاادب شود وتنبیه گردد .

وقتی با خود می اند یشم کـــه همکارا نم‌فرزندا ن شا نرا به چـه نوع به انجام امور وا دار میسازندو برخورد ما در برابر اطفال‌ما چگونـه است‌امابایداین‌نظر را هم تا یید کرد که اگر اطفال به تفر یح‌واسترا حت نیازدارند باید برای زند گی آینـده نیزآمادگی‌داشته‌باشند وبز ر گتر ها رادر پیشبرد امور کمك ومدد نمایند.

باقی دارد

دوشعر ناب از مولانا جلال‌الدین بلخی

داد جاروبی به‌دستم آن نگار

داد جارو بی به دستم آن نگار
گفت زین دریا بر انگیزان غبار
باز آن جاروب‌راز آتش‌سوخت
گفت کز آتشی تو جاروبی برآر
کردم ازحیرت سجودی پیش‌او
گفت بی‌ساجد سجودی‌خوش‌بیار
آه بی ساجد سجودی چون‌بود
گفت بی چون‌باشدو بی‌خارخار
گردنك راپیش کردم گفتمش
ساجدی را سر ببر ازذوالفقار
تیغ اوتا بیش زدسربیش شد
تابرست از گردنم سر سدهزار
من چراغو هرسرم همچون‌فتیل
هر طرف اندر گرفته ازشرار
شمع هامی برشد ازسر های‌من
شرق‌تا مغرب گرفته‌از قطار
روز رفت و قصه ام کو ته نشد
ای‌شب وروز ازحدیثش شرم‌سار
شاه شمس الدین تبریزی مرا
مست می دارد خمار اندرخمار

غرض‌ها تیره‌دارد دوستی را

بیا تاقدرهم دیگر بدانیم
که تاناگه زیك دیگر نمانیم
کریمان جان فدای دوست‌کردند
سگی بگذار ماهم مرد مانیم
غرض ها تیره دارد دوستی را
غرض‌هارا چرا ازدل نرانیم
گهی خوش دل‌شوی ازمن‌که‌میرم
چرامرده پرست و خصم جانیم
چو بعد از مرگ خواهی‌آشتی‌کرد
همه عمر از غمت در امتحانیم
کنون پندار مردم آشتی کن
که در تسلیم ما چون مردگانیم
چو بر گورم بخواهی بوسه دادن
رخم را بوسه ده اکنون همانیم

نفرین به باد

سر سبز و سایه گستر و مغرو رو استوار
انگشت بر گها همه در گیسوان ماه
در آفتاب شسته ،تن ترم شاخسار
. . . . . .
. . . . . .
. . . . . .

* * *

نفرین به باد ، باد
زان سبز استوار ،
بی برگ و بار شاخه خشکی بجا نهاد

* * *

ای مرغ بی بهار ! که‌روزی دل‌مرا
کردی پناهگاه شب ساز گارخویشش
اینك ز چشم پاك تو هم او فتاده‌ام
تا جسته یی زشاخه دیگر بهارخویشش

* * *

روزی نگفتی آخر :
زان مانده ، یاد باد
زان برگ وبار ریخته ورانده،یادباد
دور از منشس ، زمین و زمان ،برمراد ، باد
سر سبز و جاودانه و رنگین وشاد باد

* * *

نفرین به باد ، باد
نفرین بر آنکه رسم ستم رانهاد،باد
نفرین بر آنکه خاطره بر باد ،داد ، باد

محمد زهری

شبیخون

سیلی شوو ... رخ جانب هامون کـن
بررغم خرد چندی ، کار دل مجنون کـن
صد حیف که د انایی ، فیضی نبرداز عشق
یك جر عه ازین سا غر ، در کام فلا طون کن
شور دگر ی سرد ه ، لیلا ی دگر بگز ین
سودا ی غم مجنو ن ، از حا فظه بیرو ن کن
معجو ن و فازین پس ، منظو ربتان نبود
افسانه یی دیگر گو، طرز د گـرافسون کن
کن تاز ه ز سر عهد ی ، باسا قی شور انگیز
بر کار گه دانش ، تر کانـــه شبیخون کن
بی پیر مغان کس را، معنی نشودرو شن
بر چهر ه خود رنگی ، زین باد ۀ گلگو ن کن
صد قی سخن تاز ه ، زان کا ن ملا حت گو ی
شور لب ساقی را، سر لو حـه مضمو ن کن

عثمان صد قی

●

حیات جاودان

میارا بزم بر ساحل که آنجا
نوای زند گانی نر م خیز است
بدر یا غلت و با موجش در آو یز
حیات جاو دا ن اندر ستیز است

اقبال

پته مینه

سبا وون را غی .شپه پهو تلو
سپیدی سپیدی دی په چاودیدلو
تیاری تیاری شوی په تبنتیدلو
وخت را نیږ دی شو دلمر ختلو
وخت دخو بو ږدو دویښید لو

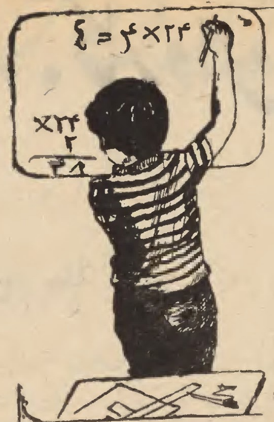
غږ دی اوځوږ دی شور دبلبلو
غو ټی غو ټی دی په خند یدلو
دی غوږ ید لی غو نچی د گلـو
وږمه وږ مه ده پـــه نخید لو
ښه ننداره ده دبڼ د گلـو

زه اوجا نان یو یود بل غیږ کی
راغی وخت راغی دبیلید لو
ورو ستی شیبه ده دښکلو لو
گرانه لحظه ده دیار دتللو
لو غږن زړه شو په غور ځید لو

بیلتون چی راغی هرڅه یی وران کړه
شپې می لاړه په بیړه بیړه
ویره یی داوه چی رسوا نه شی
دمینی را زیی خو نـــد ی کولو
وه اپته مینه دپټو لـو

سنگر

دچنگاښ ۲٤
۱۳٥٦ کال
کندهار





اطفال امروز

پیوسته بگذشته

ترجمهٔ عبدالغیاث نو بهار

اطفال قبل از ر فتن به مکتب چگو نه پر ور ش یابند؟!

دو ستا ن آن خا نواده دراینمورد بحث میکرد ند و لی فایده ئی ندا شت . یکی از آنها میگفت((پسر رااجازه ند هید که آنقدر پافرا تر گذا رد . هر چیز و هر کار ازخود حدی دارد)) دیگری در جوا ب میگفت)) چرا !

حد چیست ؟ تو که میدا نی این یك پسر نخبه و بی همتا ا ست!))

تما م امور خا نه و اعضا ی خانواده مقید بد ستورات مر بو طهٔ این پسر گشتند . گا هی شنیده میشد ((خا مو ش با شید که سر وژا در حا ل تمر ین ا ست ((خا موش ! که سرو ژا در حا ل خوا ب ا ست .))

شاید درچنین شرایط استعداد او نیك ا نکشا ف کند و لی ا ین کا فی نیست او بحیث یك عضو صا لح آیندهٔ جا معه بحسا ب رود بلکه چنین شیو هٔ تر بیت ممکن است اور ا بحیث یك و یکتو رثانی در جا مه تقد یم کند . در اینجا بیجا نخوا هد بود که ازو یکتو ر کیتو ف قصه کنیم :

در خا نواده ء کیتو ف همه شرا یط مسا عی برا ی تر بیت‌طفل و تقد یم آن بحیث یك عنصر مفید بجا معه مهیا بود . پد رومادر ان خا نواده دو شر یك زند گی موافق ، با هو ش و فعا ل بو د ند آنها یك طفل سا لم و با استعداد دا شتند که ارزو دا شتند آنرا بحیث یك فرد صا لح بیمنا ل‌بجامه تقد یم کنند و تما م عمر به اوافتخار و مبا ها ت کنند . از آنرو تما م زند گی را اختصا ص دادند بجهت این ارزو یشا ن که پسر شا نرا بحیث یکمرد فر زا نه و بیمثال جامعه ببا ر آرند . پسر شا ند رك کردکه درخانواده پدر و ما در ش او حکم یك ستا ره را دارد که پدر و ماد رش ما نند ا قما ر بدور او میچر خند . با لا خره نتیجه چنا ن شد که او بحیث ریا ضیدا ن حقیقتا ممتاز و بر جسته شهر ت یا فت اما تا آخر عمر نتوا نست نه نقش یکفرد وا قعی جا معه ا ش را بازی کند و نه فرز ند ی صا لحی بجا معه تقد یم کند .

در اینجا صحنه ئی راتوضیح میکنیم که مکا رینکو در کتا بش تحت عنوا ن ((رهنما ی پدر ا ن و مادرا ن))

نو شته ا ست . پدر خا نواد ه شد یدا مر یض است و ماد راسیر غم و غصه شد ه است . دا کتر همین ا کنو ن ازمع ا ینه فا ر غ شد ه و نظر یه مید هد که مر یض با ید‌طور عا جل تحت عملیا ت‌قرار گیرد در حا لیکه پسر در برا بر چنین و ضع و حا لت پد ربیتفاوت دیده میشود نو یسند ه چنین نقل میکند :

((ویکتور از اطا قش بیرو نشده طرف دروازهٔ جلو ی روا ن میشود ما درش از اشپز خا نه بیرو نشده بطرف او رفت و با آواز خسته و لر زا ن به اوگفت:((ویکتورعزیز از دواساز معلو ما ت بگیر که دوا تیار شده است ... پو‌ٔش داده شده است .. با ید دوا تطبیق شود ....))

((سر پدر روی با لشت پهلو خورد ه طر ف پسر نگر یست و تبسم کرد . وا قعا ر قتبا ر بود پد ریکه از زخم معده سخت در رنج میتپید و روی بطر ف پسر رشید وبا استعداد خود گشتا نده مینگر یست .

ویکتور روی بطر ف مادرگشتانده باتبسم و بیتفاو تی جوا ب داد ((من این کار را اجرا کرد ه‌نمیتوانم من و عد هٔ ملا قا ت با یك دختر دا رم . کلید را با خودمیبرم.

((در سیما ی پسر چه تکبر استهزا آمیز در برا بر مر یضی پدر و در برا بر تمنا و خوا هش مادرمشاهده شد ا ما چو ن پدر و ماد ر بچنین حر کا ت پسر خود عاد ت گر فته بود ند نه آنها و نه پسر با استعداد شا ن بغیر عاد ی بود ن این بر خورد متو جه گرد ید ند در حالیکه این صحنه نزد حتی بیگا نگا ن ا قتضا ح آور بود .

ناتمام



رسامی بهترین ودلچسپتر ین مصروفیت اطفال است

پیوسته بگذشته •

پرورش جسمی و آبدیده کردن اطفال مکتبی

بدنیست خاطر نشان سازیم که انحنای مهره های ستون فقرات در آنعده از اطفالیکه ورزش نمی کنند به کثرت مشاهده می شودو همچنان اطفالیکه حس شنوایی و بصری آنها ضعیف است خمیدگی تخته پشت در آنها مشاهده میشود . اگرعدم‌توازن درقد و قامت در اطفال به مشاهده میرسد •یعنی تخته پشت آنها خمیده کج و یا بکلی هموار است ، باید نزد دکتور مراجعه شود ودر مورد از آنها مشوره بگیرند•

وقتی که طفل به خمیدگی تخته پشت مبتلا باشد بیلك های شانه‌اش بلند می شود، شانه هایش بالا می آید ،سینه اش عقب میرود‌شکم پیش برآمده می باشد •در حالیکه تخته پشت هموار باشد تمام انحناهای‌نورمال طبیعی‌ستون فقرات هموار بوده و وجود بطرف عقب خم‌شده شکم کش شده می باشد •

چنانچه قبلا از آن تذکر ی رفت که هرنوع اختلالاتی که‌در امور نشوونمای قامت طفل‌رونما می گردد ممکن است انحنایی در ستون فقرات وبدن طفل وارد کند • انحنا های زیادسبب می شود تا توسط همان قسمت بدن کار های که‌باید انجام گردد اجرا نشود ،حرکت ناقص‌و ناتمام انجام‌شده، قدنمو نمی‌نماید و بسیاری ازجهازات و سیستم‌های مختلف بدن انسان از آن لطمه می‌بیند •

کج شدن مهره های ستون فقرات مستلزم تداوی دوامدار است • آنعده از اطفالیکه به همواری تخته پشت مبتلا اند باید تمرینات ورزشی و سیستماتیك را بمقصد اعاده‌وضعیت طبیعی مهره های پشت خویش انجام بدهند• .این تمرینات عبارتند از : پیاده گردی ،دوش گرفتن بعضی از اشیای خورد توسط انگشتان پاوغیره •این تمرینات‌را میتوان شامل مجموعه تمرینات دیگر روز مره ساخت •

شاگردانیکه بصورت سیستماتیك به‌ورزش می پردازند وخارج از پروگرام های ورزشی مکتب (در مکاتب سپورت‌و غیره)ورزش می کنند رشد جسمی‌بصورت همه جانبه برایشان میسر می شود •

والدین باید به‌خاطر داشته باشند که قبل ازآنکه به طفل اجازه داده شود که‌به کدام نوع از سپورت ها اشتغال ورزد ودر تیم‌های مکتب و یا شعبات سپورت و کلپ ها شامل گردد باید با معلم سپورت مکتب و یا دکتور معالجش مشوره نماید که کدام نوع ورزش بیش از همه برای طفلش مفید بوده و چه‌نوع تمرینهایی رابایید در خانه انجام دهد •

اطفال نباید بیش از ۲–۳ مرتبه دریك‌هفته جهت سپورت کردن به مکاتب سپورت ویاکلپ های سپورتی بروند ،و هروقتی که انجامیروند درحدود ۱٫۵–الی ۲ ساعت‌به ورزش بپردازند• درکدام سن و سال طفل می تواند به انواع مختلف سپورت ها اشتغال ورزدودر مسابقات اشتراك کند • ؟ جواب این‌سوال را میتوان ازجدول ۳ دریافت نمود به سپورت آغاز کردن رامیتوان حتی در سالهای بعدتراز سالهای‌که در جدول ازآن تذکر رفته مبادرت ورزید• بهتر آنست که اطفال بامصروف شدن شان به‌یکی از آشکال سپورت از یك طرف به رشدجسمی وحفظ صحت و سلامت خود بپردازد واز جانب دیگر درس و تعلیم راهم پشت سر نگذار •

هراس والدین در مورد فشار زیادیکه در بالای اطفال شان که‌در کلپ های سپورتی شامل میشوند یا خود به مکاتب سپورت می روند وارد می گردد، بی موجب است چونکه‌در آنجا اطفال بطور سیستماتیك تحت مراقبت و مواظبت دکتوران‌موظف قرار داشته وکوچکترین تغییراتی که در رشد و نموی جسمی طفل وارد شود بصورت فوری تدابیر لازمه اتخاذ شده‌و فشار های وارده را مرفوع می گردانند• قبل‌از هرمسابقه ای‌دکتورهای‌متخصص اطفال رامعاینه می نمایند بر همه کس هویدا ست که بازی های اجتماعی و سپورت بهترین وسایل صحی وتربیوی برای اطفال بشمار میروند ولی‌والدین باید همیشه مراقب باشند که طفل شان در این بازی هااز افراط کار نگیرندو تاسرحد خستگی وذله‌گی نرسند • در ست نیست که طفل تمام روزرابه بازی فتبال یاهاکی بگذراند ویاخود همه روزه چندین ساعتی رادر میدان های سپورت (بدون ترینر) سپری کند برعکس حال شاید خستگی و ذله گی به سراغ طفل‌تان بیا ید و نتیجه بدی بدهد: اشتهایش خراب، لت‌و تنبل شده، بدبخوابد و همه چیز زندگی را از دست بدهد • ماندگی شاید در رشدونمو صحت و سلامت طفل اثر نادرستی بجاگذارد ازاین رو در اولین مرحله ظهور علایم خستگی باید به دکتور مراجعه شود وطفل را از انجام همچو ورزش ها ممانعت نمایید •

مادران و پدران فراموش نکنند که طفل مریض دیر تراز آنچه شامل مکتب می شود دروس ورزش رادر مکاتب و یا کلپ های سپورت دوباره از سر می گیرند• این میعاد توسط دکتور تعیین میشود و آنهم زمانیکه‌یك معاینه درست طبی بعمل آورد •

گروپ‌های اطفالیکه از نظر سن ایشان دروس ورزش و مسابقات انها اجازه داده میشود

نوع ورزش	سن اولی ایکه به ورزش اجازه داده میشود: گروپ‌های مقدماتی	گروپ‌های [illegible]	مسابقات
آکروباتیک	۸–۹	۱۰	۱۱
باسکتبال	۹	۱۰	۱۱–۱۲
کشتی کلاسیک وکشتی آزاد	۱۲–۱۳	۱۴	۱۵–۱۶
کشتی سامبو	۱۲–۱۳	۱۳	۱۵–۱۶
واترپولو	۱۰–۱۱	۱۲	۱۳–۱۴
والیبال	۹	۱۰	۱۱–۱۲
بایسکل سواری	۱۳–۱۴	۱۴–۱۵	۱۵–۱۶
ژیمناستیک ورزشی	۹–۱۰	۱۰–۱۱	۱۱–۱۲
ژیمناستیک هنری	۸	۹–۱۰	۱۰–۱۱
[illegible]	۱۳	۱۴	۱۵–۱۶
[illegible]	۱۱	۱۲	۱۳–۱۵
[illegible]	۵–۶	۷–۸	۱۱–۱۲
[illegible]	۱۰	۱۱	۱۱–۱۲
اتلتیک خفیف	۱۰	۱۰–۱۱	۱۱–۱۲
[illegible] (سنگ گرفتن)	۹	۱۰	۱۱–۱۲
[illegible]	۱۰–۱۱	۱۲	۱۳–۱۴
[illegible]	۱۲	۱۴	۱۵–۱۶
[illegible]	۶–۷	۷–۸	۹–۱۰
[illegible]	۹	۱۰	۱۱–۱۲
[illegible]	—	۱۲–۱۳	۱۳–۱۴
هندبال	۱۰	۱۱	۱۳–۱۴
تنیس	۸	۹	۱۱–۱۲
پینگ پانگ	۸	۹	۱۱–۱۲
[illegible]	—	۱۱	۱۱–۱۲
اتلتیک ثقیل	—	۱۵	[illegible]
[illegible]	۹	۱۰	۱۱–۱۲
[illegible]	۵–۶	۷	۹–۱۰
فوتبال	۱۱	۱۲	۱۳–۱۴
هاکی روی یخ	۱۱–۱۲	۱۲	۱۳–۱۴

اجرای منظم تمرینات ورزشی در هوای آزاد وصاف ،خاصتا برای شاگردانیکه درمکاتب اختصاصی تدریس می شوند و مخصوصا در جاییکه اکثر مضامین به زبانهای خارجی‌پیش برده می شوندویا مکاتبیکه بیشتر از دوروس‌آن تمایل به مضامین ریاضی و فزیك دارند و خستگی های دماغی در آن بیش از مکاتب دیگر است،ضروری‌ترمی‌باشدنظربه خصوصیات پروگرامهای درسی در اینگونه مکاتب شاگردان کمتر به فعالیت های پر تحرك می‌پردازند واین وضع خود سبب آن می شود که بالای صحت‌و سلامت اطفال اثر بدی از خود بجا گذارد•

پرورشی دستجمعی بدون قرار گرفتن همه روزه اطفال‌درهوای صاف و آزاد میسر نیست• شاگردان خورد سال -بیشتر از ۳–۳٫۵ و شاگردان کلان سال - بیشتر از ۲–۲٫۵ ساعت روزانه باید از هوای آزاد تنفس کنند• این زمان باید بمقصد گردش و هواخوری ،سپورت های دسته جمعی پر تحرك و تمرینات ورزشی بکار برده شده واز آن استفاده بعمل آید •

در زمان اجرای این عملیه که در فوق‌ازآن تذکر رفت طفل باید با نیکر ملبس باشد باآمدن روز های سرد هم نباید غسل‌های هوایی را قطع کرد•این کار را میتوان در زمان ژیمناستیك صبحگاهی انجام داد •

بمقصد آبدیده کردن ارگانیزم طفل در تابستان هم باید از شعاع آفتاب بحیث غسل آفتاب بصورت عمومی استفاده بعمل آید غسل های آفتابی بالای ارگانیزم انسان تاثیرات مختلفه‌ای رااز خودبه به جا میگذارد ودربرابر اکثر امراض ساری و مکروب‌ها تاثیر قابل ملاحظه ای از خود نشان داده وحالت عمومی صحت طفل را بهبود میبخشد• اما دراین‌زمینه باید از احتیاط بیشتر کار گرفته شود و به اطفال اجازه داده نشود که مانند اشخاص بزرگسالان شعاع آفتاب را مورد استفاده قرار دهد• در زیر شعاع آفتاب باید به یك پیمانه معیین ،نظربه سن‌وسال آنها و شرایط صحی شان، قرار گیرند •

قبل از آنکه طفل را به‌این نحوه آبدیده کردن عادت دهید باید به غسل آفتابی عادت کرده باشد و مراحل ابتدایی آنرا گذشتانده پس ازآن زیر شعاع مستقیم آفتاب واقع‌شوند خاصتا به اطفالیکه در قسمت های گرمسیر زندگی دارند به این امر توجه بیشتری مبذول گردد •

مدت دوام غسل آفتابی نباید از ۳۰–۴۰ دقیقه (در اثنائیکه درجه حرارت در سایه‌بیش از ۱۸ درجه وباد هم‌نور زد) تجاوز کند• هرگاه غسل آفتابی را آغاز می کند باید در حدود ٤–٥ دقیقه روزانه صورت گیرد

بقیه‌در صفحهٔ ٥۷

از نشانه‌های رنگارنگ بدن

وقتی چشم‌ها حرف میزنند

تشخیص بیما ری بیشتر بـــه تخنیك های نیاز دارندکه بـــرا ی مر یض‌نا گوار و حتی خطر نا ك می باشد. پژو هش های مختلف نا حیه مهره چشم واستخراج عصـــاره آن ذریعه آلات او پتیکی با عث ایجـــاد نارا حتی جسمی میگردد .

همچنان دستر سی به ششں هـــا به منظور بدست آو ردن قطعـــا ت انساج آن‌درد ناك است . پس‌معا ینه جسم انسان بدو ن مزا حمت وصدمه خیلی‌جالب‌خوا هد بود .

چشم ها آیینه رو حوجسم‌اند:

در ین اوا خر در بسا کشور هـــا محققین‌به کشف شیوه های جد یدی بنام طرق‌غیر عنعنوی‌تشخیص‌امراض موفق گردیده اند . در ین کـــار در اتحاد شوروی پروفیسرتیود ور رو ماشوف‌آمر دیپار تمنت‌طبی‌و رئیس کرسی جرا حی ویو گینی ولخو وز آمر شعبه طبی پو هنتون دو ستـــی لوممبادر ما سکو پیشس‌آهنگ گردیده اند اینها تشخیص امراض را ذریعه گوش، زبان ، چشم و کف های‌دست وپا تجربه‌کرد ه‌وآنرا تعمیم بخشیـــده اند.

سا ینسں دا نان مـــذکورمطالعات پراگنده شا نرا در ین‌ساحات‌منسجم نموده‌ودر باره تشخیص وهم تدا وی امراض‌یك تیو ری جد یدی‌را بمیدا ن آورده‌اند . داکتر و لخوور با ین ار- تباط گفته است :

«با ین اصطلاحیکه‌میگو یند چشم آیینه رو حاست با ید بیفزا ئیم کـــه چشم آیینه جسم هم‌است ».

درعنبیه رنگه چشم بسا علا یمی مضمرا ندکه درباره آنها اطبا ی قرن نزده چنین اظهار نموده اند :

«رنگ رو شن وصا ف عنبیه علامه صحتمندی کا مل بوده در حا لیکـــه عنبیه های خیره ولکه دار نتیجه نا- خوشی اعضای دا خلی بد ن است.»

فر ضیه رو ما شو فوولخو وردر باره اصلیت این لکه هااز اینقـــرار است: عنبیه دارای حجرات ر نگـــها میباشد که بنام کرو ما تو فور س نیز یاد میشود و عبارت از عامـــل رنگ‌د هنده ایست که در عقب رنگ چشم انسان قرار دارد کروماتو فو- رس‌بر علاوه اینکه بحیث فلترهـــای نور ایفا ی وظیفه مینما یند نقـــاط فعال خاص بیو لو ژیکی می باشند . که‌ازطر یق مرا کز مختلف دما غ‌بـه اعضای دا خلی‌بدن وصل گردیـــده اند در عنبیه هر عضو از نا حیـــه مخصو ص‌خودها نما یند گی مـــی کنند مثلا سر ، روی ودما غ‌درقسمت فوقانی عنبیه وششں ها در حصـــه عقبی آن دارای منعکس کننده هـــای مخصو ص شان می باشند . وبـــه همین تر تیب .... تحو لا تی را که در وضـــع عضلات پد ید می آینـــد عضلات آنرا در اثر پیدا یشں رده‌ها لکه هاوسا یر تحو لاتیکه شفا فیت رنگ عنبیه را آسیب میرسا ند بـــه ناحیه های مخصو ص شا ن‌را پورمی دهدوقتی بیما ری حمله میکند عضله متاثر منظره کشمکشں را بو جود می‌آوزد . جسم نیروی دفا عی اش‌را بحر کت می آورد ونا حیه مورداصا- بت مر ض ضربا تی‌راانتشار میدهد که کرو ما تو فور س همان نا حیه را بمبارد می‌نماید.اینهابه‌نو به‌خو یشـــں میهـــج میگرد ندورنگ عنبیه رامتاثر میسازد. که‌در نتیجه‌خال های‌مایل‌به سفیدی‌بو جود می آیند.پسں خیلی قبل از اینکه‌بیما ری بشکل کا مل ظهور کند این محلات مصاب به‌مرض به‌رو شن شدن‌آغازمی کنند که در تشخیص قبلی بیما ری اهمیت بـــه سزایی دارد هرگاه یماری شکـــل مزمن را بخود بگیرد این تصو یـــر تغییر میکند کرو ما تو فور س بـــه وظیفه اشں خا تمه مید هد ورنگشان تیره میگردد . متخصصین میتوانندار مشا هده این لکه های تیره که در یکی از نا حیه های عنبیه‌واقـــع اند بااعتماد کا مل‌به تغییرات‌پاتو لوژ ی که‌عضوداخلی‌بدن‌رامتا ثرسا خته پـی میبر ند.



در موسسه جنیاکو لوژی لنین گرادبه مادر آینده مشوره داده میشود

طبعا اینجا سوا لی پیدامیشودکه آیادر تشخیص مر ض کدام اشتبا- هی‌رخ نمیدهد؟

داکتر رو ما شو ف به این‌پر - سش چنین پاسخ میدهد : تا حـــال این مو ضو ع طور یکه لازم اســـت انکشا ف ننموده واعضای دا خل‌بدن بسا تغییرات پتالو ژیکی بویـــژه بعضی تومورها مستقیما ذریعه عنبیه افشا نمی گردند ونه کدام پروسه - یی‌را که بادرد توام نباشد انعکا س مید هد هر گاه مر ض خاموشانـــه پیشرفت نما ید موردیستکه درمثانه ویاگرده ها سنگ تشکیل شده مـــی باشد ولی اگر سنگ‌ریشه پیدا کند غشای مخا طی را تخر یشں نموده به ناحیه مر بو طشں یك سگنـــال نکبت‌باری‌را می فر ستد که عبا رت از ایجاد لکه سفید وخفیف در خارج عملیه ودر صورت پیشر فت مرض لکه تیره رنگ به نظر میر سد . با گـــذشت زمان وقتی مواد بیشتری جمـــع آوری گردند خواهیم توا نست سا حه تشخیص امراض راگسترده‌تر ساز یم .

تشخیص مرض در یک کف دست:

تقریبا هر عضو داخلی بدن در بعضی قسمتهای بین گوش زبان و بروی جلد ما حولش از خود نمایندە دارند اطلاعاتیکه از ین نقاط مخابره میگردند طبعا خواندن ویا تعبیر نمودن آن یك امر دشوار است. بسا چیزهایی اند که توسط کف دست انسان فهمیده میشبوند بایك نگاه دقیق در آن میتوان درباره وضع شرائین و جهاز عصبی مریض قضاوت درست نمود.

مسلم است که نوع جلد انگشتان هرشخص از هم متفاوت ومخصوص خودش میباشد. در ماه سوم نموی طفل در کف دست و پا خطوطی بروز میکنند که گذشت زمان در آن تغیری وارد ننموده و حتی ارثی شده میتواند. این خصوصیت بارزیکی از چند ین نمونه های اشکال متعدد ارتباطی ایست که در جهان جاندا ران بملاحظه رسیده. درینجا کودکی را مثال می‌آریم که کف دستش رایك خط مستقیم جامد تقاطع کرده ودر انگشت کوچکش فقط یك انحنا دیده میشود این نمونه ممثل یك مرض شدید قلبی ارثی می باشد. متخصصین میتوانند باینگونه تشخیص غیر عنعنوی امراض فقط وقتی موفق گردند که دارای تحصیل عالی بوده ودرانا تومی دماغ اعضای داخلی بدن و قلب و فیزیولوژی، ارتباط بین عضلات معلومات کافی داشته باشند مگر وقت آن دور نیست که پولیکلنیك ها شعباتی راافتتاح نمایند که در آن داکتر بتواند ازنگاه کردن به زبان، چشم وکف دست مریض فورا بیماری اش را تشخیص دهد.

در عین زمان متخصصین کشور های مختلفه در نخستین کانگرس بین‌المللی درباره تشخیص غیر عنعنوی امراض در ۱۹۸۰ در چکوسلوا کیا تشکیل جلسه خواهند داد و در آن کشفیات و تصامیم شانرا مطرح خواهد ساخت.

اقلیم مریخ درشرایط لابراتواری

در اثر تجاربی که در بعضی ممالك پیش برده شده علما موفق شدند تا در شرایط لابراتواری بطور مصنوعی اقلیم مریخ ومناظر آنرا ایجاد کنند. طوفان مصنوعی «صحرای پوشیده» رابه گردوغبار سرخ «نصواری رنگ مبدل میکند واز فضای آن تشعشعات ماورای بنفش نفوذمینماید. اتموسفیر دستگاه لابراتواری عینا مانند ارتفاع سی کیلو متری رقیق ایجاد میگردد و فضای آن روزانه تامثبت بیست درجه سانتیگرید داغ وشبانه سرمای قطب حکمفرما میشود.

در نتیجه آزمایشات بیولوژیکی که غرض تثبیت شرایط زندگی حیوانات ونباتات در مریخ پیش برده شد ارگانیزم های حیه هر کدام از خود خصوصیات علیحده نشان می دادند. موشهای صحرایی وپرنده ها بعد از چند ثانیه زندگی شانرا از دست دادند. سنگ پشت درحدود شش و نیم ساعت زنده ماند عنکبوت بطور مثال شرایط غیر عادی را یك هفته تحمل کرد. نباتاتی مانند جو، جودر، باقلی حتی در مزرعه مریخ رشد ونمو کردند اما قامت چندانی نداشتند. اکثر نباتات قابلیت تکثر را از خود نشان ندادند اما سمارق، الجهها، گیاه های آبی به بسیار زودی با محیط توافق حاصل کردند. مکروب ها در فضای مریخ بطور قناعت بخشی نموو تکثر میکردند.

اجسامی کشف شد که درسرمای قطب به زندگی وفعالیت شان میپردازند. طبق مطالعاتی که صورت گرفته درطبقه ضخیم یخ در فاصله دوصد وپنجاه کیلو متری قطب جنوب تا هنوز گیاه های آبی والجی ها موجودیت شانرا حفظ کرده اند. بیولوجست ها درین محل به کشف بیست و پنج نوع باکتریا، بیست نوع حیه یك حجره یی وپنج نوع سمارق نایل شدند. حتی بعضی از حشرات در کوه های قطب تحت حرارت منفی هفتاد درجه سانتی گرید زندگی کرده وکرمهای قطبی در سرمای شدید قطب، زمستان ها راپشت سر میگذارند وبرودت را بدون اینکه با مشکلی مواجه شوند به بسیار سهولت تحمل میکنند. در مقابل سرمای شدید تا حرارت نایتروجن مایع وحتی هیلیوم مایع استوا ری شانرا حفظ میکنند. عین صفات را در مورد تخمهای بعضی از نباتات نیز میتوان تذکر داد.

همه اینها شاهد آنست که اجسام حیه متعدد در اقلیم مریخ به بسیار آسانی توافق حاصل کرده میتوانند.

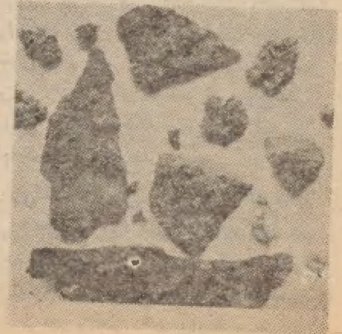
حقایقی که بدست آمد و تجاربی که درین مورد صورت گرفت فقط وفقط غرض ایجاد شرایط زندگی در فضای مریخ پیش برده شده بود اما معمولا مسله مغلق را پرابلم زندگی فعال درشرایط این سیاره تشکیل می دهد، زیرا غرض اجرای این مقصد لازم است تا بین اجسام حیه وفضای ماحول تعویض صورت گیرد و یکتعداد پروسه های مغلق بیولوژیکی وفزیولوژیکی درداخل ارگانیزم جریان پیدا کند. برای اینکه این همه ممکن شوند لازم است تا فضای ماحول ارگانیزم های حیه را اقلا بارطوبت تامین کنند در شرایط مریخ میکرو ارگانیزم ها باید قابلیت آنرا داشته باشند تا تحت حرارت های بسیار بلند قابلیت رشد شانرا حفظ کنند ویا ازارگانیزم‌های استفاده نمایند که بکمك آنها قادر شوند آب را درحوالی شان حفظ کرده ویا تغذیه شان رابدون آب تامین کنند به این ترتیب آلات ولوازم عصری کیهانی که فعلا در دسترس بشریت قرار دارد همه ساله اطلاعات جدیدی را در مورد سیارات نظام شمسی، مریخ، مشتری، عطارد، زهره، وزحل گزارش میدهند. اگر زندگی خارج از زمین بشکل دقیق آن موردمطالعه قرار گیرد ممکن است جهان بینی مادر قسمت پروسه های زندگی بشکل مشخص آن تا اندازه زیاد تغییر نماید که از ین به بعد بیولوژی منحیث علم طبیعی شناخته خواهد شدوزندگی در زمین وقانونمندی های آن حالات خصوصی را خواهند گرفت. با النتیجه مسله نبودن شرایط زندگی در سیاره های دیگر نظام شمسی اهمیت علمی بسزایی راکسب میکرد ویکبار دیگر رول شرایط زمین را در پروسه های اجسام حیه تایید میکرد. اینجا بودکه تفحص راه های جدید غرض ایجاد توافق ارگانیزم های زمینی درشرایط سیارات دیگر منحیث هدف عمده بشمار میرفت.

اگر فرض شود که درمریخ زندگی وجود دارد مسله زندگی درحدود نظام شمسی وفضای کیهانی از جواب منطقی و درست بر خوردار میشود.

حال واضح شده اگر زندگی درسیاره مریخ وجود داشته باشد تصور بشریت در مورد زندگی انسانها درسیاره بشکل قابل ملاحظه تغیر میکند.



درین منطقه یخچالی مقاومت گیاه‌های آبی مورد آزمایش قرار می گیرد



این الجی ها در ارتفاع (۵۰۰۰) متری پامیر زندگی دارند.

ترجمه : (حجار)

یکی ازبهترین داستان های سامرست موام

مردیکه ازاوبدم میامد !

قبل از آنکه «ماکس‌کیلادا» را بشناسم ویا به ببینم ، می دانستم از اوبدم می آید . جنگ تازه‌به‌پایان رسیده ومسافر ت باکشتی هـای مسافر بردار خیلی مشکل وطا قت فرسابود. انسان فکر ی را که‌بتواند به راحتی سفر نماید ، با یدبدور می انداخت وهر اطا ق وکا بینی را که مامورین کشتی برای شخص‌تعین می‌کردند ، می بایست آنرا قبو ل کرد وزیاد حر ف نزد ، ور نه‌امکان داشت آن رانیز از دست بد هد ، امید ی کـه بشود بـرای خود یك کابیـن یکنفر ی بدست آورد هم بیجا بوده و من خدا را شکـر کردم که اقلا یك اطاق دو نفر ی بگیر آوردم . اما هنگامیکه‌نام‌مسافر هم اطاقم را خواندند ، آخرین امیدی که هم داشتم تا یك سفر برا حتی بگذرانم ،از بین رفت .

وقتی که وارد عر شهٔ کشتی‌شدم وبه کابین خود آمد م ، دیدم(کیلادا) قبل ازمن بکس های خود راآورده و سامان ریشی تراشی و روشویی خودرا هم مرتب کرده است . فکر اینکه باید چهارده روز را با ایـن مرد بیگانه و نام نامانوس در یـك اطاق تنگ و پر ازدودسیگاروپنجره های بسته بگذرانم ، زیادتر مـرا معذب می کرد. من از(سانفرانسکو) به (یوکوهاما) مسافر ت می نمود م ودو هفته وقت زیادی بود. آنو قت از اطاق خار ج شده داخل سا لون سیگار کشی شدم وبرا ی گذراندن وقت تا صرف غذا یك کارت بازی خواسته ومیخواستم خودرا با ور ق بازی مشغول سازم .ولی هنوز چیدن ورق‌هاتمام نشده بود که مرد ی به جانب من آمده وباتبسم فرا خی‌خود رامعرفی نمود :

– من اسمم ((کیلادا)) است .ما باهم همسفر هستیم ویك اطـا ق داریم . آیا این را می دانستید ؟

آنوقت بدون آنکه اورا تعار ف نمایم ،یك چوکی گرفته و روبرویم نشست . من سرخودرا بلند نموده اورا نگاه کردم وگفتم :

– آری ،گمان می‌کنم ما هر دودر یك اطاق جاگزین شده‌ایم .

– آری ، من خیلی خوشبختم از اینکه باشما یکجا هستم . زیراانسان در چنین اوقا ت هیچ نمیداند ، با چگونه اشخاصی سرو کار پیـدا کرده ومجبور به مسا فر ت میشود من هنگا می که شنیدم شما انگلیس هستید خیلی خوش شدم . عقیده من این است‌که‌ما انگلیسی ها تـا وقتیکه درسفر می باشیم ،باید باهم یکجا باشیم . آیا شما هم همینطور فکر نمی کنید ؟

من تبسمی نموده گفتم :

– شما انگلیس هستید ؟

– البته ، انشا اله شمافکر نخواهید کرد که من به امریکا یی هـا شباهت دارم ... خیر، خیر ، مـن انگلیس هستم ، یك انگلیس‌اصل وخالص .

بعـد از ادا ی ا یـن کلمـا ت (کیلا دا) پاسپورت خـود را از جیبش برون آورده و مقابـــل چشمان من گرفت .

دولت انگلیس هم مردان عجیب وغریبی دارد. کیلا دا مرد ی بـود کوچك اندام ودرشت ، با رخسار تراشیده وسیاه رنگ ،بینی عقا ب مانند و چشما ن خیلی بزرگـ و متحرك و مو های نرم سیاه و درا ز او در ادای سخنان خود به اندازه ای‌مبالغه می‌کرد که نمی‌شدالفاظش را انگلیسی خالص دانست و مـن مطمئن بودم ، اگر پاسپور ت او را بدقت باز داشت می کردند ،ثابت می‌شد که او نه در انگلستا ن،بلکه دریکی از ممالك جنوبی بد نیا آمده است.

اگر چه من خوش ندار م کـه شخص بیگانه ای بدو ن اینکـه در اول اسم من کلمهٔ (مستر) را اضافه کند، مرابا آن خطاب نماید . امـا (کیلادا) کو چکترین اهمیتی‌هم‌به‌این موضوع نمیداد وبی هم از استعمال آن خود داری می کرد . به‌این‌صورت آخرین سمپاتی من نیز برای او از بین رفت .

هنگا می که او در مقابل مـن نشست ،من کارت بازی را کنـار گذاشتم ، اما اکنون فکر کرد م که دیگر کافی با او صحبت کرده ام و دوباره شروع به چیدن ور ق هـا نمودم . ((کیلادا)) بدو ن چون وچرا گفت :

– سه تایی را با لای چهار تا یی بگذارید !

هیچ چیزی اوقا ت انسان را در اثنای بازی ور ق چنان تلخ نمـی سازد ، مثل اینکه شخص دیگر ی قبل از آنکه خود انسا ن در آن‌باره فکری کرده باشد ، به آدم بگو ید اینطور کن ویاآنطور .

– بلی ،بلی ، بسیار خوب ،بسیار خو ب ... ده تائـی را بـا لا ی غلام بگذارید . با قهر و نفر ت در قلب خود نسبت به این مرد ، ازورق‌بازی دست‌کشیدم‌و آنها را به کنارگذاشتم اما او ورق ها را گرفته گفت :

– از چال بازی ، باقطعه خوشتان می‌آید !

من جوابدادم:

چرا ازآن خیلی بدم می آید .

– خوب اهمیتی ندارد . من فقط یك چانس برایتان نشان میدهـم اما عوض یك چال ،سه چا ل نشان داد. برای اینکه از دست او رها یی یابم ،گفتم:

– من به سالون غذا میرو مَ، تا جایی مناسبی بدست بیاور م .

اما او اظهار کرد :

لازم نیست دراین باره فکر کنید من برای تان یك جای خوب گرفته‌ام زیرا فکر کردم چون کا بین خوا ب ماباهم یکی‌است، پسس در سر میز غذاهم میتوانیم باهم یکجا بنشینیم.

اوه ... خداوندا ، آیا کافی نبود که کابین کشتی راباهم تقسیم کنیم اکنون باید در وقت غذا هم پهلو ی اوقرار گیرم ؟ من دیگر هیچ گردشی هم دربالای کشتی نمیتوا نستم بکنم تااو خودرا شریك نکند . با الفا ظ درشت هم امکان نداشت او را از خود برانم ، زیرا هیچوقت فکری‌در این باره نمی‌کرد که من خوا هـا ن صحبت وهمرا هی او نیستم و در هرجایی که‌میرفتم بامن بود . گما ن می‌کنم او تنها مردی بود که تمـا م مسافرین کشتی از او متنفر بودند، زیرا در هر صحبت ومذاکره ای که به‌او مربوط نبود خودرا شریك می کرد وکوشش می نمود ، خـودرا استاد موضو ع معرفی نماید .

مابه اونام ((همه چیز دان)) داده بودیم واین لقب مسخره آمیز راحتی در رویش نیز می گفتیم ، اما اواین عنوان رابه صور ت یك تعریف و افتخار می پنداشت . مخصو صـا در هنگام صرف غذا مارا خیلی‌اذیت می‌کرد. وقت غذا مادر میز یك دو- کتوای که با اوآشنا شده بودیم می نشستیم . ((کیلادا)) شاید او قا ت مارازیاد تر تلخ می نمود ، اگر یك مرد دیگری موسوم به ((رامسای)) درمیز مـا نبـود ، زیرا دوکتور مرا جدی وکمر و بودومن هم به‌سخنانش وقعی نمیگذاشتم . اما (رامسا ی) که(درگفتگو وپرحرفی ازاوکمترنبود بااو صحبت می‌کرد واین همه خـود خواهی وهمه چیز دانی ولاف زنی‌او رابرخشس می کشید .

((رامسای)) در قونسلگـــر ی امریکا در (کوبه) کار می کرد . او مردبزرگ اندام و فربه بود وهنگام مرخصی خود به نیویار ك رفته بودتا زن خودرا که یك سال در نیویار ك بود باخود بیاورد واکنو ن با خانم خود بالای وظیفه اش بازمی گشت.

مادام ((رامسای)) زن کو چـك وظریف وزیبا ی بود. چون وظیفهٔ شوهرش در قونسلگری چندان پول خوب در نمی آورد ، خیلی سـاده لباس می‌پوشید . اما چون درانتخاب لباس های ساده خود ، سلیقه وذوق عالی داشت، این سادگی لبا سـ زیبایی اورا دو چندا ن می ساخت.

در یکی از شامگاها ن هنگام‌صرف غذا ، صحبت بالای مر وارید آمد در آن روزها در روز نامه هاوجرا ید، همواره صحبت از مرواریدهای‌تقلبی ومصنوعی بودکه جاپانی ها مـی ساختند ودوکتور گفت که‌انتشاراین مروارید ها ، ارزش مروارید ها ی اصلی رااز بین خوا هد برد ، زیرا این مروارید های مصنو عی‌خیلی‌عالی ساخته شده وبلکه صور ت تکا مل رابه‌خود گرفته اند .

((کیلادا)) چون عاد ت دا شت در هر سخن خودرا شریك کند واز هر موضوع که سخن به‌میان آید ، خود را استاد موضو ع نشا ن بد هد ، اکنون هم راجع به مروارید سخـــن

رانی راشرو ع کرد وتشریحا تی را
که راجع به شناسایی یك مر وارید
لازم است بما داد . بالاخره چـون
((رامسای)) همیشه بر خلاف‌سخنان
او راتایید می‌کرد ، (کیلادا)به‌هیجان
آمده وبه غضب دست خود را بالای
میز کوبید وگفت :

ـ آخر من باید بدانم که راجع به
چه موضوع صحبت می‌کنم . مـن
اکنون که بااین کشتی مسا فـرت
می‌کنم ، عازم جاپان هستم تانظر ی
به تجار ت مر وارید در آنجا بیندازم
من خودم تاجر مروارید هستمو هیچ
مروارید شناسی وجود نخوا هـد
داشت تاسخنانی راکه من را جـع
به مروارید برای شما گفتم‌تصدیق
نه‌نماید وهم هیچ شخصی وجـود
نخواهد داشت که یك مر واریـد
مصنوعی بسازد ومن که مسلـك و
وظیفه ام مروارید شناسی است ،
نظری به‌آن بیندازم وفورا ندا نم که
آن مروارید مصنوعی و تقلبی است.

(کیلادا)) بعد از ادای این‌جملا ت
اشاره ای جانب گردن بند مروارید
خانم ((رامسای)) نمو د ه ا ضافه
کرد :

ـ خانم ((رامسای)) من برای تان
اطمینان مید هم که گردن‌بندمروارید
شما هیچوقت یك (سنت) هـم از
ارزش اصلی وکنونی خود نخوا هد
باخت.

مادام ((رامسای)) از شنید ن‌این
کلمات اندکی قرمز شده وگردن‌بند
خودرا زیر یخن پیرا هنش فروبرد.
اما ((رامسای) نگاهی جانب‌ماافگنده
تبسم مسخره آمیزی بر لبا نشـ
نقش بست ودر حالیکه دید گانش
برق می‌زد ، گفت :

ـ گردن بند خانم من حقیقتا که
خیلی قشنگ است، آیا همینطـور
نیست ؟

(کیلادا) فورا جوابداد :

ـ البته ، من درنگاه اول با خود
گفتم ، این مروارید ها اصل‌وخیلی
قشنگ و گران بها هستند .

ـ من خودم این مر وارید ها را
نخریده‌ام ، اما خیلی میل دار م‌بدانم
که به عقیده شما قیمت این گرد ن
بند چند است ؟

ـ قیمت این گردن بند در بازار
تقریبا پانزده هزار دولار است .
اما اگر آن را ازجواهر فـر وشی
های (اوینوی پنجم) نیویار ك‌خریده
باشید ، جای تعجب نیست که دو
چند آن یعنی سی هزار دولار برا ی
آن پرداخته باشید .

(رامسای) که هنوز تبسم مسخره
آمیز خودرا بر لب داشت ، اظهـار
کرد :

ـ آقای (کیلادا) تعجب نکنید اگر
من به شما می گویم که این گرد ن
بند مروارید را خانم یك روز قبل
از مسافرت ما از نیویارك از یـك
فروشگاه به قیمت هجده‌دولارخریده
است.

((کیلادا)) اندکی قرمزشده‌گفت:

ـ خیر، اینطور نیست ! ایـن
مروارید ها نه تنها مصنوعی وتقلبی
نیستند ،بلکه بهترین گرد ن بند ی
است که من تاکنون ازنوع ایـن
مروارید هادیده ام .

ـآیا شرط می بندید ؟ مـن با
شما صد دولارشرط می بند م که‌این
مروارید ها تقلبی و بد ل‌هستند .

ـ من صد دولار شر ط بند ی تان
راقبول دارم .

در این وقت مادام (رامسا ی) با
تبسم ضعیفی روبه شوهر خـود
نموده وبالهجه ملتمسانه ای گفت :

ـ آخ عزیزم ، در حالیکه خود ت
میدانی ومطمئن هستی که گرد ن‌بند
بدل وتقلبی ا ست، نمیتوا نی شرط
بندی کنی .

ـ چرا نه ... ! این فر صت منا-
سبی است که آقای ((کیلادا))بدست
من میدهد تاصد دولار ببرم ، مـن
چرا از آن استفاده نکنم . البـته‌از
دست دادن این پول مفت کاراحمقانه
ای است .

مادام ((رامسای)) بعد از وقفه ای
ادامه داد :

ـ اما چطور می توانید اثبات‌کنید
که مر وارید هابد ل ویا اصل اند،
درحالیکه من می گویم تقلبی است و
آقای (کیلادا) بر عکس آنرا ادعامی
نمایند .

(کیلادا) اظهار کرد :

ـبگذارید من گرد ن بند را بـه
بینم ، اگر حقیقتا مصنو عی با شد ،
بدون چون وچرا حقیقت را برا یتان
می‌گویم . باختن صد دولار برا ی‌من
چندان اهمیتی ندارد.



((رامسای)) رو بزن خود نموده
گفت :

ـ عزیزم ، گردنبند ت را باز کن
وبرای مستر ((کیلادا)) بده وبگذار
آنقدر که دلشی می خوا هد ، آن را
به بیند ومعاینه کند .

مادام ((رامسای)) لحظه‌ای توقف
کرده وبعد دستان خود را به زنجیر
گردن بند برد وبعد از مکثی آنهارا
دوباره فرو آورده گفت :

ـ من نمیتوانم زنجیر آن را باز
کنم ، اما قرار ی که گفتم ،قول‌من
کافی است .

من دفعتا حس کردم که کد! م
واقعهٔ بد وغیر مترقبه ای به وقوع
خواهد پیوست .

اما نمیدانستم چه واقعه ای !
((رامسای)) از جا ی خود بـر
خاسته گفت :

ـ بگذار من آن راباز کنم .

آنوقت مروارید هارا از گرد ن
مرمرین زن زیبا ی خود گرفته ، به
دست ((کیلادا)) داد . (کیلادا) یك
ذره بین مخصوص جوا هر شنا سی
را از جیب خود بیرون آورده ومر-
وارید هارا بدقت ملا حظه کرد. بالا-
خره تبسم مظفرانه ای بر لـبان و
صورتش نقش بست . بعد گرد ن
بند را دوباره به ((رامسای)) داده و
در حالیکه میخواست سخن بزنـد
دفعتا نگاهشس به صور ت ما دا م
(رامسای) افتاد . صور ت این ز ن
باخته بود ومانند گچ سفید شده‌بود
که انتظار میرفت هر ثانیه بیهو ش
شود وبه زمین بیفتد .

(کیلادا)) سکو ت کرد وصورتش
را رنگ قرمزی فراگرفت . انسان
می‌توانسیت جدالی را که باو جدان
خود می نمود در وجنا تشس‌بخواند
بالاخره سکو ت را شکسته اظهار
کرد :

ـ من اشتباه کرد م . مر واریدها
بدل و مصنوعی اند . امابه‌اندازه‌ای
زیبا واستادانه تهیه شده‌اند ، که
من تا آنهارا بازره بین مخصو صـ
جواهر شناسی ندیدم ، گمان مـی
کردم اصل باشند و هجده دولاری
که برای‌آن‌پرداخته اید ،نهایت‌قیمتی
است که باید برای آن پرداخت .

((کیلادا)) بعد از ادای این‌جملات
کیف‌جیبی‌خودرابرآورده‌ویك‌بانكنوت

بقیه‌در صفحه۵۷




سپورت

راپور از: عبدالکریم «لطیف» :

مسابقات انتخاباتی خزانی والیبال و باسکتبال کابل با موفقیت کامل خاتمه یافت

* * *

دور اول :
مسابقا ت خزانی فتبا ل تیم‌های منتخبه کابل به سر انجا م خود رسید

مسابقا ت طبق قوانین و مقررات مطروحه ومطابق به برنامه تر تیب شده در جمنازیو م پوهنتون با علاقه مندی ورزشکاران وعلاقه‌گیری تعداد بیشتر ورزش دوستان آغاز شده و درمراحل مختلف تحت نظر هیا ت موظف پیشس برده شد .

در پایان دور اول مسا بقا ت والیبا ل از جملهٔ هشت تیم شرکت کننده، تیم های پو هنځی ها ی زراعت ، طب ،حقوق و انجنیر ی به دور دوم مسابقا ت پیشس آمدند همچنان در ختم دور او ل مسابقا ت با سکتبال تیم های پو هنځی های انجنیر ی ، علوم ، ادبیا ت وطب با کسب پیروز ی های بیشتر نسبت به دیگر تیم های شرکت کننده موفق شدند به دور دوم مسابقا ت قد م بگذارند .

جدول نتایج دور اول مسا بقا ت والیبال نشان میدهد که تیم پوهنځی زراعت در سه دیدار خود (بدو ن باخت ومساوی) باداشتن شش امتیاز به حیث تیم اول به‌دور دو م مسابقات پیش آمد . تیم پو هنځی حقوق در سه مسابقه ایکه انجا م داد باد وبرد ویك باخت به حیث تیم دوم، به دور سیمی فاینل مسابقا ت گام گذاشت .

از گرو پ ب چهار تیم شر کت کنندهٔ دور اول ، تیم پو هنځی طب

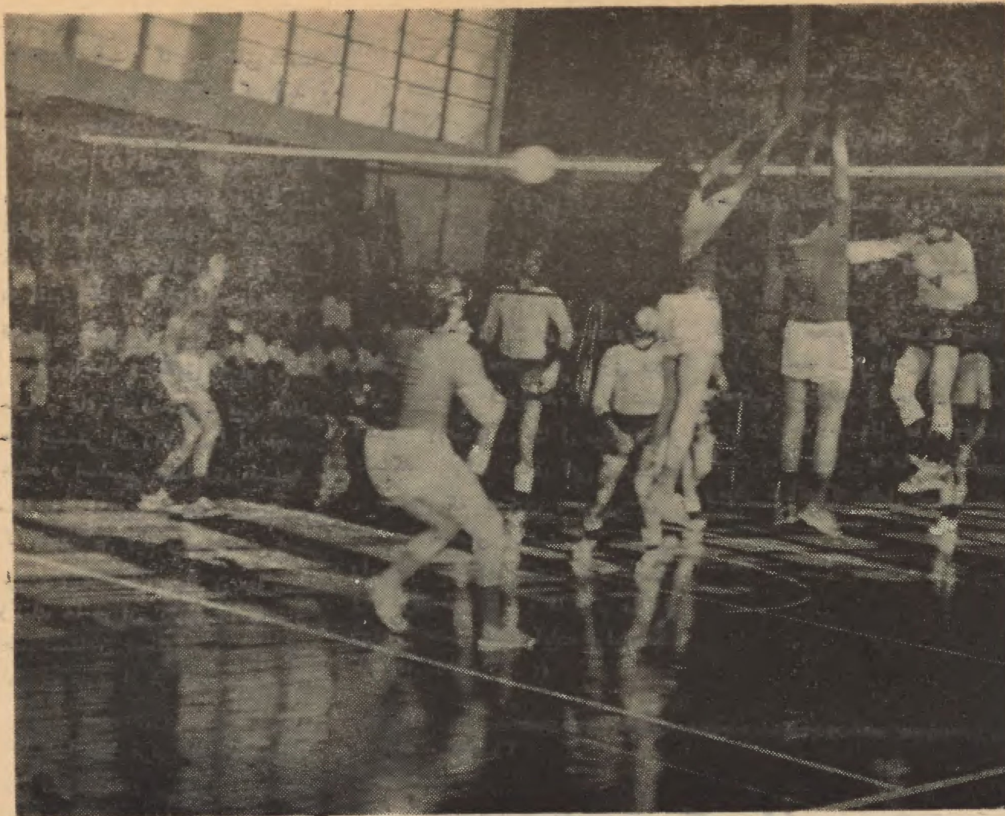


بازیکنان پرتلاش هیچگاه ازسرعت بازی شان برای کسب نتیجه دست نمیگیرند

در سه مسابقه برنده گردیده باداشتن ششس امتیاز به حیث تیم قهرمان مسابقات دور اول ، به دور دوم جا گرفت .

تیم پوهنځی انجنیری در دیدار های دور اول بادو برد ویك باخت و داشتن چهار امتیاز وارد مرحله سیمی فاینل مسابقات گردید .

در مسابقات باسکتبال که تیم های طب ـ حقوق ـ ادبیات وعلوم بشری ـ ساینس ـ زراعت و تیم ب طب اشتراك داشتند آنان در دو گروپ چهار تیمی دسته بندي گردیدند طوریکه در گروپ اول تیم های پوهنځی های انجنیری ،الف طب ـ ب طب وحقوق ،در گروپ دوم، تیم های ادبیات وعلوم بشری ساینس ـحقوق وزراعت بودند. که در پایان دیدار یهای دور اول از گروپ الف چهارتیم‌شرکت کنندهٔ تیم الف پوهنځی طب، با پیروزی شان درسه مسابقه ویك مساوی در صدر جدول قرار گرفته به دوردوم مسابقات‌قدم گذاشتند، تیم پوهنځی انجنیری با عین نتیجه گیری به‌دور دوم مسابقات پیشس آمد . ازگروپ دوم چهار تیم شرکت کننده ، تیم پوهنځی ساینس با پیروزی شان در چهار مسابقه وداشتن امتیاز قابل ملاحظه یی در صدر جدول جا گرفته به دور دوم مسابقات به‌حیث تیم مدعی کسب عنوان قهرمانی پیش آمد . تیم پوهنځی ادبیات و علوم بشری درین مسابقات با سه برد ویك مساوی توانست به‌دوردوم مسابقات جا بگیرد .



صحنه از مسابقات والیبال

مسابقات خزانی فتبال تیم های الف کابل پایان یافت .

ورزش دوستان ار جمند مااطلاع دارند که‌مسابقات آزاد فتبال خزانی باشرکت پانزده تیم الف موسسات وکلپها ی آزاد کابل چندی پیشس از طرف ریاست عالی ورزش وکمیته ملی المپیك در ستدیوم ورزشی‌ملی کابل دایر گردید .

درین مسابقات تیم های پوهنتون کابل ، قوای مسلح، اکادمی څارندوی ـدافغانستان بانك، پامیر مربوط وزارت ترانسپورت ،اتفاق کابورا ـ آریا ـآمو ـ اتحاد ـکارگر هندوکشس ـ ستور ـ میوند ولاله‌ها شرکت نمودند تیم های مذکور در سه گروپ تیمی دسته بندی گردیده مسابقات شانرا طبق قوانین‌وضع شدهٔ اداره برگزاری ریاست‌ورزش از سر گرفتند .

اینبار مسابقات به گونه‌کاملا متفاوت نسبت به رویداد های گذشته آغاز گردید اداره برگزاری مسابقات علاوه بر توضیح‌پروگرام ومقررات به‌تیم های شرکت کننده کمیته های حکمان ، نظم ودسپلین راتعیین وبه آنها وظایف جدا گانه‌یی را محول نمود . تادر جریان این مسابقات ازهر گونه بی نظمی ها جلوگیری کنند.

در مسابقات انتخاباتی که قبل از نیمه رویداد از طرف ریاست ورزش دایر شده‌بود تیم پوهنتون کابل باتلاش پیگیر شان موفق‌شدند کپ قهرمانی آن مسابقات را مال خود سازند ، تیم دافغانستان بانك در مکان دوم وتیم هندو کشس در مکان سوءی جا گرفتند .

این مسابقات که بعد از کوتاه مدت مسابقات‌انتخاباتی شکل گرفت تیم های شرکت کننده با جابجا نمودن بازیکنان پر انرژی و برمهارت شان تلاش آنرا دارندتادر بالای جدول جا بگیرند البته‌جدول دور اول که بعداز آن مراحل سیمی فاینل وفاینل را در پیشروداریم .

در شماره آینده تیم های پیشقدم مسابقات دور اول ودوم رابرایتان معرفی می نماییم همچنان علاوه بر معرفی تیم های برازندهٔ دور اول و دوم ،تیم های قهرمان این مسابقات فتبال‌کشوررا برایتان گزارش‌میدهیم.



لحظهٔ از نبرد دو پهلوان برای کسب افتخار

بقیه صفحه ۳۱

دوستی ایکه ازبوتهٔ آزمون زمان...

تفحصات نفت و گاز مناطق شمال کشور بین دولتین عقد گردید و نتایج سودمندی ببار آورد.

بتاریخ (۲۰) جولای سال (۱۹٦٤) موافقتنامهٔ مربوط به تنظیم مشترك استفاده جامع ازمنابع آب و برق سواحل و آمو بین دولتین افغانستان و شوروی به امضاء رسید.

موجزاینکه: مطابق به نورمهاو معیارهای قبول شده بین المللی، طی بیشتر از (٦۲) سال خصلت عمده و اساسی همکاری مفید و متقابل شوروی با افغانستان بدون کوچکترین قید و بست سیاسی بوده و عادلانه بودن مناسبات وکمك های آن کشور را با مردم افغانستان اعطای قروض طویل المدت عاری از غرض تعین میکند.

اتحاد شوروی بر بنیاد تعهدات ،معاهدات و قرار داد ها منعقده با افغانستان که بر اساس تساوی کامل، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، دوستی و احترام متقابل ... استوار میباشد. بخاطر استحکام وتقویت استقلال، رشد اجتماعی واقتصادی و فرهنگی مردم ما، وظایف بزرگ همکاری، مساعدت ،کمك های سود مند و فعالیت پیروز مند را خالی از هر گونه دریافت منافع استثماری عملا انجام داده است،((درافغانستان به همکاری اتحاد شوروی (۷۱) پروژه ای که امروز بنای مستحکم رشد صنایع عصری زراعت رادر کشورمابپیریزی نموده اعمار گردیده است.))

طی سالیان دراز دوستی، حسن همجواری، همکاری و مساعدت اتحاد شوروی سوسیالیستی با مردم افغانستان مطابق موافقتنامه ها و پلان های علما تنظیم شده در جهت بسط و گسترش رشته های اقتصادی کشور، کریدت ها برای اعمار ((یك تعداد ساختمان های بزرگ انرژیکی، صنعتی، ترانسپورتی و پروژه های زراعتی که تعین کنندهٔ رشد تمام رشته های اقتصادی کشور در دورنمای طولانی است ...)) واگذار گردیده است.

پروژه های که در ایجاد وتطبیق عملی آنها، اتحاد شوروی سهم ارزشمند و برازنده داشته است، ((بعنوان مثال میتوان از دستگاه بزرگ برق آبی نغلو، فابریکه جنگلك، سیلو ها، کارخانه های تصفیه گاز، کشف واستخراج معادن نفت، کود کیمیاوی مزار شریف، فارم های زراعتی هده وغازی آباد، پولیتخنیك کابل ... نام برد.))

جمهوری دموکراتیک افغانستان متکی به اصول صلحجویانه همزیستی مسالمت آمیز عدم انسلاك ،دوستی و همکاری با خلقهای تحت ستم جهان،همبستگی انترناسیونالیستی به اساس تساوی حقوق، احترام عمیق به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، منافع متقابل و حسن همجواری، بخاطر تحکیم دست آورد های انقلاب شکوهمند ثور و بمنظور اعمار جامعه نوین عادلانه، دوستی برادرانه و همکاری مثمر را با دول پیشرو صلح، همه احزاب انقلابی جنبش ها و نیرو های مترقی در منطقه وجهان، در رأس همه اتحاد شوروی به مثابهٔ اساس وسنگپایه سیاست خارجی خویش اعلام داشت.

اتحاد شوروی با در نظر داشت تاریخ درخشان مناسبات دوستی وهمکاری افغان ـشوروی، برای تحقق آرمان های بزرگ انقلاب ملی و دموکراتیك کشور مساعدت های مادی و معنوی خویش را با کیفیت و محتوای جدید بمنظور اعمار جامعهٔ شکوفان و سعادتمند وتحکیم استقلال و حاکمیت ملی وطن واحد ومستقل ما، بطور گسترده و پیگیر با ماهیت انسانی وبیغرضانه که عامل مهم و حیاتی برای تحولات اجتماعی آرمان های انقلاب ثور و دفاع از میهن عزیزماشمرده میشود، افزایش بخشید.

هنگامیکه توطئه بزرگ امپریالیستی تلاش داشت دستان کثیف خویش را آغشته به خون هزار ها انسان بیگناه وشرافتمند افغانستان (در وجود امین سفاك و باند تبهکار وفاشیستی آن) سازد وقصدآن بود که سرزمین مقدس مابین چندنیروی غارتگر وتوسعه طلب تجزیه گردد ونام کشور افغانستان از اطلس جهانی محوشود، اتحاد شوروی متکی به معاهدهٔ (۵) دسمبر سال (۱۹۷۸) دوستی، حسن همجواری وهمکاری بین جمهوری دموکراتیک افغانستان واتحاد شوروی که در موسسه ملل متحد را جستر گردیده وباماده (۵۱) اساسنامه سازمان ملل متحد وفق‌دارد، بنا بر درخواست حکومت افغانستان به منظور دفع تجاوز محافل امپریالیستی امریکا ویاران جنایتکارش، وظیفه انترناسونالیستی خویش راانجام داد.

عساکر اتحاد شوروی مانند دوستان مطمئن ووفادار به خاطر آنکه خلق‌افغانستان رادر مبارزه بر حق ونجیبانه برای حفظ مصئونیت سرحدات مقدس میهن ما، وهمچنان تامین حاکمیت کشور مساعدت کرده باشند وارد افغانستان گردیدند. اتحاد شوروی تنها خواستار برقراری صلح‌پایدار وآرامش در منطقه ،قطع تجاوزعلیه افغانستان، تامین وحفظ آرامش عنعنوی درسرحدات افغان و شوروی این سرحدات دوستی‌وحسن همجواری میباشد.)

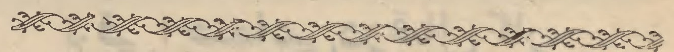
(اتحاد شوروی قطعات محدود خویش را از افغانستان زمانی بیرون می کشد که عواملی که‌باعث موجودیت شان گردیده است ازبین برود وحکومت افغانستان موجودیت بیشترآنهارا لازم نداند.) (آنچه مربوط به شرایط خروج قوای‌دوست از افغانستان است این شرایط به همه خوب واضح‌است.)

خلاصه اینکه: اتحاد شوروی‌در دفاع از حاکمیت واستقلال ملی‌کشور تمامیت ارضی وحفظ دست آوردهای تاریخی انقلاب ثور افغانستان به منظور خنثی‌ساختن دسایس،توطئه‌و تحریکات دشمنان سوگند خورده آزادی بشریت که به فعالیت‌ابلهانه جنون آمیز وهستریك علیه مردم سر بلند، آزاد وپرغرور افغانستان دست یازیده اند تا سرحد قربانی جوان ترین استعداد ها و نیروی انسانی خویش در کنارماقراردارد.

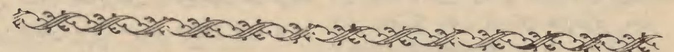
دوستی فزایندهٔ افغان ـ شوروی خدشه ناپذیر بوده واز بوتهٔ آزمایش زمان باپختگی، سرفراز وپیروز مند بدر آمده است. مرحله نوین وتکامل‌انقلاب ملی و دموکراتیك ثور بیشس از هر وقت دیگر زمینه این دوستی و همکاری را تقویت بخشید.

خزان

تو پاکتر ز گل و عطر خو ب ـ ریحانی
به غنچه های سحر ناشگفته ـ میمانی
قسم بدان غم مرموز چهره ات که هنـو ز
بحال زار من همچون بنفشه ـ خندانی
خزان خوش است ترا از خزا ن سخن گفتی
منم خزان وتوهم آیت خـــز ا ن خوانی
نوای بلبل شوریده در چمن دگراست
تویی که با من هم آواز درگلستانی
نه چون ملاحت یاس تو صبحگاهان است
نه همچون ناله من نای درنواخوانی
درون مزرعهٔ خشك سینه کوشش کــن
بجای یاس گل سرخ عشق بنشانی
اگر چه راه من و تو بسی ز هم دور است
تو چون طلوعی ومن چو ن غرو ب ـ میدانی ؟
سخن زخویش نگویم توان گفتن نیست
توحال زار دل (آذری) چه پرسانی!



برگزیده هایی از میان فرستاده های شما



فریاد

روزیکه ابر پوسیده سنگین
خورشید را به خویشش فرومیبرد
روزیکه آرزو ی سترگ من
در انحنای سینه فرو میمرد
ها ی های ، گریه ی به هـــوا
میخاست
شب شب ، پرنده ی به زمین می
رفت
عفریت شام سانحه می‌گسترد
شهباز نور دیده فرو میبست
روزیکه گرد زر زفروغ ماه
براین سلول تیره نمیتابید
روزیکه ابر فاجعه از بالا
بر جسم لخت برزگری بارید
در پاسگاه رنجبران پسیر
نور چرا غ رهگذران افسرد
روزیکه رعد فاجعه بر میخاست
دل اندرون لانه ی خود میمرد
آندم که پیك صبح رسید از راه
من در غروب پیلهٔ خود بودم
برفرق کوه سپیده دمید اما
من در خیال حالهٔ خود بودم ؟

عبداللطیف پدرام
تابستان ۱۳۵٤

خاطره

یاد آن روز گار مستی وشور
هر دوآئینه وفا بودیم
تادم صبح مست از باده
هر دو طومار عشق درگرد ن
یاد آن موج بزم وخاطره ها
هر دو مائل به گفتگو بودیم
همچو طفلان کنار پنجره ها
درس عشق وترانه میگفتیم
یاد آن روز اولین وصـا ل
قصه ازبزم عشق سر کردیم
یاد آن خنده های شیروشکر
من از آن مست بادهٔ بودم
یاد آندم که هر دو در شـب دوش
مهوش آرای يك چمن بوديم
مونس وغمگسار وباده بکف
هر دومان يك گل ازچمن بودیم
بودم امشب به خیال تو معبـد عشوه وناز
پرتو ما هوش روی تو در یادآمـد
دل همی خواند سرود تو و شب‌های فرا ق
شاهد من، شب ، قلب من ودیده من
دل من داد پیا می به تو ای سرور وا ن
جز توبر هیچ دری از پی درمان نروم
بردرت خیمه زنم همچو غلامـان شب وروز
جان دهم در قد مت از پی ایمان نروم



گنج جاویدان

میدرخشد نور بر آن ذروه‌ها، آن کو هسا ران
نور رنگین ، نور شادی و شعف آگنده با غم های انسان
کاروان ابر ها ، زیبا ، و لـــی خو نین نشان
چون میان لاله گون دیباتن ز یبای خـوبان
وآن نسیم مهر و پیروزی ، میان خار های تشنهٔ د شت وبیابان
می سراید اینك اینجا ، میسراید مهر تابان
می سراید ذره های نور ر خشان
سیمهای موجز تاریخ انسان
می سراید نغمهٔ امیدباران
میسراید اینك آنجا
میسراید نغمهٔ عشق آ فرین را. زندگی را
این وطن ، این خطهٔ خلد بـرین را
زیر پای تانك لرزشهای ا نـدام زمین را
میسراید مرگ ا ستبداد و کین را
میسراید تو پها، طیاره هــا، سر باز ها
خط ز رین میکشد در آ سمـان پرواز ها
می نماید سپاه قهرمان ا عـجازها
وز گلوی تو پ میخیزد چنــین آواز ها
زنده بادا ،
زنده بادا کشور پوران افغان
زنده بادا رهگشایان

شعر از: «سپنتا»
به انتخاب لیلا «رحیم‌زی» ازقندهار



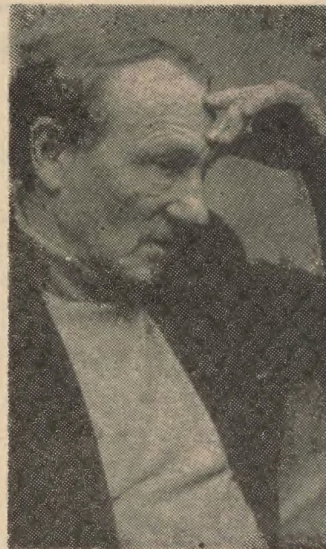
تنظیم وترجمه : میرحسام الدین برومند

ارنست بوش یکی از ستارگان پرفروغ ونوعپرور جهان هنر درگذشت

بتاریخ ۸جون ۱۹۸۰ در برلین مرد (۸۰) ساله‌که از آواز خوانان‌بزرگ مردمی‌بود ،در گذشت این هنرمند برازندهٔ انقلابی و کمونست کهاز جمله چهره های تابناك جهان بحساب می‌آید ، ارنست بوش بود • سرود هایش میلیون ها انسان را بوجد می‌آورد همچنانیکه صدایش سمبول مبارزه و عامل نهضت جنبش هادر میان کارگران انقلابی بسیاری کشورهای جهان میتوانست بحساب آید • موصوف در بریگارد بین المللی جنگ های داخلی‌هسپانیابه

مبارزه پرداخت و در آنزمان بودکه‌بدست فاشیست ها زندانی گردیدواماپس ازرهایی خویش آبدیده تر گشت وبامفکورهٔ عالی‌و

انسانی اش درانسانها امیدواری بیشتربزندگی نویـــن و به مبارزهٔ در آن بخشید وی صاحب فراست وعقل واندیشه عالی بـــوده است • هنرمندی های (ارنست بوش) در تیاتر آلمان ودر انسامبل برلین ورول هایی راکه موصوف ایفا گر آن بوده ، فراموش ناشدنی است• دراثر معروف (گویته) (فاوسمت) مو صوف در یـــــکی از آثـــار معروف برشت نقش (گالیلو) را دریافت . با عرض وجود (بوش) در تیاتر آلمان‌یك‌صنعت تازه ونوین غیر از صنعت کلاسیك و همیشگی آن پیدا کرد• در نقش های‌فلمی برسبیل مثال در فلـــم (کول وامیبی) در ۱۹۳۲ که در تحت رژی (زلاتان دودوف)و(کوترا فورف)روی پرده آمد• در فلم گویادر (۱۹۷۰) (بوش) تـــأثرات گذشته راکه از ناهمگونی جوامع وستم هایی که بالایش آورده شده بود بدست فراموشی


ارنست بوش هنرمندی که‌سرودهایش ملیون ها انسان را بوجد می آورد .

سپرد که سیمای شاد وبشاش وانسانی اش در اندیشه تماشاگرانش همه وقت بیدار خواهد ماند •آنوقت‌بودکه میلیون ها ریکاردش که باصدای مهیج‌و پرطنین اش در آلـــمان دموکراتیك وجهان پخش گردید • (بوش) از سال (۱۹۵۰) ببعد افتخار همکاری در اکادمی صنعت و هنر جمهوری دموکراتیك آلمان را کسب ودر آنجا بودکه افتخارات بیشماردیگررا نیز کمایی نمود بعلاوه جایزه بین‌المللی‌صلح لنین‌را بخاطر خدمات واقعا انسانی اش بدست آورد •وی‌یك‌انسان راستین بود البته درهمه حالات ، در ابیاتش ، در سلوك همیشگی اش

ودر تیاتر وسینماوی دوستدار سر سخت‌صلح بوده و همواره در نبرد با سختی هادیده میشد (منفرید ویگرو) از تیاتر برشت در برلین ، در نشریه(آلمان‌جدید) در وصـــف دوستش بوش بهمین تازگی ها نوشت :

ـبوش دیگر زنده نیست ، مادیگر بااو برنمیخوریم ، در هیچ کجایی . او دیگر نه‌در خانه است، نه‌در اکادمی و درهیچ‌سن وتیاتری او دیگر نمیتواند حرف بزند یا آوازبخواند. دیگر چنانچه خشمگین وقهر آلود اورا باسایر کرکترهای متضادش که صدها بار شاهدبوده ایم ابداً با آن بر نمیخوریم .

اما در مورد کارهایش چه ؟ آیا روش‌هاو اسلوب هنری اش ادامه پیدا خواهد کرد؟ آیا صنعت هنر بدون ارنست بوش ۰۰۰؟؟واقعا وی یـــك انسان ویك هنرمندی بود بس بزرگ وشایان ستایش ، چنان انسان حاضر وآماده در همه‌جا۰۰۰،چونکه ابیات و سرود هایش ، توانایی هایش ، وی را بـــرمـلا میسازد. قبل ازاینکه بیوگرافی کاملش را ـ بنویسند خودش مظهر خوبی ونیکویی بود• استعداد او فطری بود نه کسبی . ودسترسی بخوبی ها وزیبایـــــی ها وارزش هـــــای

انسانی بدون جدو جهد مسلما میسرشدنی نیست •اوشخصادر ین راه مبارزه کرد• علی‌الرغم اینکه اورا روزگار درکودکی وسنین نوجوانی در راه نازیبایی وسنگینی ومشقت قرار داده بود، برتولت برشت، هانس‌وایلر، هلینی ایگل ، پاول دیساو ، جون‌ایاردفیلد وهمچنان ارنست بو ش از سیماهای تابناك وپر فروغ هنر و ادبیات جهانی بوده‌اند البته همه مجرب‌ومجهز با جهان بینی مترقی وآگاهی علمی بودند که پستی هاو بلندی هارا پذیرفته بودند تابا خارق العادگی های واقعی دست یابند مسلما «ارنست بوش» انسان نوع پرور ومترقی بودکه متاسفانه دیگر درمیان حلقه‌های ادبی و هنری حضور ندارد .

ترقی اجتماعی درقبال کار دستجمعی

هاواناهمه ساله دراواخر می‌بمراتب قشنگتر از هر وقت دیگر سال میشود گویی‌درهرطرف خوشی وشعف موج میزند . درسیمای هریك ازکیوبایی هاسرور وشادی ودرقلب هایشان جاویدانگی وعشق سر شار به میهن احساس میگردد واین بخاطریست که کیوبا سال‌هاست که در قطار ملل مترقی جهان قرار گرفته‌است• کار دستجمعی‌و همچنان روابط‌برادرانه ورفاقت این کشور باسایرملل پیشروجهان در عرصه بین المللی حایز اهمیت فراوان بوده و در ارتباط با صلح وترقی اجتماعی ، موثریـــت چشمگیری را ببار آورده است درپهلوی سایر قرارداد های‌نافع،قراردادهای‌امضاء شده‌دوستی ورفاقت وکاردستجمعی‌میان‌جمهوری دموکراتیك آلمان وکیوبا یك روند تازه در مناسبـــات بین المللی بار آورده است •

بموجب این قرارداد یکی ازپروگرام های همکاری طویل المدت علمی وتخنیکی وکار دستجمعی میان دو کشور مذکور که از سال ۱۹۸۱ شروع وتا ۱۹۸۵ پروگرام متذکره‌ادامه می‌یابد یك راه اقتصادی‌جدید رامیان دوکشور هموار مینماید ، یکی از شهر های کیوبا که به طرف‌جنوب آنکشور قرار دارد در نظر است که‌به کمك کارگران جوان به‌یك مرکز صنعتی گر پروگرام فوق الذکر بحساب می‌آید •بعلاوه تولیدات فابریکه سمنت (فوی گوز) که‌در اثر همکاری آلمان دموکراتیك صورت میگیرد برای مبدل گردد •این شهر (زیرلادی‌لا) نام دارد، که کار دستجمعی تولید فابریکهٔ جدیدسمنت میان جمهوری دموکراتیك آلمان وکیوبا ،آغاز ـ پیشرفت اقتصادوتوسعهٔمرام های‌سوسیالیستی درکیوبا وقبل ازهمه برای تسریع بخشیدن درامر ساختمان های مسکونی کمك بسزایی مینماید • (ریزلادی) نام یك جزیره استدر کیوبا ، محلیکه‌فعلا یك محل آموزشی است‌چه در همین محل است که جوانان کیوبا بسیاری از مسایل‌راتجربه ، آزمایش و تحقیق میکنند• درین سر زمین درمکاتب در حدود ده هزارطفل ونو جوان از کیوبا وسایر کشور های امریکای لاتین وافریقا بافهم وایدآل های‌مترقی مجهز گردیده‌اند.کیوباهمبستگی خویش رابابسیاری کشورها اعلام داشته اند. مردمان کیوبادیگر برای آغاز یك زندگی نوین درکشور خویش آماده گردیده و از همیـــن روست کـــه همبستگـــی هـــا ی ز یا د ی با ایشـان اعلام وخود نیز بابسیاری ملل جهان‌همبستگی خویش را اعلام داشته‌اند ودر حدودسی کشور مترقی جهان ، دکتوران، نرس ها ، معلمین‌و مشاورین خودرا به کیوبای قهرمان به اساس کمك های‌انترناسیونالیستی گسیل داشته اند بیقین امریکای لاتین کنون‌یك قاره ایست توفنده که در قطارسایر انقلابات مترقی جهان باجدیت گام زده وبا ایجاد تغییرات عمیق سیاسی وتحقق بخشیدن اهداف عالـــــی سوسیالیستی نقش خیلی ها نافع و مطلوب را ایفا داشته است • در اثر پیروزی انقلاب کیوبا،کیوباالینك درنقطه‌اوج پیروزی های خود رسیده که این پیروزی ها در تاریخ ایـــن سر زمین کاملابی مثال وبی سابقه بوده‌است قدرت های ارتجاعی ، حلقه های امپریالیستی ودشمنان ترقی اجتماعی وصلح‌درسراسرجهان هرقدرکه علیه‌کیوباقرارگرفتند امااز آنجاییکه



فیدل کاسترو در میان جمعی‌از کارگران‌کیوبه دیده میشود.

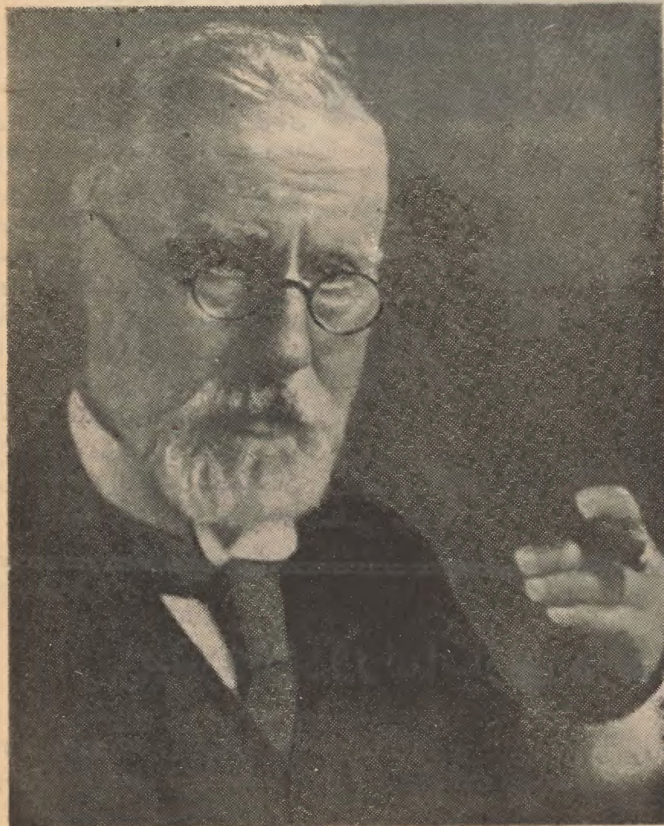
خوشبختانه کیوبا هرگز تنها نبوده ونیست . کوچکترین سدی در برابر انقلاب نتوانست ایجاد نماید . در قارهٔ که کیوبا قرار داردبحق کیوبا یگانه کشوریست‌که درآنجادیگربیسواد وجود ندارد وسعی وجدیت برای مردمان آن امر حتمی پنداشته میشود . پروبلم فقر و گرسنگی درکیوبا حل گردیده ودیگر کسی نیست که‌از فقر وگرسنگی در ین کشور بمیرد کیوبا به پرابلم های اساسی پایان بخشیده ودر مدت‌کوتاه زمانی‌درمرفوع‌ساختن پروبلم‌ها کوشیده است .

کیوباباوصف بهتان، افتراء وتهدیدنیروهای امپریالیستی توسعه پیدا کرده است که این پیروزی وانکشاف از اثر کار دستجمعی و صمیمانه و همه جانبه با سایر کشور های سوسیالیستی واز همبستگی انترناسیونالیستی ناشی میگردد . باچنین همکاری ها ست که جمهوری دموکراتیک‌آلمان وکیوباروزبه‌روز با همدیگر مناسبات نزدیکتری پیدا میکنند ودر عرصه پنج سال ٤٦ فیصد پیشرفت امور اقتصادی در کیوبا متکی بر همین اصل‌است. پس ازاتحاد شوروی جمهوری دموکراتیک آلمان دومین کشوری‌است باکیوبا مساعدت وهمکاری جدی مینماید .

برگزاری‌هفتادمین سالروز مرگ روبرت کوخ طبیب و دانشمند معروف

نام «روبرت کوخ» منحیث دکتور ودانشمند معروف نه تنها در حلقه های طبی یك نام بزرگ محسوب میگردد بلکه در جمهوری دموکراتیك آلمان همه ساله ۱۱ دسمبر راکه مصادف بروز تولد این طبیب معروفست به عنوان روز صحت تجلیل میدارند بهمین منوال دو اسازان مشهور درگوشه وکنار جهان لقب افتخاری «خدمتگزار مردم» که در مدال ها البته تصویر روبرت کوخ حك گردیده، در مواقع خدمات ارزنده و ابتکاری دریافت میدارند که البته معناً این مدال حیثیت یك گنجینهٔ با ارزش رادرکشور جمهوری دمو ـ زندگی نامهٔ این مردانسان دوست ونوعپروررا کراتیك آلمان درمیان درمانگران دارا بوده و یکباردیگر متجلی میسازد . بخاطر ارجگذاری از خدمات انساندوستانه روبرت کو خ ، در جمهوری دموکراتیك آلمان نام سرك ، میدان قصبه ویا هم قریه یی را بنام وی مسمی گردانیده اند. علاوه برین بعضی ازتاسیسات مربوط به صحت چون پولکلنیك های مرکزی، سالون های درمانی شهرهای جدید حوزه شفاخانه امراض شش در لایپسیك بنام «روبرت‌کوخ» یادمیگرددوامسال نیزروز ۲۷می که مصادف بود با هفتاد مین سالروز روبرت کوخ ازین طبیب مشهور قدردانی بعمل آمد .

«روبرت کوخ» محقق وکاشف بزرگ در ساحه طبابت ، در سال ۱۸٤۳ در فامیل متوسطی‌که معدنچی بودند درشهر (کلاوسنت- هال) دیده بجهان گشود. کوخ بر خلا ف چهار برادر دیگرش‌که بخاطر فشاربی پایان وغم های بزرگ اجتماعی بسوی امریکامها ـ جرت‌کرده بودند، وی در دیار خودش ماند ودرتحت محرومیت های بزرگ توانست تحصیل نماید ودکتوری خودرا بگذارند وی درسال ۱۸۷۲ پس از سپری نمودن امتحان دکتوری و پیروزی در آن در «فوشتاین» به علم فزیك اشتغال ورزید. وی دراثر نتایج تحقیقاتی در ساحه باکتریولوژی به تحریك وتشویق فزیکدان، کیمیادان ومحقق فرانسوی (لوئیز پاستور) مؤفق گردید تا در اوقات فراغت (میکروبیولوژی) را فرا گیرد وی با استفاده از وسایل کمکی موفق گردید که یکنوع باکتری معین رادرگوسفندترجیح بدهد. وی نه تنهادر مورد پیدایش وانتشارسوزش ارکان های وجودیا مالخولیارا توضیح‌وتشریح بداردبلکه همزمان راه های نودرمانی را برای تحقیق و مبارزه سایر مریضی هامشخص و سراغ نمود در (۱۸۸۰) «روبرت کوخ»منحیث یك مامور صحی به برلین مقرر گردید جائیکه در آنجابکار تحقیقات و بررسی توبرکلوزآغاز کرد، وی یکجا همراه با همکارانش با استفاده ازفرضیه «جان‌انونی فلمن» به عامل اصلی‌پیدایش توبرکلوزدست یافت ودر واقع خدمات شایانی را برای بشر انجام‌داد. پس از ماها کار پر از زحمت و تلاش و مشقت در ٦۸۸۱ بدر یافت عا مل اصلی مرض مکروب سل گردید ، ودرواقع بشر را در یك امر بزرگ پر از رسالت یاری بخشید و تدابیر علمی را اتخاذ نمود. موصوف درسال ۱۸۸۳ در نتیجه سفرش به مصر وهندبه کمك مبتلا یان یك مرض خانمانسوزومهیج دیگر یعنی کولرا شتافته وعامل (کولرا) را کشف نمود و در تابستان همانسال بااغتنا م فرصت به فرانسه شتافت سرزمینی که‌در آنجا کار مبارزه اش را در برابراین مرض ساری خیلی ها وسعت داد. در (تولون) و (مارزایل) مرکز عمده (کولرا) به‌مبارزه در برابر این مرض مدهش مجدانه ادامه داد. از ۱۸۹۱ الی ۱۹۰٤ منحیث معروفترین وخبره ترین دانشمند، انستیتوت طبی برلین را رهبری کرد. به‌کمك همکاران معرو فی چون «حمیل بیرنگ» «کیتاناستو» و سایرین درقسمت امراض تو برکلوز ، کولرا تیمپور دفتری وتو لفوت مصدر خد مات شا یسته گردید. در سال ۱۸۹٦ بود که روبرت کوخ بهمرایی همکارانش بسوی افریقابه‌سفربزرگ تحقیقاتی خویش پرداخت ودر نواحی گو ـ مسیر «استوایی» بمبارزه ، علیه امراض ساری حیوانی مبادرت ورزید. موصوف‌منحیث موسس باکتر یولوژی که داروی مدرن در طبابتش نفوذ داشت باز هم افتخاراتی کسب نمود. در ۱۹۰٥) جایزه نوبل را گرفت .در ۲۷ می (۱۹۱۰) بود که روبرت کوخ درجریان کار دیده‌از جهان فروبست در دهه شصت آوانیکه درجمهوری د مو کراتیك آلمان توبر- کلوز خطر ناکترین مریضی باعث اذیت مردم گردیده بود، اما ازبرکت میتود ها وروش های درمانی روبرت کوخ دیگر بکلی این مرض باتمامی اثرآتش ازین کشور ناپدید گردیده است. باآنهم تاسال۱۹۸۲ بکلی این پروبلم مرفوع میگردد، سالیکه صدمین سالروزکشف مکروب سل توسط روبرت کوخ برگزارخواهد گشت. معذالك کار های بشر دو ستانه این طبیب بشر دوست نه تنها برای مردم آلمان دموکراتیك بلکه در برابر تمام‌جهانیان موثریتش را بجا گذاشته است .



روبرت کوخ طبیب ودانشمندمعروف

هنر و مردم

ترجمه از : زلمی

نمایشگاه نقاشی هنرمند افغانی در فرانسه



خانم شکورولی حین نقـاشی در کارگاه نقاشی اش

درین اواخر آثار هنری نـقا ش
معروف افغانستان خانم شکورولی‌در
گالری ((فریدریك بزیل)) به نمایشس
گذاشته شد که طرف دلچسپی‌علاقه
مندان هنر واقع‌گردید .

روزنامه معرو ف فرانســـو ی
(میدی لیبر) در شماره (٢٧٤) خود
مور خه ١٩ ژوئن ١٩٨٠ در مورداین
نمایشگاه چنین مینو یسد :

این بار اول نیست که ماشاهد
نمایشگاه چنین باشکوه از یك‌افغان
هستیم بلکه چندین ار دیگر نیـز
این هنر مند افغا نی در گالر ی‌های
فرانسه نمایشگاهها ی ترتیب و به
معرض دید بینندگا ن قرار داده که
طـرف علاقمند ی خـا ص قـر ا ر
گرفته است .

واین نمایشگاه که تحت عـنوا ن
افغانستان دایر گردیده جالبـتر از
همه میباشد زیرا هنر اصیل‌افغا نی
درین نمایشگاه زیاد به نظر میخورد.

به نظر نگارنده مضمو ن نقا شی
بودا وبت های بامیا ن خیلی هـــا
ماهرانه ترسیم گردیده است‌همچنان
درین نمایشگاه میتوان به چهره‌های
باشهامت مردم افغان آشنا شد زیرا
پرتریت های گونه گو ن مرد م‌افغاـ
نستان درین گالر ی به نما یشــــ
گذارده شده‌بود .

نامه نگار روز نامه مو صـــو ف
علاوه میکند :

**وقتی بیننده از نما یشگاه خارج
میشود به شگوفانی هنر افغا نـــی
مطمین میگردد .**

ژاك فیال خبر نگار روز نا مه‌فوق
درخاتمه راپور تاژ مختصر خود می
نویسد سبك خانم شکور و لی‌خیلی
ها معرو ف است و تقریبا تما م‌هنر
منـدان سر شناس دنیا به سبکش
آشنایی دارند. ونباید هم‌از کار تون
های خوبی که در ین نمایشگاه بـــه
معرض نمایش گذاشته شده چشـــم
پوشی کرد .

م . روحانی

پیشروان‌دور نماسازی درهنرنقاشی

((ژان بات)) نقا ش چیره دست
هالند ی در نیمه دوم قر ن هفد هم
تحول جالب وشگر فی در عر صه‌هنر
دورنما سازی این سر زمین بو جود
آورد وسبك کلاسیك مکتب(هاآرلم)
راپس از قرنها استواری‌واستحکام
در اندیشه و فکر نقاشا ن و دورنما
سازان ، ازپای در آورد . آثار هنری
ژان بات چون چرا غ فروزان‌رهنمای
هنر مندان آن کشور شد ورا هی‌نو
وسبك جدید ومطلو ب با آن عرضه
کرد. مکتب هنری (هاآرلم) قدا متی
داشت و پیروا ن مو من و معــتقد
این مکتب رانقا شان ودور نما ساـ
زان شهیر و معرو ف تشکیل می
دادند .

هنر مندانی نظیر (پولنبرگـــك)
(برینبرگ) و (وان موزس او تـــن
بروخ) شاهکار های هنر ی بوجود
آورده وجهانی قبل از قرن هفده را
غرق در حیر ت واعجا ب ساختـــه
بودند ، با اینحا ل زما نیکه‌نخستین
اثر ژان‌بات در یك نما یشگاه هنر ی
ظاهر شد ودر کنار آثار هنر ی‌کلاـ
سیك قرار گرفت اختلاف بارز در
مناظری که تا آن زما ن در نظـــر
هالیندی ها نامانوس و عجیب جلوه
میکرد ، با قلم‌سحر انگیز و قریحه
ذاتی (ژان‌بات) دلنشین و موردپسند
آنان شد .

برای توضیح بیشـــتر در بارهٔ
اعجاب هنر ی ژان بات به اختصار
یاد آور می شویم که مکتب مقا و م
هنری ها آرلم نظیرسایر مکاتب‌پیرو
رویداد های اجتما عی بود و طی چند
قرن به اوضا ع طبیعی و جغرافیایی
تسلیم شده‌بود ،تا آنجا که تجا وزاز
مرز تعبیر وتفسیر هنر ی آن‌مکتب
خطا وگناهٔ نابخشود نی و غیر قابل
تصور به شمار میرفت . هوا داران
مکتب ها آرلم ، اید یالیزم هنر ی‌را
برجنبهٔ ریا لیزم آن تر جیح داده و
انحراف ازآن در مخیله هنر مندا ن
هالیند ی خطور نمیکرد .

وضع جغرافیایی مناطق شما لی
اروپا باآب وهوا ی مرطو ب وباران
های مداوم وآسمان تیره وتار ومه‌و
ابر غلیظی که در فصول سال‌سراسر
شهر ها و جلگه هاو کو هسارا ن‌را
تحت فشار و خفقان قرار مید هد و
بالاخره چهره گرفته خورشیدکه‌پرتو
بیفروغشس را نثار موجودا ت میکند
خواه ناخواه تاثیرا ت حسی‌فراوانی
راطی قرون متمادی در رویا ها و
تصورا ت هنری وادبی، در قا لـــب
اشکال وپیکره هاآشکار سا ختـه
است. دور نماسازا ن ها لیـــند ی
علیرغم نبوغ‌ذاتی واستعداد بی‌پایا ن
وذوق وسلیقه هنر ی ، منا ظـــــر
تیره بوجود میاورند که در برا بر
آثار نقاشا ن مناطق جنو بی اروپا
صرف نظر از ارزش هنر ی بی‌رو ح
وخالی نشا ط انگیز جلوه میکرد .

هنر مندان هالیند ی در رویـا ی
فریبندهٔ آفتاب گرم و جنگلها ی سبز
وخیم وآب وهوای طر ب انگیـــز
مناطق گرم سیر مناظر شور انگیز
به وجود می آورد ، ولی همان گو نه
که ذکر شد تاثیرات طبیعی در کار
آنان نفوذمیکرد وجلوه و جلای لا ز م
را از پرده ها وتابلو ها ی آنا ن می
گرفت .

(ژان بات) نخستین مسا فـــر
هالیندی به دیار (روم)وسرزمین‌های
آفتابی است و برای نمو نه‌برداری
از مناظر طبیعی ودرخشا ن ازمحیط
ابر گرفته خارج شد . و توانست

کردند . به این ترتیب در نیمه‌دو م
قرن هفدهم ، هالیند ی ها سبك ها
آرلم رادر قالب مناظر ایتا لیا بـــه
جهانیان عرضه کرد ... (ژان‌آسلین)

دومین هنر مند دور نما ساز مسا فر
ایتالیا است که آثار بسی گرا نبهاو
عمیق ازخود برجای گذاشته ومیراث
(ژان بات) رابا تلاش پی‌گیر به‌اوج
عظمت وشهر ت جهانی رسانیده‌است
هنگام تو قـف (ژا ن آ سلیـن)
در روم نقاشا ن هالیند ی که برا ی
تزیین وآرایش قصر تابستا نـــی
(بوئن رتیرو) اقامتگاه تابستا نـــی



مناظری بوجود آورد که در قا لـب
سبك (هاآرلم) جا ی دا شت ،و لی
ابتکار ی نورا در هنر دور نماسازی
تجلی بخشید ومنا ظر طبیعی ایتالیا
رابارویش هنر مندان این سر ز مین
دربرده ها ودور نما سازی خـو د
منعکس کرد.

مرگ زود رس ژان بات (سا ل
۱۶۵۲) وقفه ای در این تحو ل ایجاد
نکرد ودور نماسازا ن ونقا شان‌دیگر
هالیندی که مفتون آثار هـــنر ی
(ژان بات) شده بودند به ایتالیاسفر

فلیپ چهار م پادشاه هسپا نیا در
این شهرگرد آمده بودند وبا (ژا ن
آسلین) آشنا شدند واو را چو ن
رهبر شایسته برای‌خود برگزیدند .

(ژان آ سلین) چنـد مـد تـی در
ایتالیا ماند و باقریحه خدا داد ی‌دور
تماهای اعجاب انگیزی از منا ظـر-
ایتالیا تهیه کرد و زمانی که‌به کشور
خود باز گشت ، گنجینه هنر ی‌گران
بهایی رابه مکتب هاآرلم تقدیم‌داشت.

بقیه‌در صفحه۵۹

دسویت فلم څخه

دمحقق ژباړه

هنرمنداوهنری انځور

داستو نیا یوی کلیوا لی نجلـی په ډگه کړه چی دی غوښتل‌سیکالو جیسته شی په داسی حال‌کی‌چی‌ددی دخوب او خیال سره سم‌دایوه فلمی هنرمنده شوه

ځوانه او تکړه هنرمنده «ایلی کولی» چی په ډیر لږ وخت کی‌یی زیات شهرت ترلاسه کړی دی عقیده لری چی یوفلمی هنرمنداواکتور باید دیوی خوا مسلکی او دبلی خوادقوی روحیاتو خښتن وی‌له همدی‌امله داوایی چی زه باید په عین حال کی په روح پوهنه اوسیکالو جی وپوهیږم، ځکه چه‌اکت اوروحیات دواړه دیوه هنرمند لپاره ډیر مهم دی .

کله چی دادلومړی ځل لپاره داستونیا څخه دتایلند دفلمی لوبغاړومرکزته ورغله نوددی څخه پوښتنه وشوه چی که‌ته غواړی په فلمی ډ ری کی دیوی ممثلی په توگه برخه واخلی‌نوپه فادازموینی په توگه اوس‌دیوی‌جادوگری او ډوگری ښځی حرکتونه تمثیل اوانځورکړی.

ایلی دیوی لحظی لپاره په‌فکر کی ډوبه شوه اووروسته په یوخاص احساس سره و لا ړ ه شوه‌اودیوی‌جادوگری په‌خیریی خاصه‌خندوونکی غوره کړه دی خپل دواړه لاسونه غیرک کړل او دخپل مخ خیره‌یی‌په ډیرښکلی توگه ډډول فشارلاندی راوستله اوتریوه اوږده سوچ اوتامل وروسته‌یی‌وویل «ایازه‌یی نشم کولی» او بیایی په سر ښورو لوسره تکرارکړه «ایازه یی نشم کولی» هغوی ورته وویل: ته ریښتیاهم زموږراتلونکی لوبغاړه یی او ته ددی کارتوان هم لری . ددی خبری په اوریدو سره ایلی کولی سره وغوړیدله او د شرمه څخه تکه سره شوه‌اوویل :«نه‌زه‌یی‌نشم کولی» ه ری‌کی هغوی ورته وویل چی دابه داخله شی په دی‌ډول ایلی کولی د«کینگ سیپ»په تیا رکی دخوکلنو لپاره پاته شوه اودا دلته د ری مودی لپاره دخپل پخوانی کورنی نوم «استونیا» باندی مشهوره وه اووروسته له‌هغه چی دی دلومړی ځل لپاره د«پسرلی ځنگل»نومی فلم‌کی دمیناپه نوم‌کاروکړ اودشوروی اتحاد دفستیوال فلم‌ځانگړی جایزه‌یی وگټله نوددی شهرت هم ددغه نامه دځوکاټ څخه دباندی راووتی .

داوایی سره له دی چی اوس زه ددغه هنری تمثیل په‌هکله‌دتجربی یوه‌نوی‌پړاوته رسیدلی یم بیاهم زه اوس په‌دی لټه‌کی یم چی زه‌داسی طبیعی تمثیل‌وکړم‌لکه‌دتمرین اومشق‌نه مخکی چی ماداتوان درلودی یعنی پرته‌له دی چی‌اکټ په‌کی شامل‌وی زه موضوعات هم هغسی په ریالیستیکه بڼه انځورکړم پداسی‌حال‌کی چی مادادرك کړی ده چی زه به هیڅکله دپخواپه څیر ساده او طبعی اکټ او انځور ونه کړای شم له‌همدی امله زه اوس‌دی‌ته متوجه شوی یم‌چی‌خپل داخلی وضعیت بدل کړم په همدی اساس په‌نتیجه‌کی ماداتصمیم‌نیولی‌دی چی زه باید په‌ډیرغرور اوویا ړسره هرډول انځور په طبیعی توگه وکړای شم چی ددی کارلپاره

په کارده چه دهرڅه نه لومړی‌زه‌باید پرهغه څه‌چه انځوروم‌یی‌پوره باوروکړم‌څوپه‌دی‌وسیله زماانځورهم دخلکوداعتماد اوباور وړ وگرځی که څه‌هم دایوډ یرساده اواسانه کار معلومیږی لاکن ددی کار عملی کول زمالپاره ډیر سخت کار واوزما ډیروخت یی ونیوی .

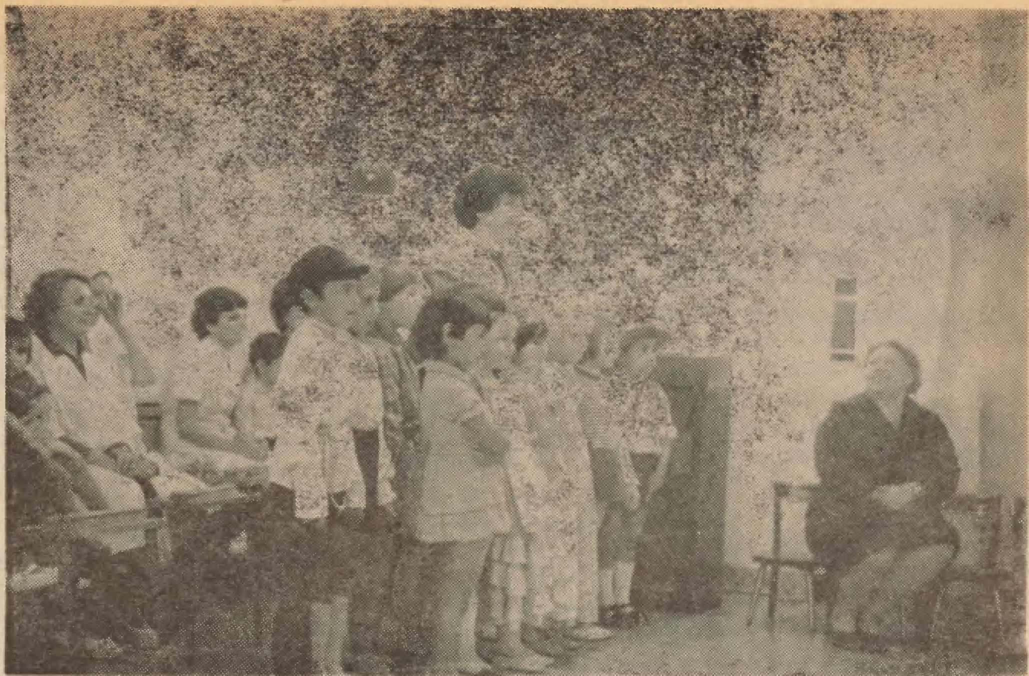
تاسووویل‌چی زه بایدپه ویاړاو غرورسره پرته دمصنوعی اکټ څخه مسایل‌انځور کړم ایا دابه تاسو ځان نه وی تیرایستلی ؟

نه‌که زه ریښتیا هم په‌دی بریالی شم چی «پرته داکټ څخه اکټ» وکړم نوداپه زماپوره بریالیتوب وی ځکه چی زه په‌دی عقیده یم‌چی ښودل شوی اکټ اوانځورپه‌حقیقت‌کی داعتماد اوپرخپل ځان باوراو دبداهت اوابتکار حس وژنی . زه فکر کوم چی یوریښتینی انځور هغه وخت رامنځ ته کیدای شی چی پرخپل ځان دباورلرلوپه‌روحیه سره په‌ډیره سادگی‌ترسره شی. یوازی ډیرغښتلی اوقوی‌انسانان کولی شی‌چی دهر ډول ستونزو او ربړ ونوپه مقابل کی ودریږی په داسی حال‌کی چی په سختو حالاتوکی یوه ښځه ماندینه اویامور یوازی داتوان لری چی زړه سوی مینه او محبت ولری . چی د«پسرلی ځنگل» نومی فلم کی ایلی‌کولی ددغه رازمحتوی انځوروالورول په‌غاړه اخیستی وپه دغه فلم کی دی دنندارچیانو په منځ کی ډیرزیات اعتبار اوشهرت وگاټه دی‌نه یوازی دفلم دننداره چیانو او علاقه لرونکو په منځ کی اعتبار او مینه پیدا کړه بلکی دخپلوفلمی انځورونکو ملگرو په منځ کی هم دزیات قدراو عزت څښتنه شوه .

وروسته له هغه یوچاددی څخه پوښتنه وکړه چی ایاته اوس په ځان اعتماد اوباور لری دی‌په ځواب کی وویل : سره له دی چی ماوس‌زیات شهرت گټلی او دفلمی نړی دهنری انځورونو په هکله می‌زیاتی تجربی ترلاسه کړی دی‌خوبیا هم لاتراوسه پوری زه په‌دی لټه کی یم چی‌په څه ډول دغه هنری سبك ته نوره هم پراختیااو تبارزورکړم اوڅه‌ډول‌وکړای‌شم‌چی خپل دننی پټ قوت (پوټنشل) رابر سیره او په هنری نیاکی استفاده ځنی وکړم اوپه دی ډول نوپه پای‌کی‌زه ځوپونه‌ووهم‌وځاندم‌اوپه‌پراخه‌حوصله کارو کړم - کاروکړم اوبیاهم کارو کړم سره‌له دی چی «ایلی» طبعیتاډیره خوشحاله‌اواجتماعی ښځه ده بیاهم داکله کله په فلم کی دترینگی او متشنجی خیری درول دانځورو لوپه توگه وظیفه ترسره کوی .

ایلی کولی اوس دهغه فلم دلومړی برخی دښځو دهنرمند انو لاربښوونه په غاړه لری‌چی داستونی دځوانو هنرمندانو له خوا تهیه کیږی ددی فلم ناول نه فوق العاده مورال لری‌اونه هم ډیر پیچلی اوددسیسو ډك داستان لری. خو په لومړی برخه کی‌داسی ښکاری چی پرده باندی داډیره گرانه ده او داهم دده سره زیاته مینه‌لری‌داغواړی چی‌دده سره‌واده وکړی لاکن دی ددی لپاره چی‌لاښه‌یی‌امتحان‌کړی نوخپلی خیری او جاموته‌تغیرورکوی چی‌دغه رازازمایښت

پاتی‌په ۵٦مخ کی



یکی از کودکستان ها در شهـر زیبای فرونز

بوی جوی مولیان آید همی ...

حا لی بخشید ه ا ست و به هـر چشم شو خ و مو ی زیبا وافشا ن کـه دیده پار چه شعری سروده و نثار کرده است نوبت سخـــن را می گیرد و میگو ید :

ـ من از این مسا فر ت که با جمعی از دو ستان ا هل شعر و ادب و دا نش به همراه بو د م خا طراتی شا عرا نه و شعر آفر ین دا رم ـ خا طرا تی که تا دیر زما ن فرا ـ مو شم نخوا هد شد و شاید هـم یاد آوری آ ن‌برای من انگیزه‌سرودن

شعر های تازه د یگری گــر دد وجاو دانه ترین خا طرا ت من در باز دید از منا طق زیبا ، مرد مصلح دو ست و مهمـا ن نواز شوروی خلا صه میگر دد که صر ف یکی دو مورد آن‌را با ز گو میکنم :

ـ دیدا ر از بند بزرگ آ بی بر ق «توخته قل » که درمنطقـه ((قره قل)) در نوا حی مر بو ط شهر ((اوش)) وا قع گـر دید ه است برا ی من جا لب بود ـ چـه این بندبزرگ و با عظمت به نا م «تو ختو قل » شا عـر و مـو ـ سیقیدان و مدا فع افکار متـر قـی رهبر بزرگ پرو لتـا ر یا ی جهان

نا مگـذاری شده است‌ـ تو خته قل که به سبب مبا رزا ت در موا قـع ضروری در همین منطقه مخفـــی میگر دید و به همین د لیل هـم دو لت شوروی بند برق این منطقـه را به ا سم وی نا م نهاد .

خا طره د یگر ی که در همین بخش سفر برای من تا ثیری‌فراوان دا شت این ا ست که بعد از دیدار از بند برق توخته قــل در شب نشینی شر کت دا شتم که به‌افتخار هیات افغانی به و سیله منشی ناحیه هما ن جا راه اندازی شده بود در این د عو ت از گرو پ مهما نا ن تقا ضا گر دید که ترا نه و طـن

سروده من‌راکه‌به آواز، آواز خوان محبوب کشو ر وهـا ب مـد د ی از را دیو تلو یز یو ن به اجرا آمده ا ست به شکل کو رس بخو ا نیم ومن و قتی که برای نخستین با ر با آواز می خوا ند م که :

وطن ! عشق تو افتخار م
وطن ! در رهت جان نثارم
وطن! عاشقم بر شکو هت
به از در بود سنگ کوهت
به من ، هر کجا یی‌که‌باشم
تو یی‌جانفزا ای دیا ر م

وطن ! قلب من ، هستی‌من
بود رگ رگم پر زخو نت

به را ستی ا حساس میکردم که تما م شور و طن پر ستی درصدایم انعکا س یا فته ا ست و جا لبتر اینکه اعضا ی میز با نا ن با شنیدن آواز من آ ن را به ستا یش گر ـ فتند و تشو یق به آواز خوا نـی و کمپوز سازی ام کردند .

از نا صر طهوری خوا سته شد که نمو نه ها یی از بد یهه سرا یی ها ی‌عا شقا نه خود را در جریا ن این سفر برای ما بخو ا ند که ما را هم از این بزم ها ی شا عرا نه نصیبی با شد و او نخست شعری رادکلمه میکند که صبح ۳ عقـرب در رستو را ن شهر ((اوش)) آن را سروده و به د کتور روا ن فر- هادی تقدیم دا شته ا ست ، عنوان این سرود ه زیبا ((دخترسیاه‌موی)) است و چند بیت آ ن به ایـــن شر ح :

سیه مودختری‌دیدم که‌رشک‌موطلایان است
به خاک «قرغز» این‌دختر ،گل با غ نکویان است
بوصف مو طلایی ها، بسی شعر روان گفتم
ولی این موسیاه اکنون، مرابهتر ز آنان است
«روان!» بنگر به‌چشم‌دل، که‌چون‌من، جان‌جان بینی
بلی این آرزوی جان، به،ازجان است وجانان‌است

و دو قطعه شعر دیگـر را نیز زمز مه میکند که او لی‌را ز یـر عنوا ن ((زیبا ی فرو نز)) دراکادمی علو م قر غز ستا ن و دو می ر ابا عنوا ن ((ز با ن د لبر ا ن)) د ر مد خل مو زیم ((فرونزه)) بداهتا سرو ده است .

جا ی دارد برای آشنا یی بـا احسا س شا عر در رو برو شد ن باز یبا یی ها و انعکا س آ ن در ذهن او هر دو قطعه را با هـم در قسمت ا خیر راپور بخوانیم.

نصر ا لله حا فظ

شاعر خو ب و شنا خته شد ه کشور که بیشتر سرو ده ها یش‌به زبا ن پشتو ا ست نو بت سخن را می گیرد و گفته ها یش را ازفرونز و زیبا یی ها ی آ ن به آغا ز مـی گیرد :

((وا قعیت این است که مــن محو سر سبز ی ، شا دا بی ، خر می‌وزیبا یی فرو نز شـد م، شهری که در خزا ن رنگ گسترده سبز بها ر را دا شت و انسا ن در آن جا به یاد نمی آورد که دراواسط پا ئیز بر گر یز قرار دارد .

فرو نز شهر کی در وا قع تازه ساز ا ست و بیش از یکصد و ـ بیست سا ل عمر ندا رد ، امــا پیشر فت ها ی صنعتی و فر هنگی و تا سیسا ت مد ر ن و عصر ی آن شهر ها ی بزرگ و پیشر فتـه را به یاد میا ورد .

شا ید بی جا نبا شد ا شا ر ه کنم که این شهر در گذ شتـه ((پیشبك)) نا م دا شته و فرو نز دراصل‌نام‌جنرالی‌بوده‌ازهمرزمان لنین که در جنگ ها ی میهنی افتخا را ت فراوا ن برا ی خود کسب کر د ه قهرما نی ها ی زیاد از خودنشا ن داده و چو ن مردم قر غز در حفـظ ونگهدا ری‌افتخارات میهنی و ملی علاقه فراوا ن دارند «پیشبـك» را ((فرونز)) نا م گذاری کردند تا این نام جا و دا ن ما ند و به فرا موشی نرود .

ما در نخستین روز د ید ا ر خود از فرو نز به تما شای این شهر رفتیم ودرشب نشینی شا عـرا نه- یی که بعد از این گردش دا یر شد

نان‌ونمك شدن در یکی‌ازسلخوزهاوپذ یرا یی شدن با بومی ترین شیوه های مهمانداری برای‌ماآنقدرجالب‌بودکه‌انگاردریکی‌ازاصیل ترین روستا های خود قرار داریم.

شعری راکه بداهتا سرودم به مهمانان ومیزبانان هدیه کردم که مورد توجه قرار گرفت.

دیدار از تخت سلیمان و گردش در قله های آن خاطره جالب دیگری است برای من که تخت سلیمان خود مان را به یاد م آورد ــ زیبایی های این کوهستان احساس شاعرانه ام را شوراند ودو قطعه دیگر را بداهتاً سرودم.

بدیهه سرایی دیگرم با عنوان «بید مجنون» یادگار دیگر از این سفر است که در ((قره قل)) به خواهش دوست ارجمند آصف فکرت سروده شد.

دیدار از بزرگترین بند برق آبی «توخته قل» که در آسیای میانه نظیر ندارد همه اعضای هیات را زیر تاثیر قرار داد چنانکه مشاعره جالب‌توجهی درختم بازدید ودردعوت شب‌نشینی که بعد از آن برگزارگردید صورت گرفت که تمام میزبانان ما را به حیرت کشید چنانکه این شب و خاطرات آن را از یادبود های فراموش نشدنی خود انگاشتند و معرفی کردند

روستا باختری :

نویسنده‌وقصه‌نویس‌خوب‌وبه شهرت رسیده کشور ما یکی دیگر از اعضای گروه روشنفکران مبتکر افغانستان است که به شوروی سفر کرد وی بعد از یاد آوری از مهمان نوازی صمیمانه و بیریای میزبانان و پروگرام های جالبی که برای این دیدار طرح شده بود ، میگوید :

ــ در جریان این سفر با همه تلاشی که صورت میگرفت تا به مهمانان خوش گذرد و نارا حتی یی متوجه شان نگردد و با آنکه تمام پروگرام های دیدار با دقت و پیش بینی های لازم به طرح آمده بود ، با آن هم گاه ناهم‌آهنگی های غیر مترقب و پیش بینی نشده یی پیش میامد که اقامت یك شبه ما در دره ((چهار مغز)) در این شمار است .

چون این دره یك محل اقامت تابستانی است ودر موقع سفر هم هوا زیاد سرد نبود اهتمامات لازم برای گرم نگهداشتن هوای اقامتگاه در نظر گرفته نشده بود اما به تصادف دفعتا هوا بارانی وسرد شد به گونه یی که مهمانان ومیزبانان احساس سردی میکردند به زودی ممکن بخاری ها روشن شد و انواع غذا ی‌فراوان وگونه گونی که در میز نان چیده شد همرا هان را گرم تر ساخت ، در این شب نشینی‌صحبت هایی در زمینه تاریخ افغانستان صورت گرفت و واصف باختری قطعه شعری راد کلمه کرد که همه را زیر تاثیر آورد و صدای آفرین آفرین مهمانان ومیزبانان را بلند ساخت دیدار از کلخوزها و خاصتا کلخوز ((کالینین)) برای من به نوبه خود خاطره انگیز است، نحوه پذیرایی در این کلخوز کاملا به شکل بومی ومحلی در نظر گرفته شده بود واین به‌لطف پذیرایی می افزود. در این دعوت ما پیش از اینکه



هیأت باچند تن از مهمانداران‌در کلخوز کالنین

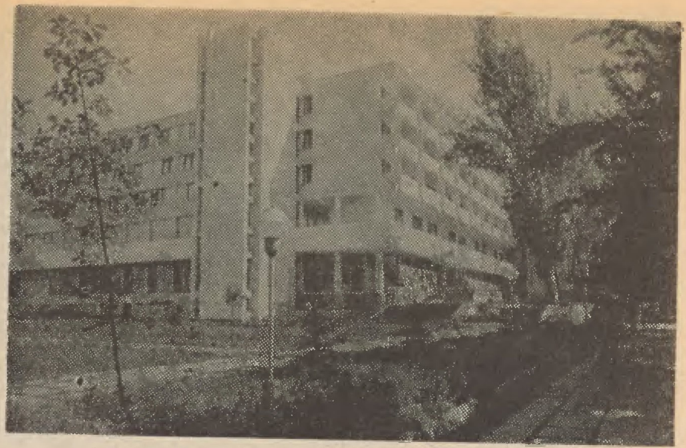
وارد محوطه کلخوز شویم گروهی از هنرمندان ما را در کنار سرك عمومی خوش آمدید گفتند و به هر یك نان و نمك تعارف کردند تا به اصطلاح با آنها نان و نمك شویم و بعد هم در نوبت صرف غذا ، نان با دست خورده شد قبل از غذا با آفتابه و لگن دست ها شسته شد و از قاشق و پنجه خبری‌نبود که لذت صرف طعام را چند برابر می ساخت هم چنین درهمین کلخوز پیش پای ما گوسپند کشته شد که رسمی‌است محلی و برای ادای احترام فراوان برای مهمانانی که بسیار عزیز باشند ــ بعد از این مراسم برای هریك از ما مقداری گوشت کباب شده و گوشت یخنی برای صرف داده شد که برای سیر شدن چند نفر کافی بود و مادر این تصور بودیم که برنامه صرف طعام همین است در حالیکه چند دقیقه بعد مهمانداران ما را برای صرف غذای اصلی دعوت کرد وا گر لطف و صمیمیت خارج از اندازه میزبانان نبود هیچ یك ما را یارای صرف لقمه یی‌نان هم‌نبود، اما در میان خنده و شوخی و لطف و صمیمیت چیزی از آن غذای مفصل باقی نماندومعده‌های‌انباشته، انباشته تر گردید خاطره جالب دیگر در این سفر همراهی و همراه بودن با دوستان ارجمند و دانشمندی چون واصف باختری ، آصف فکرت ، نصر الله حافظ ،ناصر طهوری ، دکتور روان فرهادی، رحیم رفعت و دیگر عزیزان بود که هر یك باتسلطی که در رشته خود داشتند واقعا هیات افغانی را سر بلند ساختند در همین فرصت جای دارد و کالت از اعضای دیگر هیات و به نمایندگی ازهمه که مراموظف این کار ساختند از روبه بسیار دوستانه و صمیمانه رفقای سرگروپ که در رفع مشکلات ما تلاش صمیمانه داشتند شکر گذاری مان را ابراز کنم ، البته در هیات افغانی دوستان دیگری نیز در رفع مشکلات اعضا سهم بارز داشتند و از این جهت که آنان در گروپ های دیگری انجام وظیفه میکردند نامی از ایشان نبردم .

واصف باختری

شاعر نوپرداز و مبتکر معاصر کشور را همه می شناسیم و باشعرشیواوپر معنی‌وی‌آشنایی داریم که چطور گاه کلمات در سروده های وی چند بعد و رخ دارند و مفاهیم فراوان و سمبولیك را در خود جای میدهند ــ او به ارتباط این سفر و خاطره‌هایی که از آن دارد ، میگوید :

ــ من شامل هیاتی بودم که دیدار از شهر فرونز در آغاز پروگرام مشاهداتی شان در نظر گرفته شده بود فرونز همانگونه که قبلا یاد آوری گردید در گذشته «پیشبك» نام داشت و از پیشبك پیش از پیروزی انقلاب اکتبر به

لطفاً ورق بزنید



نمایی از هوتل پیشبك درفرونزه

شکل یك تبعید گاه استفاده میگردید هم چنین این شهر مرکز نگهداری جذامیان بود واز این‌جهت شنیدن نام آن ترس ووا همه را در دل شنونده ایجاد میکرد اما اکنون فرونز یکی از شهرهای مشهور وزیبای شوروی به شمار میاید.

ما در مدت اقامت کوتاه خود در این شهر موفق شدیم از برخی فابریکات، تاسیسات صنعتی، مکاتب، کودکستانها، تلویزیون، اکادمی علوم و موزیم های تاریخ طبیعی و آثار هنری دیدار کنیم.

قرغز ها تا پیش از انقلاب اکتبر مردمی کوچی و چوپان بودند واقتصاد کوچی داشتند و حالا مراکز علمی و فرهنگی فراوان در تمام زمینه های رشد فرهنگ را فراهم آورده‌است.

برای من جالب بود که اکادمی علوم قرغزستان مجال ملاقات با گروهی از دانشمندان این‌اکادمی میسر گردید و تا جایی که یادم است یکی از آنها رساله یی در باره سیبر نتیك ((خود کارشدن دستگاهها)) نوشته بود ودیگری کتابی را در دست چاپ داشت پیرامون ((جامعه شناسی طبقات اجتماعی در نیم قاره‌هند)) واین ها همه مبنی بر این است که اینك قرغز ها در ساحه علوم با پیشرفت های شگفتی انگیز روبرو اند.

ملاقات هایی نیز در همین‌بخش سفر با جمعی از اعضای هیات رئیسه نویسندگان جمهوری‌قرغزستان داشتیم که جالب بود، اما متاسفانه شدیم که در این دیدار ها ((چنگیز آیماتوف)) نویسنده شهیر شوروی به خاطر سفرش به کشور ایتالیا حضور نداشت در گفت و شنود هایی که با نویسندگان قرغز داشتیم سوالاتی را در زمینه های ادبی به طرح آوردیم و پاسخ های قانع کننده شنیدیم و هم چنین معلوماتی جامع در باره ((مناس)) که محتوای آن را اسطوره ها و روایات‌کهنه تشکیل میدهد به ما داده‌شد دیدار ما از شهر ((اوش)) با خاطره های فراوان به همراه است، ما از آثار تاریخی این شهر بازدید کردیم و برای من جالب است که در بازگشت از سفر با مراجعه به کتاب ((حدود‌العالم)) در یافتم که نام این شهر در این کتاب ذکر شده است.

چند روز اخیر سفر ما در شهر تاشکند گذشت و مجال دست داد که با فراغت خاطر از موزه معروف لنین در این شهر دیدار کنیم که در آن آثار با ارزش‌حزب سوسیال دموکرات روسیه، آثار نحوه فعالیت بلشویك ها در سال های پیش از پیروزی انقلاب وآثاری ارزنده دیگر در زمینه های مختلف نگهداری میگردد.

در این شهر هم چنین ما از انستیتوت شرق‌شناسی جمهوری از بکستان شوروی دیدن کردیم که دست نویس های جالب و با ارزش و قدیم ترین نسخ خطی علی شیر نوایی و هم چنین نسخه تاریخی ((زیب تاریخی)) که اثری ارزنده در معرفی تاریخ کشور ما میباشد نگهداری میگردد.

شاید برای شما جالب باشد که در انستیتوت شرق شناسی جمهوری از بکستان شوروی نه تنها در باره تاریخ جمهوری های آسیای میانه تحقیقات گسترده صورت گرفته است بلکه این ریسرچ ها شامل کشور های افغانستان، ایران، پاکستان وهند نیز میگردد که در هر زمینه آثاری با ارزش نیز به چاپ رسیده است.

تعداد زیاد از اکادمیسین ها در این دیدار ها به زبان دری سخن می گفتند که این کار مفاهمه و گفت و شنود را بدون دخالت ترجمان آسان می نمود.

دیدار هایی دیگری ما در شهر تاشکند از اداره روحانی‌مسلمانان قزاقستان و آسیای میانه، مدرسه طلا شیخ و کتابخانه موی مبارك داشتیم که با دیدنی هایی فراوان به همراه بود.

در کتابخانه موی مبارك‌متون بسیار با ارزش و معتبر اسلامی موجود است ویك قرآن دست نویس شده به خط کوفی که از روی قرآن دست نویس دوره عثمان ((رض)) خلیفه سوم تهیه شده است.

قابل یاد آوری است که خاستگاه تعداد زیاد از متفکرین بزرگ آسیای میانه همین‌جمهوری است که در این شمار کافی است از مفتی ضیاء الدین خان ابن ایشان بابا خان نام بگیرم که ازعلمای معاصر است و بر چاپ جدید صحیح بخاری مقدمه نوشته ودر بابت معارف اسلامی آثاری ارزنده دارد.

آنچه در این زمینه باید اضافه کنم این است که از آبدات‌وشهکار های معماری اسلامی آسیای‌میانه بسیار به وجه نیکو پاسداری میگردد و دولت شوروی در حفظ و نگهداری این آثار و آبدات‌هزینه های هنگفت را به مصرف میرسانند.

آنچه مارا در تمام جریان‌این‌سفردور از احساس بیگانگی میداشت این بود که در همه جا در کلخوزها، در موسسات و جاهایی که مورد بازدید ما قرار میگرفت برادران قرغز و ازبك استقبال گرم و برادرانه یی به عمل میاوردند و نمیگذاشتند که احساس دور از وطن بودن بسراغ ماآید.

رفعت حسینی نوپرداز زیبا سرای معاصر که خواننده شعر دوست ژوندون با اشعار زیبا و طرح های شعری وی آشنایی کامل دارد، گفتنی های خودرا این طور به بیان میاورد، که:

ـ با توجه به اینکه این‌نخستین سفر من بودبه کشور شوراها و تاپیش‌از این دانستنی های‌من‌در باره این کشور یا به خوانده های خودم از روی کتب و مقالات خلاصه میگردید و یا آنچه که دوستان سفر کرده می گفتند و به‌میان می آوردند، دیدارم از شوروی همراه با خاطره هاو آشنایی های فراوان در زمینه‌های مختلف است.

مشاهده موسسات صنعتی، علمی و دیدار کلخوز ها هما نگونه که دوستان نیز به آن اشاره کردند همه مؤید پیشرفت های سریع کشور شوروی در ساحه های علمی و تکنالوژی جدید میباشد.

آنچه برای من در این سفر



آتش جاویدانی که دریك پارك‌وسیع وسرسبز فرونزه به‌یاد شهیدان انقلاب روشن است

جا لب تر می نمود مو ضو ع حل کا مل معضله ملیت ها در کشو ر شو را ها بود .

ما در هر جمهوری که از آ ن دیدار دا شتیم با ملیت ها ی مختلف موا جه شد یم که همه چو ن یك بیکر ه وا حد و حتی بدو ن آنکه مو ضو ع ملیت بهر شکل و عنوا ن برا ی شا ن مطرح با شد دو ستانه و برادرا نه در کار ها ی تو لیدی با هم سهم میگر فتند در ایـــن مو ضو ع از نظر من برا ی ما که در جریا ن انقلاب دمو کراتیك در کشور خود قرار دا ریم میتوا نــد سرمشق خو بی درزمیـنه هــا ی عملی به‌حسا ب آید .

بازدید از موزیم ها و نما یشگاه‌ـهای ملی که در آن افزار و آلا ت دوره ها ی مختلف تا ریخ آسیای میا نه و کا ر ها ی د ستی نگهداری میگردد که در مجموع معرف طـرز زند گی مردم شوروی در ادوا ر تا ریخی ا ست برا ی ما جا لـب تو جه بود .

پذیرا یی بسیار نیك ، صمیمانه و دو ستا نه گرو ه مهما ندا را ن در شما ر مطا لبی است که درذهن هر یك از رفقا ا ثرا تی فرا مو ش نشد نی از خود به جای مانده‌است و از آن جمله من از رفیق الما س بیك عضو کمیته مرکزی قرغزستان سر طا ن بیك عضو مسئوول روابط بین المللی وزا ر ت خا رجه و رفیق علی که‌آگا هی فراوا ن دا شت وبه ده زبا ن صحبت میتوا نست یـاد میکنم .

به همین ا سا س هر یك ا ز رفقای ما آرزو دا رند روز ی بتوا‌ـنند مهماندار ایـــن عـــزیز ا ن و دو ستا ن درکشور مان با شنــد و صحبت ها ی آنا ن را جبرا ن سازند.

بـا قیدارد



نمایی ازشهر زیبای فرونزه

اینك ذیلا دوبـــار چه شعری رامی‌خوانید که‌نا صر طهوری دروصف زیبا رویان فرونز گفته‌است :

زیبای فرونز

نسل آدم باپری ،آ میختند
تا که طر ح چو ن تو زیـــبا ریختند
قرغز ستا ن از تو شد رشـــك بهشت
تا ترا در آن، چو حورانگیختند

* * * *

چو ن تو زیبا در جها ن ، کــم‌دید ه ام
کم چو تو در نسل آ دم د ید ه‌ام
در و جود تو کما ل و هـــم‌جما ل :
هر دو را همگون‌و توام دیده ام

* * * *

قر غز ستا ن را تو یی چشم وچرا غ
از تو قلب عا لمی شد داغ‌داغ
هر کجا حا لا رو م ای بهتریـــن !
کی دلم از یاد تو یا بد فرا غ؟

* * * *

قهوه . رشك با ده ا ست ازدست و دل ، خرا ب از نر گس بد مست‌تو
«می» گر ازدستت به‌نوشم،چون‌شود
ای د ل و جا نم ، همه پا بست‌تو !

* * * *

بیتو از این شهر زیبا، چون‌روم؟
بیتو با این قلب شیدا چـو ن‌روم ؟
با منی ، در هر کجا پا مینهم
بیتو ای بهتر زلیلا، چون روم؟

* * * *

ای فروزان مهر د نیای ((فرونز)) !
آفتا ب گر م دنیا ی ((فرونز))
ریختم با جلو ۀ ناز تو من ،
گو هر هستیم ، در پای((فرونز))

زبان‌دلبران

باز هم ، عا لمتبا ها ن‌آمدند
بازهم، مژگان سیا ها ن‌آمـد ند
یك د لو یك شهر خوبا ن،چون‌کنم؟
چون کنم ؟ با دلربایان،چون کنم ؟
گر من این د لرا کنـــم‌صد پا ره باز ،
کی رسد بر هـــر مه واستاره باز ؟
گه ستاره ، گه‌مه و گه‌آفتاب
جلوه در چشمم نماید بی‌حجاب
جلوه گاه ماه و پر و ین‌شد د لم
رنگ از بس دید،رنگین‌شد دلم
رنگ ها اینجا به رنگ‌دیگر است
رنگر نگ این ((قزغز))جا نپرور ا ست
چنگ بر د ل میز ند هررنگ آ ن
شیشۀ جا ن، در ا مـان‌از سنگ آ ن

* * * *

من نمیدا نــم زبـا ن‌دلبران
چــو ن شـو د از دل،زبا نم ترجما ن ؟
رحم بر من ، ای ز بان‌دا نا ن کنید !
مشکل جا نکا ه مــن ،آسا ن کنید
ای زبا ن دا نا ن ! بــه‌فریادم رسید
تر جما نی کرده ، بــردادم رسید
از دل من، آ گه ا ینا ن‌را کنید
آگه از من ، خیل خوبان‌را کنید
ورنه ، چشمم نکته‌دانی‌میکند
از دل من ، تر جما نـی‌میکند
آنچه د ل خوا هد،زبان‌میگو ید آن
هر رهی دل رفت ،چشمم پوید‌آن
چو ن نگه شد بر نگاهی‌آشنا
ترجما نــا ن ! نیســت‌حاجت بر شما ...
من ، یکی خوا هم ازین‌خو با ن که باز
بی نیازم سازد از ایـن‌حرص و آز
یك گره از زلف گیرا ،واکند
بسته با آن ، ایـن دل‌رسوا کند
قید زنجیر جنو ن‌سازدمرا
فا رغ از این چند وچون‌سازد مرا



از یکصد نفر تنها تو معالجه میشوی

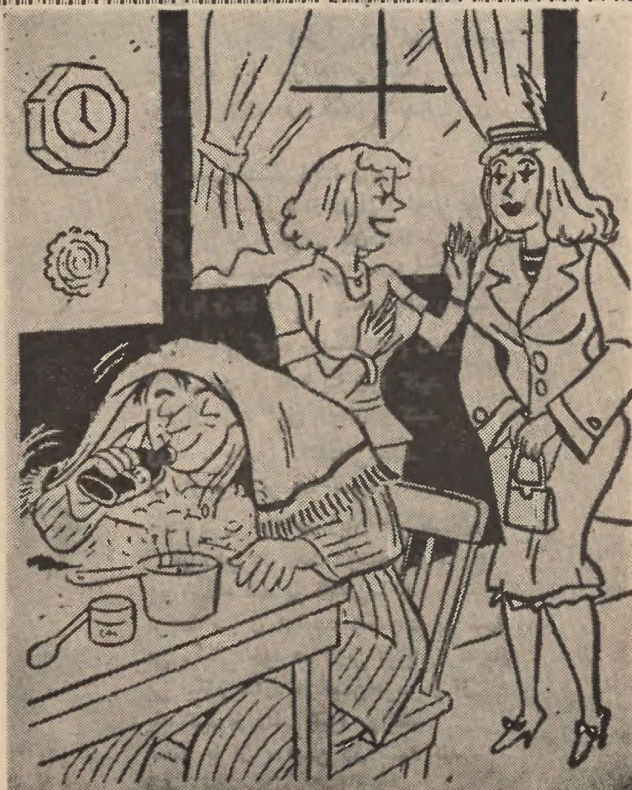
مردی بعلت ناراحتی زیاد بـه شفاخانه رفت و پس از ساعتی انتظار بالاخره نوبتش رسید وبه اطاق داکتر رفت و گفت :

ـ آقای داکتر ... خواهش میکنم بمن راست بگویید آیا معالجه میشوم یانی ؟

ـ شما مطمئناً معالجه میشوید ... زیرا مریضی شما نشان میدهد از هر صد نفری که باین مریضی سرطان مبتلا می شوند یکنفر نجات پیدامیکند .

ـ ولی ازکجا معلوم که آن یکنفر من باشم .

ـ مطمئناً شما هستید . زیرا تااکنون من نودونه نفر را تحت معالجه قرار دادم و همه از بین رفتند وچون شما صدمین مریضی هستید قاعدتاً باید معالجـه شوید !



زن ـ بلی خواهر جان داکتر درباره شوهرم دستور داده کـه روز سه بار غذا صرف نماید !!

پسر دلال

معلم از شاگردی پرسید :

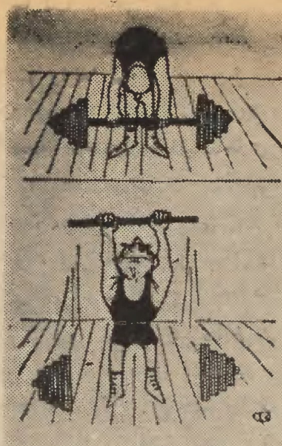
ـ من چهار متر پارچه دارم که قیمت هر متر آن دو صد افغانی است ، تو برای خرید آنها چقدر بمن پول میدهی ؟

شاگرد گفت ، هفتصد افغانی .

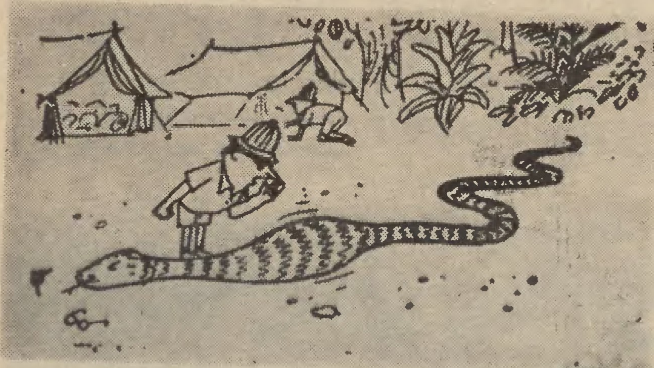
معلم گفت : برو بنشین ، نمره ات صفر است .

شاگرد ، که پدرش دلال بود ، موقع رفتن آهسته در گوشـــ رفقایش گفت :

ـ هر کس یك افغانی زیاد تـــر بگوید ، از نزد من لت خواهـــد خورد .



بدون شرح



مرد ـ عزیز ... جانب راحت است یانی ؟

معلوم دار در خانه پدرم می بودم

بین زن وشوهری درباره ازدواج دختر شان اختلاف بود ... مرد با اصرار تمام می گفت :

ـ به بین عزیزم ... بنظر مـن دختر ما باید با مرد ایده ال خـود ازدواج کند :

زن با عصبانیت حرف او را قطع کرد و گفت :

ـ این حرف صحیح نیست .

زن سری تکان داد و گفت :

اگر منهم میخواستم با مید مرد ایده آل خود بنشینم حالا معلومدار در خانه پدرم می بودم . . .

علت معلوم است

ـ راستی بنظر تو چرا قیمت تخم مرغ گران شده ؟

ـ علتش گرانی قیمت مرغ است

ـ خوب سپس چرا مرغ گران شده ؟

ـ برای اینکه تخم مرغ گران شده !



بدون شرح



چقدر ماهی واز کدام نوع آن‌میخواهید

پیشخدمت هوشیار

پیشخد مت جدیدکه تاز ه‌استخدام شده بود ، با نارا حتی نزد خا نم آمد و گفت :

ـخانم .... متاسفا نه با یدبرای تان بگو یم که من نمیتوا نم در بین این خا نه شما بما نم !

خانم با حیر ت پرسید :
چرا .... برا ی چه من تما م کلید ها را برایت داد ه ام !
پیشخدمت جوابداد .



بدون شرح

بلی ... این را میدا نم .... ولـی نگفتین کدام یکی از این کلید ها به صندوق خواهر تان میخورد !!

در دیوانه خانه

خانم زیبا یی که برا ی باز دید شفاخا نه رفته بود ، در حین‌دلجویی از مر یضا ن ، ناگها ن رو به نفر مو ظف شفاخا نه کرد و گفت :

ـاو ه .... بسیار تر سید م ... این زنی که حالا از پیشس او ردشدم چه نگا ه و حشتنا کی بما میکرد ... آیا آن بسیار خطر ناك است !

نفر مو ظف شفاخا نه که می خواست از جوا ب شا نه خا لی کند گفت :

ـبلی ... البته گاهی از وقتها!
خو ب سپس برا ی چه او را آزاد گذشته اید ؟

ـبرای اینکه او در اختیار مـــن نیسس !

ـچطور ... مگر آن در ایـــــن شفاخا نه زیر نظر شما نیست !

ـنی .... آن در شفاخا نه زیر نظر من نیسس .... آخر آن همسر من است !!

در تیاتر

او لین شبی بود که یك‌نمایشنامه‌را نمایش میداد ند و از هما ن اول معلو م بود که چندا ن تعریفی نداردچو ن تما شاگرا ن ، او ل بنا ی (غرغر) و اعترا ض را گذشته بودندو بعد هم کار این اعترا ض‌بجا یی رسید که بطو ر دستجمعی از جا بلندشدند و راه در خروجـــی را پیش گرفتند .

در همین وقت بود که یکی ازباز یگرا ن رو ی صحنه ظا هر شد و بلند فر یاد زد : صبر کنیـــد ،صبر کنید .

وقتی تماشا گرا ن بر گشتند ،او خطا ب باآنها گفت :

ـتو جه کنید ، آهسته آهسته‌بروید بیرو ن‌در نکنید) اول خانمها بعد بچه ها ی کو چك را اجاز ه‌بیرون شد ن بد هید کـه ز یـــر پا نشو ند .

بمن چه

ازبهتر ین «بمن چه» ها یی کـــه شده یکی آن هم مربو ط به شخصی است که روز را تاشا م بسیار کار می کند و زحمت می کشد و ناچا ر شب که میشود در ست مثل‌مرد ه‌ها در رختخوا ب میا فتد و تا صبح ، تکا ن هم نمیخور د ... یك شـــب که این آقا غر ق خوا ب بود ، زنش او را صدا زد و گفت :

ـمن میتر سم .. مثل اینکه در اطاق یك موش است !

آن مرد که سخت نارا حت شد ه بود با لحن خوا ب آلود گفت :

ـزن حسا بی بمن چه ؟ مگرخیال میکنی که من پشك ام ؟!



وقتیکه زن سر شوهر خودبدگمان باشد



چقدر خوب است که‌زن سفر کندوانسان هیچ مسوولیتی نـدا شته باشد

بهزاد، مشعل فروزان وچراغ درخشان هنر میناتوری

از: مرویزه

در تاریخ تمدن ملل غرب قرن چهاردهم تاشانزده میلادی رادوره (رنسانس) مینامند یعنی‌از یکطرف صنایع قدیم ومتروك شده از نوزنده گشته است و از سوی دیگر صنایع نوظهور مستظرفه به منتهای جمال و کمال خود رسیده، شهر فلورانس روم را مهد صنعت و مرکز ارباب قلم و هنر قرار داده‌نوابغی مانند لیونارددا ونچی و رافایل، البردورد و میکل‌آنژ وغیره بروی کار آورد، در آن عهد و زمان هرات عزیز نیز از ین‌صنعت نفیس محروم نبوده واین مشعل فروزان‌و چراغ درخشان را بکف داشته نقاط‌بعیدی را بنور خود روشن نموده است یعنی در همان قرن وروزگاری که آفتاب صنایع مستظرفه در وسط آسمان اروپا رسیده بدر و دیوار غرب تابش می نمود دردور دسترین منطقه وطن عزیز یعنی (هرات‌نقاشی، خطاطی، معماری، دورهٔ ترقی و شکوه خود را سیر می بخشید و شهر هرات راهمسر و رقیب یگانه فلورانس قرار داده بوستان پر نقش و نگار آسیا معرفی میکرد. بطوریکه تا آن زمان هیچ شهری از شهر های مشرق زمین آنمقام را احراز نکرده و در هیچ عهدی پایهٔ صنعت از آن بالاتر نرفته‌و خوش نویسان‌ونقاشان باین حد طرف تشویق واحترام نبودند. درسال ۱٤۱۹ م مطابق ۸۲۲ ه شاهرخ مرزا نقاش معروف غیاث الدین خلیل را به سفارت نزد خاقان چین دای منیع که از خاندان منیع است میفرستد و دوره منیع هادر چین بهترین دوره صنایع است. در اثر همین تشویقات روزافزون میدان وسیعی برای صنعت گران هنر ور باز گردید و اکادمی برای صنایع مستظرفه تاسیس یافت. درین اکادمی چهل نفر نقاش وخوش نویس مستخدم بوده یك نوع سنگر مدافعه در مقابل نفوذ روز افزون صنعت چینی تشکیل میدادند در تحت نفوذ این نگارستان در هندوستان نگارستان هند که‌تخم آن بدستیاری غزنویان کاشته شده بود بدرجه تکمیل‌رسیدو شاهکار های مانند تاج محل و غیره بوجود آمد در همین عهد است که کمال الدین بهزاد نقاش معروف و صنعت کار بزرگ مانند ستاره درخشان در آسمان هرات طلوع نموده.و تا دور دست ترین نقاط شهر تشش طنین افگند.

در همان موقعی که در اورپا لیونارددا ونچی ها، رافایلهابرای افتتاح دوره‌تجددد رصنایع مستظرفه سحر و جادو میکردند .بهزاد در هرات سکه تجدد رابنام خود زده اسلوب نقاشی اروپا راباآسیاامتزاج داده،این‌فن نفیس رابدرجه کمال رسانید. پس بی منا سبت نخواهد بود که یادی ازین استاد ارجمند نموده و این صنعت کار بزرگ را به هموطنان عزیز معرفی نماییم.

کمال الدین بهزاد:

بهزاد از اهالی شهر هرات‌بوده و کمال الدین لقب داشته است. از قرار معلوم درسال ۱٤٤۰ میلادی تولد یافته و بعد از مدتی بخدمت سلطان حسین بایقرا آمده یگانه حامی و مشوق بهزاد وزیر وشاعر معروف میر علی شیر نوایی بوده است. بهزاد با شاعر بزرگ وعارف مشهور قرن نهم هجری حضرت مولانا جامی دوستی و رفاقت داشته است. بهزاد یك اکادمی نقاشی در شهر هرات بر روی کار آورد و یك سلسله از استادان‌نامور با او همراه بوده به منتهای سعی و جدیت مشغول کار بودند در همان ایام ستاره سعادت و اقبال وی درخشان و بعد ها شاه اسمعیل صفوی او را بهمراهی خودبتبریز برده است اولین کتاب و نزدیکترین تاریخی که در آن ذکر از بهزاد رفته و در عین حال معاصر با خوداوست حبیب السیر مؤلف آخوند میراست که در جلد سوم کتاب، صفحه ۳۵۰ طبع بمبئی در حق بهزاد چنین مینویسد «استاد کمال الدین‌بهزاد مظهر بدایع صور است و مظهر نوادر هنرقلم‌اش ناسخ‌آثارمصوران عالم... تصویرات هنر ورا ن بنی آدم بست.موی قلمش زاو استادی جان داده بصورت جمادی ،و جناب استاد به یمن تربیت و حسن‌رعایت امیر نظام الدین علیشیر باین‌مرتبه ترقی نمود و حضرت خاقان منصور را نیز با آنجناب التفات و عنایت بسیار بود و حالا نیز آن نادرالعصر صافی اعتقاد منظور نظر مرحمت سلاطین نام است و مشمول عاطفت بی نهایت حکام اسلام بی شبهه همیشه آنچنین خواهد بود. سایر کتب مرقومه نیزبه‌تعریف وتوصیف قلم معجز رقم بهزاد و نگار خانه او که رشك ارژنگ مانی و نگارستان چین است پرداخته اند و از تمام اینهمه استعارات انبوه وتشبیهات خوشرنگ و چین و شکن های الفاظ و عبارت رنگی اینقدر معلوم میشود که در سلطنت سلطان‌حسین بایقرا (۹۱۱) واوایل سلطنت شاه طهماسب اولوی در حیات بوده است و در عهد شاه اسمعیل اول (۹۰٦ ـ ۹۳۰) وی رئیس کتابخانه پادشاه مذکور بوده است.

بهزاد در عهد سلطان حسین در شهر هرات میزیست و پس از ظهور صفویه سر آمد آن هنر بایران آمده و مظهر عنایت شاه اسماعیل شده و شاه طهماسب اول هم‌پیش وی شاگردی کرده است و در هر صورت تاسنه ۱۵۱٤ میلادی در قید حیات بوده است. اما تاریخ روزگار جوانی‌و پیری و مدت فعالیت بهزاد را از موسیو بلوشه کتبادار کتابخانه ملی پاریس در کتاب «نسخه های خطی شرق» چنین می نویسد:

که مدت فعالیت بهزاد از سنه ۸۷۰ تا ۹۳۲ هجری بوده است.

بهزاد وعقاید فرنگیها:

هنر نمایی های بهزاد باقریحهٔ سرشار اوکه‌ازآثار جهان قیمتشس پدیدار است عده از مستشرقین معروف‌را وادار نمود که گنجینه‌حیات خود را برای زنده کردن نام و مقام آن استاد بزرگ نثار نمایند چنانچه دکتور کنل آلمانی کتابی بنام میناتور های ملل اسلامی‌در شرق تالیف نمود و زحمت بسیار کشید تا بهزاد و کارستانهای او را به هموطنان خود معرفی نماید هورت (معلم دری در مدرسه‌السنه‌شرقی‌پاریس) کولکسیونی بنام بهزاد و آثار او ترتیب وتدوین نمود. بلوشه کتابدار کتابخانه ملی پاریس در کتاب خود موسوم به (نقاشیهای نسخه های خطی شرقی) شرحی در وصف بهزاد نوشت. مستشرق معروف فلیب والترشولز آثار منتخبه بهزاد را بانگرش محققانه ارزیابی کرد و پیرامون او و معاصرینش کتابی نگاشت.

مارتین فرانسوی کاملترین و مبسوط ترین کتابی که به بهزاد نزدیك است و حاوی جمیع صور و نقوش و آثار دستی او ست فراهم نمود که تقریباً نصف حیات بهزاد را همین کتاب‌روشن‌نموده‌و اطلاعات گرانبهای داده است. مارتین عقیده خود را نسبت به بهزاد چنین نگاشته است «با اینکه کمال الدین بهزاد دریك محیط دیگر زیسته است ،باز مقام او از مقام نقاشهای معروف فرنگ مانند فوکه و مملینك و غیره کمتر نمی باشد. استاد بهزاد که تقریباً در ۱۵۲۵ وفات یافته در مملکت خود در نزد پادشاه وقت مورد لطف و تحسین گردیده است چنانچه رافایل در روم از طرف ایتالیا مورد حرمت و ستایشس واقع شده بود ، بهزاد نیز در وطن خود محبوب القلوب بوده ودر روز وفاتش حزن‌و تاثر صعت شناسان

ملت بدر جه بود ه که نظیر ش کمتر
دید ه شده است . تصو یر ها ی
خطی بهزاد را در پهلو ی تصو یر
های فو شه که در شا نتلی است و
تصویر های کریمان که در وینـز
و یا در پهلو ی نسخه خطی مشهور
رو نه دانژو که در کتا بخا نــــه
امپــر اطوری ویــــن است میتوان
گذاشت . آثار استادان فرنگــــك
ممکن است برای ماخوشتر وباقیمت
تر باشند بدین جهت است که‌ادراك
مو ضو ع و مفهو م آنها برا ی دما غ
ما آسا ن ترو طرز نقشه و نگارش
آنها با احساسا ت قلمی ما موا فق
و نزدیکتر است و گر نه از نقطه نظر
صنعت کار ی صر ف و از نقطه نظر
تزئین و امتزا ج رنگ ها ی بی
نظیر است .»

آثار بهزاد :

با آنکه استاد کمال الدین بهزاد
دريك محل باروح آزاد و خاطرآرام
مقیم نبود ه و چندین بار از هرا ت
به تبر یز و از تبر یز به اصفها ن
مسا فر ت نمود ه در انقلا با ت و
شورشهای داخلی گاهــــی ضمیمه
لشکر کشیها و گا هی ملتز م رکا ب
سلطا ن بود ه است رو یهم هرگا هی
که فر صتی جسته از وقت استفاد ه
نموده آثار گرانبهای از خود بیـــاد
گار گذاشته است آرا م ترین و در
در خشند ه ترین روز ها ی زندگانی
این مصور زبر دست هرات همـــان
ایا میست که در عهد سلطان‌حسین
بایقرا با خاطر آرا م در شهر هرا ت
میز یست از یکطر ف سر پرستی
ریاست کتا بخانه سلطنتی را مینمود
و ازسو ی دیگر ادار ه اکا دمـــی
صنایع ظریفه هرات را پرو فیســـور
مارتین میگو ید . جای بسیار تاسف
است که بهزاد طرز و اسلو ی را که
در نقاشی های درو دیوار قصـــر
سلطا ن هرا ت بکار برد ه بود بعد ها
تعقیب نکرد ورنه هیچکدام‌از استادان
ایتا لیا یی درتزئین و نقاشی قصر
و اتیکا ن روم حتی را فایل و به نوز
و گوز ولی بقدر نقا شیها ی قصر
سلطا ن هرا ت که از طر ف استاد
بهزاد بعمل آمد در فن دیکور یشن
(تزئین) هنر نشا ن نداد ده اند .
پس آثار قلمی و مینا تور ها ی‌بهزاد
که تمام موزیم های عالم‌وکتابخا نه
های سلطنتی شر ق و غر ب بدآ نها
غنی وتوانگر است قسمت مهـم‌آن
محصو ل زند گا نی حوزه زند گی
بخشش هرات است . زیرا مرقعات و
کتاب هاییکه نقشش بهزاد را بخو د
دیده اند حتما صنعت خوش نو یسی
خطاطا ن هرات از قبیل سلطا ن علی
و سلطا ن محمد خندا ن و محمد ابن
اعطا ر بانها همرا ه و توا م بود ه
است علاوه براین محکم‌ترین د لیل
و قو ی ترین برها نی که برا ی‌اثبات
نظر خود در دست داریم هما نــــا
تاریخ های تصو یر و محل او تسا م
آن است که در پایا ن مر قعا ت خطی
و گوشه لوح های مصوره منقو شــه
آن‌عهد مر قو م است مثلا هما یو ن
تپه قصر نمکدا ن کاخ هر ی قصر
لاجورد برج فیروزه باغ بهشت چهل
استو ن وغیره . مر قعا ت فو ق
تما ماً در موزیم افغانستا ن که از
کتا بخا نه سلطنتی امیر حبیب الله
خا ن و نائب السلطنه و غیر ه فراهم
شده بود مو جود ولی متا سفا نه
که در اثر شور ش و اغتشاش‌خانمان
سوز چند ما هه داخلی تماماً بر باد
و تلف گردید علاوه بر آن آثار ذیل
نیز یاد گار شهکار ی های بهزاد
و محصو ل نقا شیها ی‌آنو قته هرات
در موزیم کابل موجود بود .
سلامان و ابسا ل مو لانا جا می
که از طر ف سلطا ن علی خو شنو-
یسی استنسا خ و نقاشی ها ی آن
بدست خود استاد بهزاد با مینا تور
های متن وز رنگار یها ی حوا شی
کتا ب صورت گر فته است چو ن
استاد مذکو ر با حضر ت مولا نا
جا می دوستی و رابطه تا می داشت
بنا بر آن در این اثر نفیس شا عر
بطور دلخواه اظهار هنر نموده وياد
گار بحضر تشس سپرد ه است .
مر قعا ت یا بهار ستان بهزاد
که مجا لس‌سلطان هرا ت رابصورت
های گو ناگو ن و میناتور های‌قشنگ
ترسیم نموده و از آن‌گنجینه‌گرانبها
چهل مرقع آن که یکطرف آن کارها ی
نفیس بهزاد و طر ف دیگرا ن‌صنعت
خطا طی و خوش نو یسی خطاطا ن
معرو ف آن دوره را شا مل بود در
جمله کتا بها ی نائب السطنه موجود
و اخیرا بدست موسیو فو شــــه
فرانسوی آ مده یادگار بموزیم لور
پاریس هدیه نمود
باقی آثار بهزاد تما ماً صا حب‌کتاب
سر آمدا ن هنر در مجمو عه خو د
قید نموده است چون‌کتاب‌مذکوراز
نظر صنعت شناسا ن قیمت بسزا
داشته علاو ه بر آن در دسترس‌عامه
قرار نگر فته است بنا بر آن تما م
آثار ذیل را که منسوب بــــــه
استاد بهزاد از رو ی تحقیقا ت‌خویش
میدا ند از آنجا نقل مینما ییم :
نخستین آثار بد یعه بهزاد صورت
های‌کتاب‌سفر نامه تیمور میباشد کـه
بخط شرف الدین یزدی برشته تحریر
کشید ه شده است . این کتـــا ب
ظر یف‌در تاریخ ۱۴۵۳ میلا د ی‌انجام
یافته است . بعضی از مور خین را
عقید ه بر آنست که این کتا ب برای
مزار ابرا هیم سلطان نوشته شــده
استو بر خی از تاریخ نگارا ن را
ظن قو ی بر آن است که این کتا ب
همان کتا ب اکبر نا مه میباشد که
مال کتابخا نه شا هی هما یو ن‌پسر
بابر شاه مغو ل بود و از طر ف
سلطا ن علی استنسا خ شد ه وبهزاد
نیز نقش و تذ هیبش کرد ه است .
این کتاب‌در ۱۵۳۰ میلادی ازطرف
لشکر گجرا ت به یغما رفته بعد از
طر ف سلطا ن اکبر گرفته شده و در
۱۵۵۶ بوا سطه نادر شا ه بایرا ن
رفته و بدست سلاله قاجار رسیـده
است . در حاشیه کتا ب مهر ها
نشا ن مید هند که این کتا ب از
کتابخانه دولتی در آمده و مــــدت
مدید در کتا بخا نه مغو ل هند ی
مانده و بالاخره بدست سلالــه قا -
جار رسید ه است . در خصو ص
قیمت این اثر نادر متخصصین فر نگ
مینو یسد که با قیمت ترین کتابهای
دنیا بوده است .
يك اثر دیگر بهزاد بنام باغ‌بهشت
هرات بسیار لایق تمجید اســـتو
بخصو ص سر ستو ن ها که بــا
تر تیب استلا کتیت کشیــــد ه و
حاشیه ای که در دور ه گنبد کشید ه
سزا وار همه گونه تعریف و تحسین
است چه بهزاد در معماری نیــز
مهار ت داشته چنا نکه قدر ت خود
را در این فن میناتور یکه باســـم
مسجد سمر قند کشید ه بخر چ داده
است . برا ی شنا ختن طر زمعماری
در زما ن وی این اثر نمونه خوبی
میتواند بود . دیگر بعضی نقشهای
آجر و مرمر و کاشی تصو یر کرده
که یگا ن ، یگـــا ن سزاوارمدح و
تحسین است . يك جلد کتــا ب
خمسه امیر خسرو دهلو ی که در
۱۹۴۶ نوشته شده دارای سی وسه
میناتور میباشد که‌از کار های بهزاد
است و نیز در شهر نیو یــورك در
موزه مترو پول يك جلد بوستــــان
سعدی است که میناتور های آن‌نیزاز
کار ها ی بهزاد است . در مـــوزه
بر تشس لند ن و در استا نبو ل در
سرای بلد زنير از آثار بدیعه بهزاد
موجود است چنا نکه در استا نبول
ارمـــــناك به يك عضـــو وزار ت
اوقاف کتابچه بنام آثار بهـــزاد د
زبان فرانسه نوشته و شر حی‌درین
خصو ص داده است تصو یر ضحا ك
یکی از شهکار یهای بهزاد شمرده
میشود . در وا قع لو حه ضحا ك به
تماشا کنندگا ن تاثیر فوق‌العاد ه می
بخشد مثل این است که تماشا کننـد-
گان را با نتقا م نیاکا ن خود که
آغشته‌به‌خون‌شمشیر ظلم‌واستبداد
او بود ه اند تهیج و تشو یق میکند
در تاریخ ۱۵۳۷ یکنفر کا ظم نام ا
آثار بد یعه صنعتکارا ن معـــرو ف
مر قعی جمع آور ی کرده و به شا ه
طهما سب تقدیم نمود ه و ایـــــن
تصو یر ضحا ك نیز در میا ن آنهـــا
بوده است . قدیم ترین و معرو ف
ترین اثر بهزادمر قع تاریخ‌تیموراست
که در ۱۴۸۷ به اتمام پیو سته است
این مرقع دارای صفحه ها میباشـــد
که هر دو طرف‌آنها نقشی و طلاکاری
شده و هیچ نوشته ندارد . این آثار
بدیعه خوبی است برا ی شنا ختن
استعداد فطر ی بهزاد .
استاد مذکور در اکثر آثار ابدا-
زند ه خود تمام خصا یف را باتصویر
پر کرده و جای خیلی کمی برا ی
نوشته خا لی گذاشته است . کار
دستی بهزاد غیر ازین ها صور ت
های يك نسخه از بو ستا ن سعد ی
است . که در ۱۴۸۷ نوشته شد ،
ودر موزه قا هره مصر مو جـــو-
است ولی بد بختا نه از اورا ق این
اثر بدیع قدر ی ناقص است . د-
کتابخا نه ملی بر لین نیز ۳۳ پارچه
مینا تور های نگار خا نه بهـــزا-
موجود است واین میناتو ر ها را
دريك نسخه دیوا ن امیر خسر و که
۱۴۹۶ نو شته شده کشید ه است
وبعید نیست که چند پارچه ازآنها
کار دستی خود بهزاد باشد . یکی
از شاهکار های بهزاد تصو یـــــر
شخص سلطا ن حسین مرزا میباشد
که این تصو یر و قتی در جزو کو-
لکسیو ن مار تین بوده است . و
صور ت يك شهزاد ه که در حا ل
اسار ت نقا شی شده است نیز از
کار ها ی بهزاد میباشد يك نسخه
بسیارقشنگی که‌در ۱۵۱۱ در شهر
هرات برای کتابخانه سلطان حسین
بایقرا که شش سال پیش ازانجام
یافتن همان کتاب در ۱۵۰۵ وفا ت
یافته استنساخ شده است که حالا در
کتابخانه موزه بریتش لندن موجود
بقیه‌در صفحه ۵۸



سرگرمی ها و مسابقات

جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱ـ از سبز یجا تیکه در سر خودگل دارد ـ خو ب ـ بد ستآوردن مطلو ب ـ تر سو .

۲ـ اسپ دارد ـ طر ف بیرونی‌سقف خا نه ـ بعد از او ل ـملایم.

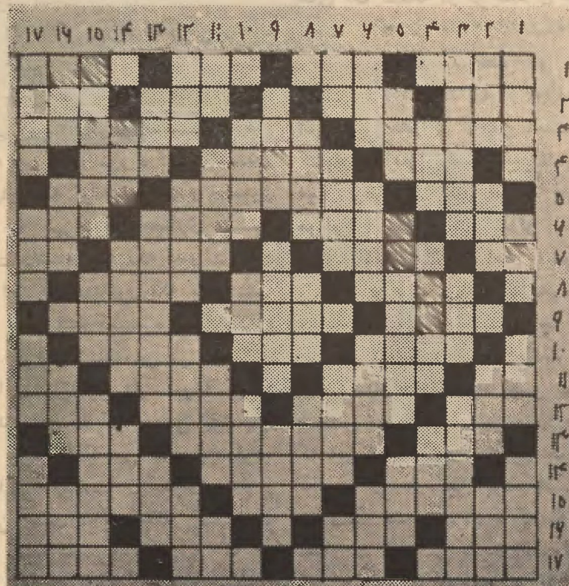
۳ـ از آلات مخـا بره ـ ر هبـرکا تو لیـك هاـ مجلهٔ محبوب‌کشور.

٤ـ پو ل‌کا غذ ی ـاز کشو رهای بلاك شرق ـ دارو .

٥ـآتش پشتو ـ مرد بی زن ـرو شنی به پشتو .

٦ـ شا دا ب ـ صدراعظم ز نـتر س و بیم ـ از افزار قلبه .

۷ـ شاه کو تاه ـ هم نشین ـمر کز یکی از ولایا ت شما لـی کشور ما ـ از غله جا ت شبیـه‌گند م .



۸ـ خا نم ها بسر می اندازند ـسبب ـ گروی .

۹ـ متهم درپشتو ـ تبعهٔ‌افغانستان‌ـاصل نیست .

۱۰ـ منور ـ معکوس آن بمعنی‌پیش ا ست ـ گر م ـ سو زا ن

۱۱ـ صنم ـ ملایمی ـ شیر ین‌است ـ صور ت .

۱۲ ـ حبا لهـ کسی کـه بـه‌آنچـه قسمت و بهـره ا ش شده راضی باشد.

۱۳ـ از افزار معمار ـ ا سمـی است که در راه خدا قربانی شد مـ یکی از رنگهای بیرق ما.

١٤ـآرامی ـ تحا یف ـ قسمت خا رجی سا ختما ن .

١٥ـ نما ینده انگلیس در زمان جنگ افغان ـانگلیس ـ معکو س‌آن کیسهٔ که در آن ا سبا ب خیا طـی میگذا رند ـ مختر ع بر ق

١٦ـ بزرگ به پشتو ـ حا لا به پشتو ـ فرو بردن غـذا به حلق‌ـ او لین پا د شاه آریا ئی .

١٧ـ از شیر درست می کننـد ـ بشکل تر بوز ا ما تر بوز نیست ـ گنا هـ ا کثر مسا جد دارد .

عمودی:

۱ـ دنیا ـ غضب‌ـتکری‌ـمعکوس آن منسوب به فلم ا ست .

۲ـ کسی که زبا نش می گیرد‌ـ از افزار نجاری ـرفیق سو ز ن ـ بیچاره نمی بیند .

۳ـ از جلسا ت کمیتهٔ مر کز ی ح‌ـد‌ـخ‌ـا ـ چپاو ل ـ دیو ا نـه ها .

٤ـ چهار به زبان بیگانـه ـ از خلفا ی دو رهٔ عباسی ـ مرغ افسا‌ـ نو ی ـ

٥ـ کفش ـ قبل از تمد ن غر ب وجود دا شت ـ معکو س آ ن‌رقص ملی ما ست

٦ـهر روز می خوریم‌ـ برای هر اولاد عزیز ا ست ـ یکی ازفرایض در ا سلام به املای غلط ـ تیز ی سر چیزی ،

۷ـ اند ك ـ بر ق ـ از روز های هفته ـ بند .

۸ـخو شبو ئی که زنا ن بـه صورت خود می ما لند ـ بخشش ـ در عید برای خورد سا لان مید هند.

۹ـ درد دا شتن ـ غو غا‌ـکیفیت.

۱۰ـپنج ا نگشت د ست یا پا ـ کلاه جوا هر نشا ن پا د شاها نـ نها یت .

۱۱ـ د ست ـ در آ ن آب جریان دارد‌ـ ضد پائین ـ دراصطـلاح جغرا فیا آنرا قاره نیز می گو یند.

۱۲ـ جا ی مخصوص‌درستادیوم‌ـ منشی ـناحیه ـ درد .

۱۳ـ از آن تقلید می کنند‌ـ گناه کاری ـ معکو س آ ن پا یتخت یـك کشور عر بی .

١٤ـ رو شنی ـ کنار چیزی ـ بلند ، عا لی .

١٥ـ محبو س ـمعکو س آ ن‌خو‌ـ ش‌بزبان خارجی ـرودی در پښتو‌ـ نستا ن .

١٦ـبر ید ن گیاه ها با دا س ـ بلند ی ـرا ز نهفته ـ معکو س آن در یا ئی در شما ل کشور ما

١٧ـ جمع دا من در پشتو ـ یکی از و لایا ت کشور ـ میو ه ا یکـه خشك آ نرا باچار مغز نیـز مـی خوریم‌ـ میوهٔ معروف قندهار .

این مرد کیست ؟



این شخصیت‌که‌در سا ل۱۷۱۳در ناحیه لانگر فرانسه قد م بعر صه و جود نها د و پس‌ازتکمیل‌تحصیلات خود چنان شو ق و علا قه ای بـه کسب علوم مختلف در خود یا فت که برای‌بیشتر دا نستن و بهتر ا ند‌ـ یشید ن بهر وسیله د ست زد واز هر خر منی خو شه ا ی چید تا اینکه فر هنگ لغا ت را برا ی او لین بار نو شت حا لا شما ا سم او را برای مابنو یسید.

مر بو ط کدا م دا ستا ن ؟

به این تا بلو خو ب متو جه‌شوید این تا بلو مر بو ط یکی از دا ستا ن های مشهور ترین نو یسند ه غر ب است ا مید ا ست که تنها ا سم نو یسنده و ا سم دا ستا ن را با کشور ی که او در آن ز ند گی میکرد برای مابنویسید.



مسئو ل کیست ؟

ـ خوا نند گا ن نها یت گر ا می ما یك صحنه را كه در ذیل ا ست چا پ نمو دیم خو ب میدا نید که حیو ا نا ت مهم تر ین عا مل انتقا ل امرا ض میبا شد در ین عکس سگی را مشا هده میکنید که روی طفلی را می لیسد خو ب مسوول این چنین کار رابرای ما بنویسید که با عکس شما یکجا چاپ مینمائیم .



ا	ذ	ر	گ	ش	س	ب	ن	و	ش	ی	ر	و	ا	ن
ب	ل	ظ	ه	ی	ر	ف	ا	ر	ی	ا	ب	ی	ر	ک
و	د	ر	ت	د	ر	ی	ه	ج	ر	ف	ی	ل	ی	ل
خ	و	ا	ل	ق	ر	ن	ی	ن	م	د	ک	د	ز	م
ر	د	م	ه	ج	ی	د	خ	ش	ی	ش	ا	د	ع	ل
خ	ی	و	ر	س	ح	س	ب	ک	ت	ک	ی	ن	ل	ا
ف	ش	ی	ی	ا	ط	م	ت	ا	ح	ا	س	د	ا	م
ا	ر	ح	ر	ه	خ	ا	م	ن	ش	ا	ح	ز	د	ا
ا	ل	م	ه	ن	ا	ل	س	ر	ا	ب	ل	ا	ب	ظ
ی	ا	ب	و	ن	ص	ر	ف	ا	ر	ا	ب	ی	ع	ن
ی	ن	ا	ب	ل	ا	ط	و	ب	ا	ص	ا	د	ن	ه
ح	و	م	ا	د	ح	ا	ل	د	و	ل	س	ن	ب	ج
ا	ر	س	ا	ن	د	ق	و	ی	ا	ت	ک	ف	ر	ا
ف	ا	ا	ر	ا	ی	ز	ا	م	م	ب	م	س	م	و
ط	ه	د	د	ا	ر	ز	ن	گ	ق	ط	ه	ا	ع	خ

جدول جدید؟

این بار یك جدو ل جدید را برای تا ن چا پ نمود یم این جدو ل خود ش خا نه پوری شده ا ست‌ـو درین جدو ل .از اسما ی تاریخی استفاده گردید ه ا ست و قتیکه‌طبق شرا یط ذیل به حل آ ن مو فق‌شدید کلما تی را که‌دربین جدول با قی ماند برا ی ما ار سا ل دا رید .

۱ـدرهر ستون افقی وعمو د ی این جدو ل یك کلمه یا ا سم خا ص گنجا نید ه شد ه ا ست شما بکو شید آنها را در بین جدو ل‌پیدا نمود ه و آن کلمه را خط بز نید

۲ـبرای اینکه در حل جدو ل‌زود ترموفق شوید او لا از کلما ت بز رگ تر شرو ع نما ئید .

۳ـ زمانیکه همه کلما ت (در آخر داده شده) را از جدول خط زدید متو جه میشو ید که در اطراف و نو ا حی چند ین حرو ف پرا گنده اضافه میماند حرو ف اضا فه را برای ما ار سا ل دا رید .

٤ـ کلما ت جدو ل طوری درخود جدول گنجانیده شده‌است که میتوا‌نید خود کلمه را ازچپ براست و از را ست بچپ از با لا به پا ئین واز پا ئین بطر ف بالا و هم ازیك راس بطرف دیگر راس جدول پیدا کنید.

٥ـ اگر کلمه ای در لست پائین داده شد ه ا ست با یك ستا ر ه نشا نی شده ا ست آ ن کلمه در جدو ل تکرار شده است

٦ـ شا ید یك حر ف در مسیر چند ین کلمه قرار دا شته با شد‌ـ

این هم‌لست که در جدول گنجا‌نید ه شده است .

« آ » آلب ارسلان ـ آذرگشسب

((ا)) ا بو نصر فا رابی‌ـارژنگ‌ـ ابا صلت ـ ارد ـ ا سفند یا ر ـ ابو ذر غفاری ـ ا بو طا لب ـ ابو‌ـ هر یره

((ب)) با مشاد

((ج)) جمشید

((ح)) حا فظ ـ حا تم طایی

((خ)) خد یجه ـ خوا جه‌نظا م‌ـ الملك ـ خسرو

((د)) د جا ل

((ذ)) ذو لقر نین ـ

((ر)) رو دا به ـ ردا ن

«س» سبکتیگن ـ سکینه

«ظ» ظهیر فا ریابی

((ع)) عمر بن عبدا لعز یز

((ك)) کتا یو ن

((ل)) لیلی

((م)) ماز یا ر ـ مزدك

((ن)) ـ نو شیرو ا ن

((و)) و امق ـ

((ه)) هخا منش ـ ها رو ن‌ـ الر شید .

((ی)) یزد گرد

این د ختر کیست ؟

او از چهره ها ی سینما ی فرا نسه ا ست که با شر کت در سه فلم شهر ت را حا صل نمود او با اینکه سنش نسبت به‌ستار‌ـ گا ن د یگر کم ا ست ا ما از اینکه شهرت او تنها دراستعداد شس که در هنر سینما وا کت دا شت به شهرت رسید . یکی از فلمها ی او که بنا م ((آد ل ـ هو گو)) نا م دارد و ((فرا نسو آترو فو))کار‌ـ گر دا ن مشهور فرا نسو ی آنرا سا خته بود که او شهر ت جهانی دا رد مشهور شد این فلم شر ح حال «آدل هو گو» د ختر و یکتو ر هو گو نو یسند ه نامی سده نوز دهم فر ا نسه است بازی چشمگیر این د ختر و مهارت ترو‌ـ فو در کار گر دا نی ، از ین ما جرای وا قعی‌عصر ر ما نتیك فلم سینمایی جا لبی سا خته ا ست . فلم دو م که او درآن کار نموده است بنا م ((پو ستین و تا بستا ن زیبا)) بود و بعد از ین شهر ت ز یا دی حا‌ـ صل نمود . خو ب اگر فلم او را و یا با چهر ه ا ش آشنا یی دا رید برا ی ما اسم او را و هم ازفلمهای اویك و یا دوتای آن را نام ببرید.



بقیه صفحه ٤٥

پیشروان دورنماسازی...

وی در بازگشت از ایتالیا بکشور فرانسه رفت ودر این سر زمیـــن همسری برای خود برگزید وشهر لیون شاهد ماسم ازدوا ج وی بود . زمانی که درپاریسس اقا مت داشت، از او دعوت شد تاکار آرا یشس و تزیینات کاخ(لامبر ت) را بر عهده بگیرد . پسس از خاتمه تزیینا تقصر لامبرت ، ژان به هالیند با ز گشت وتاآخر عمر در میهن خود ماند ،دو اثر برجسته وبی نظیر (ژانآسلین) که در حال حاضردر موزه کوپنهاگ محفوظ است ، تناقض عجیبی رادر دگرگونی زمینه های تابلو هاینقاشی آشکار میسازد و هر بیننده را به رموز هنر دور نماسا زی و منا ظر وروش ایتالیایی نقاشا ن هالیندی آشنا میسازد . در این دو تابلو ی بی نظیر (ژان آسلین) دو مر حله و دوگونه سبك را ارائه میدهد .

تابلوی (کشمکشس سوارنظا م) (سا ل ١٦٣٤) احساسا ت هالیندی ها وخصا یص این قوم رادر عرصه برده منعکسس کرده وتابلو ی(دور نمایی باویرانه ها) مناظر گر م وپر شور ایتالیا رادر دور نماســا ز ی هالیند ی متجسم می بخشد .

در این دو اثر ژان آسلینتحسین واعجاب هنر دوستا ن را بر انگیخته ودر عین حال به طور آشکار تعریف ذهنی را از مکتب ها آرلم و سبك کلاسیك دور نماسازا ن ها لیند ی درنیمه دوم قرن هفد هم جلوه می دهد . (ژان باتسس) پیشرو دورنما

ساز ان هالیند ی پیروسبك ایتالیاـ یی ومناظر ایتالیا در دور نما ها ی هالیند ناچار بو د تاحدا مکا ن بـــا احساسات و تما یلات قومی وایدیاـ لیزم هنری(ها آرلم) رو ی موا فـق نشان دهد وازینرو بود که در تابلو های ژان باتسس مناظر ایتا لیا را در دورنماهای هالیند ی باسبك ها آرلم واحساسات قومی در هم آمیخته و

نیروی ابدا ع راباکمال معنا ی آن ، در آثار اومشاهده می کنیم ....اما (ژان آسلین تفکیکی در اید یالیز م هنر ی هاآرلم وریالیزم سبك نودر مناظر ایتالیا قایل میشود . او دور نماهارا به طورمجزا در زمینه پرده ها بوجود میاورد . سبك ها آر لمرا در دورنما ی باویرانه) نشان مـــی داد .ژانآسلین در کلیه آثار خویش کوشش فراوا ن به کار برده استتا حداکثر استفاده را از آفتا ب گر م ایتالیا وتابشس دلپذیر آن بر رو ی گیاهان ودرختان وبالاخره تا بند گی درخشان وروشن آنرا در دور نــما های خود ظاهر سازد .

به ایــن ترتیب ژان آسلین نیــزـ به راه (ژان با تسس) رفت و سبك نورا در دور نما سازی ها لیند ی ترویج داد . پاره ای از متخصصین وصاحبان بصیر ت در هنر دور نما سازی هالیند ، براین عقیده اند که شا هکار های ژان آسلین از آثــار (کلود لورین) الها م گر فته استو براین ادعا دلایلی نیز ارا ئه میدهند ولی یك امر مسلم در آثــــار (ژان آسلین)وجود دارد کهکم‌ترین تشابه هنری رابا (کلود لوزین) نشا ن نمی دهد .

توجه عمیق هنر دوســتا ندردو قرن نزدهم وبیستم به آثار ژانبات وژان آسلین بانظریه (هو بار کین) در آغاز قرن بیستم تطبیق میکند و آسلین را پیشرو دور نمـاســازان هالیندی میدانند که منا ظر زنده و درخشان ایتالیا را با روش ابتکاری خود در دور نماها ی هالیند ی جا ی داد. تابلوی (یکرود خانه) کهاکنون در موزه کو پنها گــ هنر دو ستان سراسر جهان را بسو ی خود جلب میکند ، بانقشس رقیق و رنگ‌آمیزی ملایم ، همراه با شفا فیت آسما ن این دور نمارابه رویا یی دلفر یــب مبدل میسازد .

(کلودلورین) دور نماسازفرانسوی به تجسم مناظر روستا یی وصحرایی در دور نماهای خود علاقمند بود . حال آنکه دور نماها ی آسلین سراپا در هیجان عیشس ونو ش و صحــنه های باده نوشی غر ق شده است و مخصوصا تابلو هایی که باندا زه های کوچك دور نمای سر گرم کنند رابر آویزان کرد نسالو ن ما تهیه کرده‌است .

(آسلین) در تابلوی (دور نما ی کوپنهاك) تصورا ت شا عرا نه رابه کار برده‌است وما درینتابلوکم‌ترین اثری از کاخهای پرشکوه از بابا ن ومنازل وابستگا ن آنها مشا هــده نمیکنیم ، بلکه چار پایانی را درپیچ وخم کوچه‌های این شهر کهدراطراف آنها گله بانان وچوپانان در حر کت اند می بینیم که گویی‌شتا ب می ورزند وبرای کشتار میروند .

(پنیاکر) به نوبهٔ خود از نقاشان معروف هالیندی است که آرا یشس بیشتری به دورنما های خود بخشیده است. تابلوی (رودخانـــه) (١٦٥٩ میونیخ) شاهکار جاویدان پنیا کــر است .

د ٤٥ مخ پاتې

هنرمند او...

هم دوی نه‌نیکمرغه کوی څکه چې نجلی ډیره وارخطاکیږی (دغه رول دستراکتر اوهنرمنداو دده دملګری لمیټ او لفسکی له خواتر سره کیږی) نوموړی سړی په زیاته پیمانه پردی باندی عاشق دی لاکن ددی ددارنګه احساس پـه نسبت خفه دی. اودخپل هغه حریف په‌نسبت زیات زړه شینی دی کوم چې‌ددی غوښتونکی اوده تعقیبوونکی دی ددی څخه‌پوښتنه‌وشوه چې دا یوه تراژدی اوغمناکه کیسه ده داسی نه‌ده؟ وی‌ویل: لاکن‌په‌عین‌حال‌کی دایوسانیری اوپام غلطوونکی داستان هم دی اوبیا پوښتنه وشوه چې تاسوددغه نه حلیدونکی حالت په هکله څه احساس کوی . وی ویل : زه غواړم چې‌حل‌اوفصل‌یی کړم .

تاسود شوتینګ اویاد یوی منظری او پیښی دعکاسی په وخت کی څه ډول فکر او احساس کوی .

زه نه‌پوهیږم چې ځینی خلك ولی دفلم په لید لوسره ځینو هنرمندانو ته اویاد هغوی حرکاتوته په دومره تعجب او حیرانتیا ګوری په داسی حال‌کی چې ښایی‌دوی دغسی‌حرکتونه په‌عادی ژوند کی ډیر زیات لیدلی وی.

اوس ایلی کولی د«کالوال» په توګه په فلم کی څرګندیږی. اومخکی له‌دی‌هغی د«ډورا» په رول‌کی فلمی انځور سرته رسولی واود «مرګ بیه»نومی فلم کی دی ددغه فلم دمحورپه توګه تراژدی رول لوبولی اودي په دغه تراژدی‌رول ترسره کولو سره دخلکو یوشمیر زیات هغه پیشنهاد ونه درکړه چې ددی څخه یی هیله کړی وه‌چې په داډول رول کی برخه وانه خلی

لاکن دی بیاهم دغه‌رول‌ترسره کړ او خلکونه یی‌په ځواب کی وویل : آیا دازما ګناه ده‌چې داسی رول می‌په غاړه اخستی دی چې ستاسونه خوښیږی یعنی (تراژدیك) دی . داچې مادغه رول ترسره کولوته اقدام کړی او ښایی دلته داسی یومفهوم اوسوژه پرته وی چې‌زمالپاره په زړه پوری او دخلکولپاره آموزنده ښــه ولری . باید وویل شی کله چې کولی دیوی موضوع د انځورسره مینه پیداکړی ده نوناسو باورولری‌چې‌هغه‌پوره‌بریالیتوب سره‌تمثیلولی شی .کولی دغه مرکه دخلکو دزیاتو غوښتونو په اساس کړی ده.

بقیه صفحه ٢٥

زنان در...

طوریکه قبلا یاد آور شدیم ز نان حق دارند کار کنند و معاشس‌مطابق بکار خویشس بدست آرند . ودرین زمینه دو لت اتحاد شو روی هرنوع تبعیض بر ضد زنان را غیــــر قانونی دانسته ودر حصول معا شس تفاوتی بر اساس جنسس قطعـــا ممنوع است . واصل سوسیالیســم یعنی از هر کسس طبــــــــــق استعداد شس ، بهر کسس به اندازه کارشس ،بطور مساو یا نه‌مشمو ل زنان و مردان میشود . زنان نه‌تنها در همه جهات زندگی اجتماعی بـــا مردان حقوق مساوی دارند بلکــه آنها از امتیازاتی نیز بر خوردارند مثلا ، **دولت زنان حامله را بکارهای** سهلتری‌تبدیل‌میکندکه‌درینوقت بــا وجود یکه وی کار آسا نتـــری را اشغال کرده است ، دولت هما ن معاشس قبلی رابوی‌میدهد وهمچنان زنانیکه ماشینهای زرا عتی را بکار می اندازد در معاشس آنها بامردان تفاوتی دیده نمیشود .

در اتحاد شوروی حق مساو ی زنو مرد درکار اجتماعی ناشی از مساوات آنها در فراگیری تعلیم و تربیت است . در این کشوردولت نظر به ارزشیکه به علم و دانشس قایل است . تعلیم و تربیت راجنبهٔ عمومی داده و فراگیری آن برا ی همه رایگان است .

در اتحاد شو روی بر اساس قانون اساسی برای محافظت زنــان در کار و همچنان حفظ صحتآنها نورمها ومقررات بخصو صی ایجاد شده است و خلاف قانون خوا هد بودکه زنان رابه‌کار های که بـــه صحت ایشان مضر ومافوق قدر ت شان باشد استخدام نمود . زنا ن رابه وظایفیکه ساعات کار شس‌کم رخصتی اضافی وتقاعد بیشتـــــر داشته باشد جذب میکنند . و این امتیاز زیاتر به کار گرانیکه‌صا حب طفل اند ، داده میشود .

بقیه‌صفحه ۳۳

پرورش جسمی

هریکروز بعد تر ۲ـ۴ دقیقه به آن بیفزایید.

درحالیکه زمان‌بصورت تدریجی ازدیاد می یابد جلد طفل منظماً زیر شعاع آفتاب قرار میگیرد وبه‌اصطلاح‌میسوزدبدون‌آنکه کوچکترین اثر سوختگی و ناراحتی های جلدی بر وی پوست بدن طفل ظاهر گردد. در زمان غسل آفتابی روی طفل باید توسط چیزی از آفتاب پنهان گردد. چونکه ازداغ‌شدن سو ختگی‌و آفتاب زدگی طفل در امان ماند. شعاع دادن بدن باید بالنوبه، تخته پشت، یك پهلو،سینه وبعدا پهلوی دیگر ، انجام شود .مجاز نیست که غسل آفتابی را فورابعد ازصرف غذا، پس ازتمرینات ورزشی ویاراه پیمایی خسته‌کننده اجراء کرد.

باید درمورد صحت و سلامت طفل درطول تمام دوره های گرفتن غسل آفتابی مواظبت بعمل آید زیرا هر طفلی غسل آفتابی رابه‌شکل گوارای آن پذیرفته نمی تواند. دربعضی ها ممکن است سبب سقوط اشتها شده ودربرخی خواب را مختل گرداند .یکی رابه دردی مبتلا ساخته ودردیگری درجه حرارت وجودش رابالا برده سبب بروز تپ و ناراحتی شود .اطفال مکتبی می توانند در هنگام بازی های مختلف ساعت تیری های خود از غسل آفتابی بهره مند گردند .

بهتر است که غسل آفتابی راباغسل آبی آببازی ،دوش گرفتن و یا آب ریختن بالای وجود خاتمه داد .

بهترین اوقات غسل‌آفتابی در مناطق‌گرمسیر از ساعت ۸ـ۱۱ درمناطق معتدله از ۱۰ـ۱۲ ودر مناطق سردسیر از ۱۱ـ۱۳ روز می باشد .

اطفال بعضا خوشی دارند که رنگ‌جلدشان زیر شعاع آفتاب «نصواری»شود و مدت های زیادی در آفتاب قرار میگیرند (۱٫۵ـ۲ ساعت) این عمل بالای سیستم عصبی آنها و خلاصه آنکه بالای وجود شان بصورت عمومی اثرـ ناگواری از خود بجا میگذارد.

غسل آبی، چون مساژ دادن وجود با قطیفه نم‌دار ،ریختن آب بالای وجود و گرفتن دوش تاثیر عمده درامور آبدیده کردن طفل دارد. بهتر است غسل آبی را در تابستان با احتیاط وبصورت تدریجی آغاز نمود .

هرگاه به مقصد غسل آبی کار را آغاز می کند باید یك پارچه نرم فلانل‌و یاقطیفه ملایم راگرفته در آبیکه ۳۲ درجه حرارت‌داشته‌باشد غوطه نموده وبعداً باآن طفل رامساژ بدهید برای اطفال کلان تر درجه حرارت آنرا موافق بادرجه حرارت اطاق تنظیم نمایید .

باید به‌خاطر داشت که به هر اندازه ایکه آب‌سردتر باشد به همان اندازه از آن کمتر استفاده بعمل آید .

شاور گرفتن در تابستان خیلی هامفیداست اگر شاور گرفتن در هوای آزاد به مدت ۵ـ۶ دقیقه صورت گیرد ودرجه حرارت تا ۵ـ۳۳ درجه پایین آورده شود خیلی ها مفاد دارد.

آب انداختن بالای پاها ویا پا هارادر بین آب گذاشتن که‌در هنگام صبح و یا شام قبل ازخواب انجام شود خیلی ها فایده دارد آبیکه بالای پاها انداخته میشود نباید از یك لیتر کمتر باشد وتا بجلك پاهارابابد احتوا کرده و تر نماید تر کردن پاهای طفل به‌این شکل است که در تشت آب انداخته طفل چند دقیقه ای پاهای خودرا در تشت آب قرار داده وآنها راشور میدهداطفال پس‌از هرنوع آببازی دوش گرفتن، غسل و غیره باید پاها راباتکه خشکی خوب پاك نمایند .

تاثیر ات حرارتی‌فشارکتله‌آب تاثیر وشعاع آفتاب امواج و املاح مضمر است .فقط به اطفالی که سن و سال شان از ۳ـ۴ سال‌بالاتر باشد اجازه داده می‌شود که‌در آبهای آزادغسل کنند. به اطفال مکتبی وقتی اجازه آببازی‌داده می شود که درجه حرارت آب از ۱۸ـ۲۰ درجه‌و درجه هوا از ۲۲ درجه کمترنباشد باقی ماندن آنها دربین آب در ابتدا نباید از ٤ـ۵ دقیقه بیشتر طول بکشد. بعد هااین مدت تا۱۰ـ۱۵ دقیقه نظر به عکس العمل طفل طول میکشد. ادامه زمان‌غسل‌اطفالی مبتلا به امراض مزمن اند ویا جسماضعیف ویا ضعف اعصاب داشته باشند به مشوره طبیب معالج تعیین‌و تثبیت می شود .

بقیه‌صفحه ۳۷

مرد یکه‌ازاو...

صد دولاری از آن بیرون کشید و بدون اظهار کلمه ای‌آنرا به«رامسای» داد.

«رامسای» در حالیکه با نکنوت صددولاری را در جیب خود می گذاشت بالبخند رضائیت آمیز ی گفت :

ـ دوست من ، شاید این درسی برای شما باشد ، تا دیگر اینقدر ازخود راضی نباشید وتخیل نکنید که راستی هر چیز را میدانید .

به این صور ت ((کیلادا)) شر ط . را باخته بود واین قصه در سرتاسر کشتی پراگنده شد وهر کسی که‌با اومقابل می‌شد ،یك حرف استهزا آمیزی راجع به‌این موضو ع می‌زدو شکست ((آقای همه چیز دان)) را برخش می‌کشید . اما (کیلادا) با حوصلهٔ طاقت فرسای ،آنها را می شنید وسکوت می‌کرد .

مادام ((رامسای)) بعد از این واقعه باجملاتی که سرش درد می کند ، عفو خواسته مجلس را تر ك کردو به کابین خود رفت .

صبح روز دیگر من او لتر از جا برخاسته و میخوا ستم صورتم را بتراشم ، ((کیلادا)) هنوز در بستر خود افتاده ومتفکرانه سیگار می کشید .

دفعتا صدای خشن خشنی از عقب درب کابین ما در کشتی بگو شم رسید ودر لحظهٔ دیگر دید م مکتوبی از زیر پلهٔ در بداخل اطا ق رانده شد . من نامه‌را برداشتم و دید م با خطوط درشت اسم ((کیلادا)) بروی آن نوشته شده است . بنابر آن نامه رابه ((کیلادا)) دادم .

اوقبل از آنکه آن را بگیرد ، سوال کرد :

ـ برای من ؟ از کیست ...؟

اما د رروی پاکت اسم فر ستنده نوشته نشده بود . هنگامی که آن‌را باز کرد باصدای حیر ت آوری‌گفت:

ـ ((اوه ...!))

در پاکت نامه ای وجود ندا شت بلکه در میان آن یك بانکنوت صد دولاری با یك ورقهٔ کوچك سفید گذاشته شده بود ، که در روی آن صرف یك جمله باخط ظریف زنا نه تحریر گردیده بود:

((ازصمیم قلب از شما متشکرم!))

((کیلادا)) نگا هی جانب من انداخته ، دوباره قرمز شد . آنوقت پاکت را باورقه ریزه ریزه نموده بمن دادوگفت :

ـ خواهش می کنم این را از پنجره به‌آب های بحر بیندازید .

بعد از آنکه خواهش او را بجا آوردم، باتبسم نگاهی‌جانبش‌انداختم . در حالیکه از جایش برمی‌خاست گفت:

ـ هیچکس نمیخوا هد در مقابل تمام مسافرین کشتی به حیث احمقی معرفی شود .

من سوال کردم :

ـ آیا مروارید ها اصل بودند ؟

او بدون آنکه مستقیما به سوال من جواب بدهد ،بعد از مکث‌کوتاهی گفت :

ـ اگر من چنین یك زن زیباداشته باشم ، هیچوقت اورا برای یك سال در شهری مانند نیویارك تنها نمی گذارم ، در حالیکه خودم در(کو به) باشم .

در این اثنایك صمیمیت عجیب غریبی در قلب خود راجع‌به(کیلادا) احساس کردم .

بقیه‌صفحه ٤

اصول رهبری...

آیا تذکرا ت عا لما نه ، انقلا بی وصمیما نه فوق نتیجه تحلیل درست فاکت ها و استخرا ج شعار ها و رهنمود ها ی عمل انقلابی نیست ؟ آیا در مر حله کنو نی عمد ه ترین سوا ل برای سر کو بی ضد انقلاب وپولادین شدن حزب تامین و حدت عام و تا م و عملی در حزب نیست ؟

آیا درین مر حله حساس تاریخ حزب و کشور مهم ترین وعمده ترین مسئله فشرده شدن،بهم پیو ستن و یکدست و یك زبا ن بود ن همه نیست ؟

چار مین اصل رهبر ی علمی جنبش ، حزب و جا معه همانا آمو ختن از تود ه ها و ذربین آنها بودن است یعنی باید بهر ه کا فی از اندرز توده ها گرفت. ز یرا هر قدر هم رهبر ی و دستگا ه‌رهبری خرد مند باشد با دقت عمل کند بر اساس فاکت های جا مع وموثق و تحلیل های علمی و عمیق و خلاق وجمعی نتیجه گیر ی نماید ، رهنمود های عمل را بدر ستی تعین کند باز هم خطر خطا مو جود است زیراپدیده های اجتما عی فو ق العاد ه جا مع الاطرا ف و بغر نج متحر ك ومتغیر متنو ع و گو ناگو ن هستند . لذا باید در جریا ن یك عمل ورسید ن به هد ف دایما گوش به زنگ‌انتقاد ها اندرز ها پیشنهاد ها و ابتکا ر توده هابود.ولی نکته مهم در ینجا اینست که ازبین همهٔ آنها باید ثمربخش ترین وهدف‌رس‌ترین‌شان‌را انتخاب کرد که‌دولت مترقی ماچنین میکند

بقیه صفحه ۵۳

بهزاد مشعل...

است برای تمام کردن یک چنین کتاب نفیس اغلب سالهای درازلازم میشود این نسخه خطی که از آن سخن میگوییم در ۱۴۷۵ از طرف محمد ابن عطار استنساخ و بهزاد نیز با صورتهای چینی پیرایه‌اش بسته است قیمت و اهمیت این نسخه از این جهت است که صورتهای او از شهکارهای استادبهزاد است بعقیده مارتین در میان این صورتها درویشهای رقص کننده و مجلس پذیرایی خسرو از شیرین و ولادت مجنون و منظره بهار و تصویر مرد یکه طوطی سبز رنگ در دست دارد از جمله شهکارهای بهزاد میباشد .

بهزاد بطرز و ترتیب صنعتکارهای فرنگ کار میکرد وبانداز ه او در کارهای خود دقت و سعی بخرج میداده است . یکی از بهترین و قشنگ ترین صورتهای که هیچ نقاش چنین اثر بدیعی بوجود نیاورده لوحه میباشد که منظره روح افزای بهار را نشان میدهد. این تصویر فصل بهار پرتو آفتاب ویك زندگانی خرم ویك روشنایی تندرا بما الهام میکند که این دورنمای قشنگ و این منظره دلکش فقط منحصر بسر زمین آریانا است در واقع هیچوقت چنین جلوه طبیعت در ممالک فرنگ و حتی در ایتالیا نیز مشاهده نمیشود لوحه که پذیرایی شیرین را نشان میدهد بی‌شبهه‌ازیک‌پرده‌نقاشی دیواری ماخوذو‌ملهم‌میباشدزیرازمینه تصویر بسیار وسیع بوده نظربایی‌رنگهای شدید حیرت آور نیز خیلی بزرگ است باوجود این در جزئیات آن بعضی چیزهای حیرت بخشی دیده میشود مانند طارهای چوبی که باوجود آن نازك کاریهای دور بینی نقشیهای آنها ازهمدیگر فرق دارد کارآخربهزاد در موزه‌لنینگرادموجود است‌که‌درجه‌احساسات وافکار قوه مبتکره او را بخوبی نشان میدهد. در این میناتورها قصه لیلی ومجنون را تصویر کرده است و در واقع در نقش کردن این میناتورها و درنشان دادن طبایع مختلف حیوانات قوه جذبات عشق اظهار خارقه نموده است که در یکی ازین تصاویر شکل مجنون را بطور واضح کشیده مثل اینکه‌یك‌عاشق دلسوخته سالها است که پی‌معشوقه خود گردیده و بعد از طی راههای خطرناك بوصال محبوب به خود رسیده سر محنت دیده خود را در روی زانوی دلداده خود گذاشته و چشمان حسرت کشیده خود را باجمال کعبه آمال خود دوخته است. دریکطرف شتریکه از قیود امور زندگانی و از مبارزه جانبازی میدان عشق آزادانه از آتش فراق سوخته و نه از جام مستی بخشش وصال سر مست شده با طبیعت حیوانی خود لا قیدانه مشغول خوردن خاراست.وبازدراطراف لیلی‌و مجنون سایرحیوانات‌ازقبیل غزال‌وخر گوش وشغال و غیره هر یکی در حال طبیعی خود مشغول چریدن و دویدن هستند . در نصف دیگر آن که با یك نهر جدا میشود حیوانات درنده از قبیل شیر و ببر و پلنگ وغیره مشغول خورد و خواب می باشد ، بهزاد در واقع در کشیدن و ترتیب دادن این میناتورها بقدر نقاشی های امروزی فرنگ ابراز هنر نموده و نقاشی را از خیالات واهی بطرف حقیقت هدایت کرده است چنانکه در ایران و هندستان چندین بار تصویر لیلی و مجنون را کشیده اند و در اکثر آنها حیوانات اهلی را با حیوانات درنده در یکجا نشان داده اندبدیهی است که این مساله وامثال آن از اغراقات شاعرانه است دیگر نمی توان داد زیرا که پلنگ هیچوقت نمیتوانند این نکته را خیال بکنند که لیلی و مجنون یکدیگر را از ته دل دوست میدارند ونباید بایشان دست بزنند و یا برای خاطرایشان بره و آهو را که پیش چشم او خوابیده اند راحت وسالم بگذارد تاتشه لیلی و مجنون بهم نخورد . ولی ذکاوت‌بهزاد این مساله غامض را بطوری حل کرده است که هم از اسلوب قدما دوری نورزیده و هم قدمی بطرف تجدد برداشته است چنانکه حیوانات درنده ووحشی را بایك نهر از حیوانات اهلی تفریق کرده است .

بقیه صفحه ۸

قانون جزای جرائم ...

موارد حقوقی ونظامی نداشت بایداز خود دفاع کند و یا در صورتیکه وکیل هم داشته‌باشد چون وکیل موقف حکومتی دارد توانایی دفاع را از متهم در برابر اتهامات خارنوال و قرار گرفتن در یك‌موقف احتمالی ضد حقوق دولتی را در سطحی که‌برای متهم مفید افتد نداشت وبه‌همه‌این دلایل امکان داشت حقوق متهم تاحدودی تلف گرددو مواردی که میتوانست‌به‌اقل مجازات تخفیف یابد به اشد حالت مجازاتی میرسد ، نظر شما به عنوان افراد مسلکی در امور قضایی و حقوقی نظامی در این باره چیست ؟

ابوی معاون خارنوالی قوای مسلح :

همانگونه که اطلاع دارید قانون جزای جرایم‌علیه‌احضارات محاربوی نو نافذ گردیده و هم چنین تشکیل خارنوالی نظامی در قوای مسلح تازه بپا ایستاده است ، اینکه در گذشته محاکم اساس کار خود را برچه منوالی قرار میدادند و یا خارنوالها به چه شیوه یی کار میکردند موضوعی است که‌گذشته و من هم با صحبت پیرامون آن وقت مجلس را نمی گیرم ، چراکه شرایط گذشته با همه نابسامانی های خود برای همه روشن و آشکار است .

اکنون نحوه عمل خارنوالی قوای مسلح کاملا دموکراتیك است به این صورت که ما حق دفاع به متهم را با در نظر گیری تمام حالات به وی میدهیم و حتی در صورتی که متهم خود نتواند از خود دفاع کند مجبورش می سازیم که برای‌خود وکیل بگیرد و اگر اقتصاد متهم ایجاب کند به‌وی اجازه داده میشود که مطابق میل خود برایش از بیرون وکیل مدافع استخدام‌کند و در صورتیکه شرایط اقتصادی اجازه این کار رابرایش ندهد یکی از سربازان و یا صاحب منصبهایی که به موارد حقوقی و نظامی معلومات کافی داشته باشد به میل متهم میتواند دفاع از وی را عهده دار گردد ـ یعنی در هر شرایط امکانات طوری به وجود می آید که حتماً یك نفر دفاع از متهم را عهده دار گردد .

دراین مورد که‌شما اشاره کردید که خارنوال از حقوق دولت دفاع میکند قبول دارم ـ درگذشته به همین اساس بود که خارنوالها میکوشیدند حد اکثر مجازات را برای متهم از محاکم مربوط تقاضا کنند_اما اکنون چنین نیست و خارنوال از حقوق دولت نه بلکه از قانونیت و عدالت دفاع میکند و با توجه به اینکه یکی از وظایف خارنوال نیز نظارت بر قوانین است میکوشداز تطبیق‌درست قانون دفاع کند .

مدیر مسوول : راحله راسخ‌خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمانزاده
آدرس : انصاری وات ـ جوار ریاست مطابع دولتی
تیلفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹
تیلفون توزیع وشکایات : ۲۶۸۵۹

دولتی مطبعه



ازره آورد ها ی اتحاد شوروی:

خیرنهل محمد دین ژواك

بهرادمردان آنجاو اینجا !

در آنجا که جوا نا ن و دخترا ن بشاش خند ه کنان با نظر ها بازی میکردند .

در آن پا ر کها که همه از سرور زند گی بهره دا شتند .

و آن ما وائیکه کدورت ها بـــه دلهاراه ندا شتند .

بلی: درآن محل که باغش مسکن خوشبختا ن بود.

بیا د تو .... ! هما ن بیا د توای و طن ای جا یگا ه شیرا ن – نا زید م و با ز هم می نا زم....؟

در آنجا که ا نس صلح بشر ی شعار روز بود .

در آن ما وا که آرا می و ا مـــن جها نیا ن در رگ و خو ن شـــان تپید نها داشت ...

در آن جا ، درآن آشیا نهٔ سیاه وسفید در جا یگا ه انس‌وا لفت‌و در خا نه شوری ها ..... !

بیاد شما راد مردان وطنم

ای نبرد آز ما یان را ه جهـــان نو سا زی

وای مردا نیکه شهید این آرمانها شده اید.

ناز ید م‌و با زهم می نازم .

می‌نازم به کوه های شا مخت

می نا زم به دره و دیا رت

می نا زم به با غ وراغت ، می نازم و باز هم می نازم !

درآن فابریکه هاییکه کارگـران قهرما ن عر قریزی ها دا شت .

در آن کلخو زها که دهقا نا ن ازثمر بازوی پر توا ن خود افتخار را نصنیب خود دا نسته بود .

در آن مترو ها که گلبا زا ن از بکسان سبد گلی را بــه ر خ کشید ه بود .

در آن سا عا ت یادت !

بلی ! یاد ت توا ن قلبم بو دای بتو !

زاده این آب وخاك بتو ای یادی ازیاد گارهای ا مو

وای گل شگفته آرما نها ی من! وهیر مند !!

نازید م و با زهم می نازم .



شنبه‌اول قوس ۱۳۵۹ ـ ۲۲نوامبر ۱۹۸۰
سال ۳۲
شماره‌ـ ۳۴ـ ۳۵
قیمت یک شماره (۱۳)افغانی